



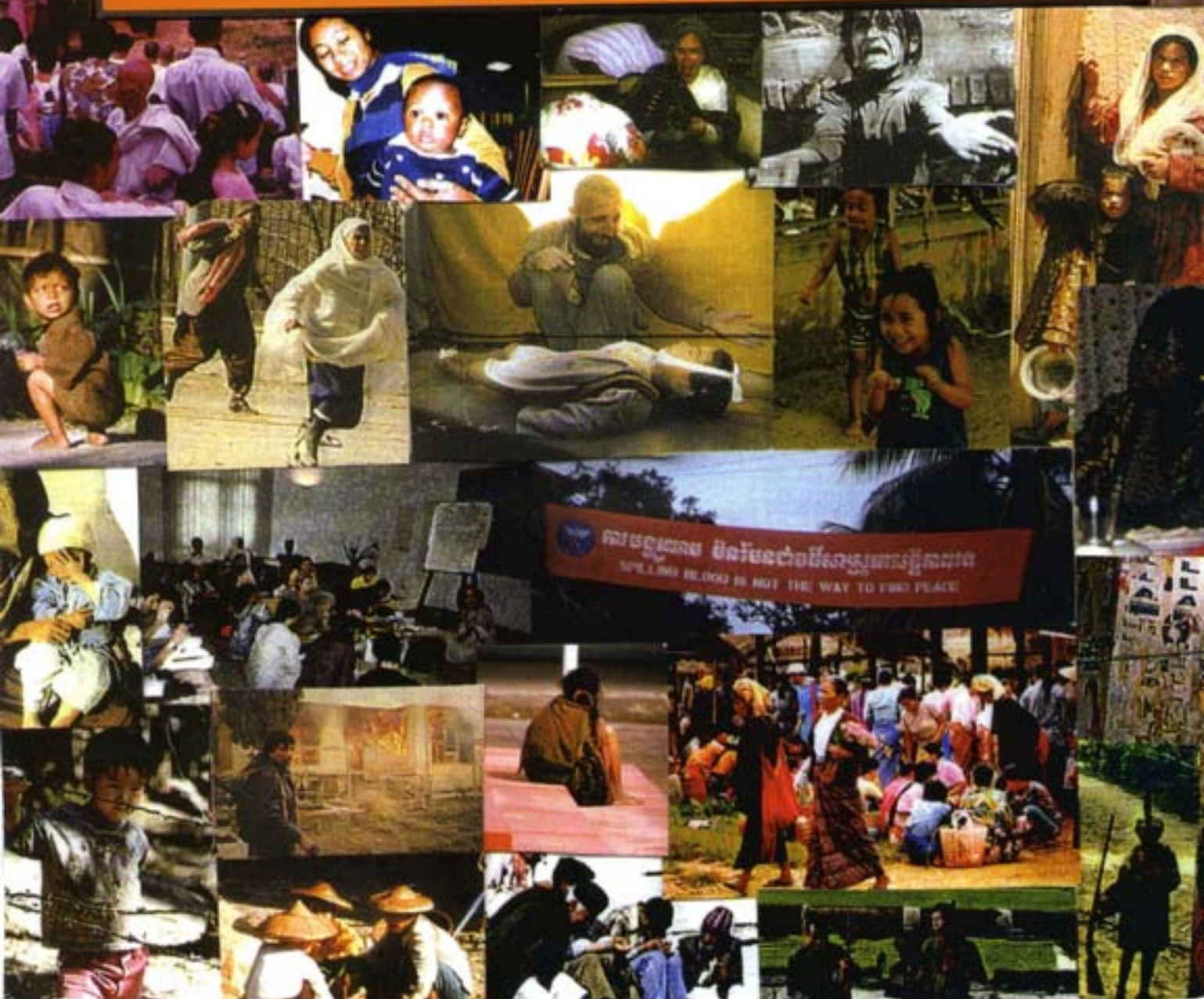
مشارکت عمومی در جامعه مدنی

راهنمای فعالیت های اجتماعی و سیاسی

هما هودفر - نیلوفر پذیرا

ترجمه ن. حق وردیان

ویراستار: سیما سودخواه



مشارکت عمومی در جامعه مدنی

راهنمای فعالیتهای اجتماعی و سیاسی

هما هودفر - نیلوفر پذیرا

ترجمه ن. حقوردیان

ویراستار: سیما سودخواه

مشارکت عمومی در جامعه مدنی

راهنمای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

هما هودفر - نیلوفر پذیرا

ترجمه ن. حق‌وردیان

ویراستار: سیما سودخواه (با همکاری هومن عباسپور)

چاپ اول: ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

لیتوگرافی: صبا - چاپ و صحافی: صادق

همه حقوق محفوظ است.

ISBN:964-95657-0-1

شابک: ۹۶۴-۹۵۶۵۷-۰-۱

Hoodfar, Homa	هودفر، هما، ۱۳۲۹-
مشارکت عمومی در جامعه مدنی: راهنمای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی / مؤلف هما هودفر؛ نیلوفر؛ ترجمه ناتالی حق‌وردیان؛ ویراستار سیما سودخواه. تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۳.	
۱۴۰ ص. : مصور	
ISBN 964-95657-0-1	فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
	عنوان به انگلیسی:
Building Civil Societies, A Guide for Social and Political Activism.	کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. زنان - فعالیت‌های سیاسی. ۲. جامعه مدنی. ۳. مشارکت اجتماعی. الف. پذیرا، نیلوفر. ب. حق‌وردیان، ناتالی، ۱۳۵۷-، مترجم. ج. عنوان. ژ.	
۳۰۵/۴۲	م۵۹هـ / HQ۱۲۳۶
	۱۳۸۳
۸۳-۸۷۴۶	کتابخانه ملی ایران

مشارکت عمومی در جامعه مدنی

راهنمای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

فهرست

- ۱.....سپاسگزاری
- ۳.....درباره نویسندگان
- ۴.....مقدمه: فراخوان
- ۷.....بخش ۱: اعتراضان را به گوش دولت و مردم برسانیم
- ۹.....شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و ابتکار تهیه فراخوان
- ۱۴.....تلاش برای تشکیل جامعه مدنی
- ۲۴.....رایزنی برای ایجاد اصلاحات حقوقی
- ۳۵.....مشارکت در امور بین‌المللی
- ۴۵.....نتیجه
- ۴۷.....بخش ۲: مشارکت اجتماعی و سیاسی
- ۴۹.....مشارکت عمومی
- ۴۹.....اتخاذ روش‌ها و راهکارهای مؤثر
- ۵۰.....انواع فعالیت عمومی
- ۵۱.....برنامه‌ریزی و زمان‌بندی برای مشارکت عمومی
- ۵۱.....شرایط بحرانی
- ۵۱.....فرصت‌های مناسب
- ۵۲.....تغییرات ساختاری در درازمدت
- ۵۵.....واکنش به شرایط بحرانی: تهیه و تنظیم و توزیع فراخوان

۵۷	اصول راهبردی برای آماده‌سازی و نشر فراخوان
۶۸	نمونه‌هایی از فراخوان شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان
۷۳	جلب حمایت و مبارزه برای ابراز همبستگی
۷۶	پاسخ به فراخوان‌ها: نامه‌هایی به دولت و مقامات رسمی
۸۵	مبارزه از طریق عریضه و جمع‌آوری امضا
۸۶	مبارزه «یک میلیون امضایی» زنان مراکش
۸۸	نحوه تنظیم عریضه
۹۶	مبارزه از طریق ارسال کارت پستال
۹۶	راهنمایی‌هایی برای تدارک مبارزه از طریق ارسال کارت پستال
۹۷	مبارزه برای دفاع از حقوق زنان در افغانستان
۱۰۰	مبارزه برای نجات کودکان عراقی
۱۰۷	مبارزه برای پایان دادن به جنگ داخلی سودان
۱۰۹	مبارزه از طریق ارسال کارت پستال محیط‌زیستی
۱۱۱	کار با رسانه‌های گروهی
۱۱۱	نوشتن برای روزنامه‌های محلی/ملی
۱۱۴	مخاطب قراردادن رادیو و تلویزیون
۱۱۷	راهنمای اولیه برای تنظیم اطلاعیه مطبوعاتی
۱۲۰	رایزنی مستقیم
۱۲۲	پیوست

به نام خدا

پیشگفتار

شبکه‌ای از نهادها و تشکیلات اجتماعی که به صورت خودمختار خارج از اقتدار سیاسی دولت فعالیت می‌کنند جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند و با طرح و بسط مطالبات خود در سیاست‌های قدرت و دولت تأثیر می‌گذارند.

شکل‌گیری جامعه مدنی در اروپا به قرن هجدهم برمی‌گردد، اما در ایران هنوز در ابتدای راه است و، از همین رو، پیش و بیش از آن، به تدوین ادبیاتی روشن و راهبرنده در این زمینه نیاز داریم تا نیروها و گروه‌های داوطلب بتوانند حرکت‌ها و خواسته‌های خود را در این بستر سامان دهند. ما هنوز نیازمندیم که درباره چرایی و ضرورت تشکیل جامعه مدنی بدانیم؛ درباره ماهیت، اهداف و روش‌های شکل‌گیری آن به عنوان سازمانی غیرسیاسی و تفاوت‌هایش با حزب به عنوان سازمانی سیاسی، و نیز درباره شیوه‌های عملی مشارکت مدنی که این کتاب مشخصاً به آن پرداخته است. بنابراین، هرچه بر ادبیات مکتوب جامعه مدنی افزوده شود، حرکت آن دانسته‌تر، بایسته‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود.

مجله زنان، به دلیل توجه به مسائل زنان و تمرکزی که بر آن دارد، از قبل هزینه انتشار این کتاب استقبال کرده است تا زنان ایرانی نیز بتوانند در این مشارکت سیاسی- اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنند. گفته‌اند:

«اگر می‌خواهید برای یک سال آینده برنامه بریزید، گندم بکارید؛ اگر می‌خواهید برای ده سال آینده برنامه‌ریزی کنید، درخت بکارید؛ و برای برنامه‌ریزی صد سال آینده، زنان را آموزش دهید.»

در اینجا، شایسته است از خانم سیما سودخواه و آقای هومن عباسپور برای تلاش بی‌شائبه‌شان در مراحل ویرایش کتاب و آماده‌سازی آن برای چاپ سپاسگزاری کنیم.

مدیرمسئول مجله زنان

شهلا شرکت

آبان ۱۳۸۳

سپاسگزاری

این کتاب حاصل تلاش عده‌ای افراد متعهد است که تا پایان کار با ما همراه بوده‌اند. با این‌که در ابتدا این طرح جزوه‌ای کوچک بود، بسیاری از دوستان فعال در «شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان»^۱ بر آن بودند که مسائل بسیاری درباره فعالیت‌های اجتماعی وجود دارد که باید به آنها پرداخت. متعاقباً، این کتاب تبدیل به پروژه‌ای بزرگ‌تر از آن شد که در ابتدا در نظر داشتیم. در اجرای این طرح، سپاسگزاریم از فریدا شهید^۲، کاساندرا بالچین^۳، سهیل واریچ^۴، کودو بوپ^۵، فیضون ذکریا^۶، زهرا بهدخت رشدیة، کتایون هودفر، کارولین براک دولاپریه^۷، سلطانا کمال^۸، سلما سبحان^۹، هارش کاپور^{۱۰} و پینار ایلکاراکان^{۱۱} که پیش‌نویس کتاب

1. The Network of Women Living Under Muslim Laws (WLUML)
2. Farida Shaheed
3. Cassandra Balchin
4. Sohail Warraich
5. Codou Bop
6. Faizoun Zackariya
7. Caroline Brac de la Perriere
8. Sultana Kamal
9. Salma Sobhan
10. Harsh Kapoor
11. Pinar Ilkcaracan

را خواندند و، با ارائه دیدگاه‌های خود، ما را راهنمایی کردند. همچنین، تشکر می‌کنیم از مریلین کاپلن^{۱۲} که ویرایش دقیق ایشان باعث هرچه بهتر شدن متن دست‌نویس ما شد. نیز، تشکر فراوان می‌کنیم از پاتریشیا ال. کلی^{۱۳} و کوری سیمسون^{۱۴} که دیدگاه‌های ایشان درباره نسخه دست‌نویس بسیار مؤثر بود. از کمک لایلا اترکچی نیز بسیار خرسندیم. این کتاب را مدیون مریمه هلی - لوکاس^{۱۵} هستیم که اولین جرقه این پروژه را زده و ما را مثل همیشه یاری کرده است. با تشکر فراوان از آرین بروننت^{۱۶} و «مرکز بین‌المللی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک»^{۱۷}، به خاطر بودجه‌ای که به این کتاب اختصاص دادند، و به خاطر انتقادات سازنده و تشویقشان؛ همچنین سپاسگزاریم از صبر و شکیبایی آنها، با توجه به این که جمع‌آوری اطلاعات این کتاب بسیار به طول انجامید. و بالاخره، با سپاس از مجله زنان که، با تقبل هزینه انتشار کتاب در ایران، امکان دسترسی زنان ایرانی و فارسی‌زبان را به این کتاب میسر ساخت.

12. Marlene Caplan

13. Patricia L.Kelly

14. Cori Simpson

15. Marieme Helie-Lucas

16. Ariane Brunet

17. International Center for Human Rights and Democratic Development

درباره نویسندگان

هما هودفر، استاد مردم‌شناسی در بخش «جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی» دانشگاه کنکوردیا، تحقیقاتی میدانی در مصر و ایران و کانادا انجام داده است. نوشته‌های اخیرش عبارت‌اند از: جنبش زنان در ایران: زنان بر سر دوراهی سکولاریسم و اسلام‌گرایی^{۱۸}؛ بین ازدواج و بازار کار: سیاست شخصی و بقا در قاهره^{۱۹}؛ توسعه، تغییر و جنسیت در قاهره: نگاهی از خانه (با دیان سینگرمن)^{۲۰}.

نیلوفر پذیرا خبرنگار و محقق افغانستانی‌تبار و علاقه‌مند به مسائل سیاسی اسلام و ظهور ملی‌گرایی قومی و تأثیرات آن در مسائل مربوط به جنسیت و جامعه مدنی است.

18. *The Women's Movement in Iran: Women at the Crossroad of Secularization and Islamization*, France: Women Living Under Muslim Laws, 1999.

19. *Between Marriage and the Market: Intimate Politics and Survival in Cairo*, Berkeley: University of California Press, 1997.

20. *Development, Change, and Gender in Cairo: A View from the Household*, (with Diane Singerman), Bloomington: Indiana University Press, 1996.

مقدمه

فراخوان

با فراخوان^{۲۱}، افراد و گروه‌ها برای اعتراض به بی‌عدالتی، حمایت از آرمان‌های انسان‌دوستانه و حقوق بشر، و ایجاد تغییرات اجتماعی بسیج می‌شوند. شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان قبل از ثبت رسمی، در ۱۹۸۴، در نوشتن و توزیع فراخوان نقش فعالی داشته است. جای تعجب نیست که این شبکه، به سبب ارتباطات وسیع با بسیاری از افراد و سازمان‌های بین‌المللی، خصوصاً در کشورها و مناطقی که اسلام مذهب رسمی آنهاست، پرسش‌هایی درباره نحوه نوشتن و چگونگی تهیه انواع فراخوان‌ها و نامه‌های اعتراض‌آمیز برای بسیج مردم دریافت می‌کند. این سؤالات بیشتر درباره ماهیت فراخوان و چگونگی تهیه و تأثیرگذاری آن، با توجه به محدودیت زمان، منابع، و انرژی فعالان است. چگونه می‌توانیم تشخیص دهیم که در چه شرایطی به نوشتن فراخوان نیاز است؟ آیا این فراخوان باید در سطح محلی توزیع شود؟ یا در سطح ملی یا بین‌المللی؟ همچنین، افراد برای کسب اطلاعات درباره نحوه تهیه بیانیه‌های مطبوعاتی^{۲۲} و عریضه^{۲۳}‌ها، و مبارزه از طریق ارسال

21. Alert for Action

22. press releases

23. petition

کارت پستال^{۲۴}، نامه‌هایی به شبکه ارسال می‌کنند. اساساً، شبکه با دو نوع سؤال مواجه می‌شود: سؤالات افرادی که آشنایی لازم با تأثیر این نوع مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی ندارند و یا در مورد این تأثیرات قانع نشده‌اند، و سؤالات کسانی که به اهمیت چنین مشارکت‌هایی در زمان بحران‌های حقوق بشر پی برده‌اند و نیز آنها که برای سازماندهی مبارزه‌ای اعتراض‌آمیز یا جلب حمایتی مؤثر نیاز به راهنمایی دارند. با این‌که شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان در پهنه سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای فعالیت می‌کند، از گذشته این سیاست را در پیش گرفته است که به همه درخواست‌ها، مورد به مورد، پاسخ گوید. با این حال، چون تعداد اعضای شبکه‌های فعال افزایش یافته و برای گرفتن راهنمایی‌های کلی درباره انواع مشارکت‌های مردمی و خصوصاً راهنمایی برای تهیه فراخوان‌ها و به‌جریان‌انداختن انواع بسیج‌های سیاسی درخواست‌های مکرری شده است، این شبکه به نشر این کتاب راهنمای عمومی اقدام کرده است. با این حال، تأکید فراوان دارد که بهترین راهکار مبارزه در هر کشوری را باید با توجه به بافت اجتماعی و سیاسی آن کشور جست. بنابراین، کتاب حاضر سعی دارد، به‌جای این‌که نسخه‌های کلی بپیچد، ایده‌های عملی و جهت‌گیری‌های صحیح را به علاقه‌مندان نشان دهد و به آنها کمک کند که با فراخوان یا نامه‌نگاری بتوانند تغییرات اجتماعی به‌وجود آورند و عدالت اجتماعی را برقرار کنند.

این کتاب راهنما در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول، به بیان تاریخچه و نحوه شکل‌گیری شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان می‌پردازیم و شکل‌ها و سطوح مشارکت عمومی را برای دستیابی به عدالت اجتماعی و توسعه آن بررسی می‌کنیم و مثال‌هایی از کشورهای متعدد می‌آوریم. در بخش دوم، با بیان شیوه‌هایی که فعالان اجتماعی در

سراسر جهان به کار گرفته‌اند، به اصول کلی تدارک و تبلیغ انواع بسیج عمومی می‌پردازیم و محدودیت‌ها و تأثیرات هر کدام را ارزیابی می‌کنیم.

۱

اعتراضمان را به گوش
دولت و مردم برسانیم

شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و ابتکار تهیه فراخوان

شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان تلاش می‌کند حمایت بین‌المللی را برای رفتار عادلانه دولت‌ها و گروه‌های سیاسی با افراد جامعه، به‌خصوص زنان، جلب کند. در ۱۹۸۲، مریمه، استاد جامعه‌شناسی در الجزایر، مجبور شد کشورش را ترک کند. در این دوران، دولت الجزایر سیاست تغییر قانون خانواده را از سر گرفته بود. تلاش‌های قبلی تا حدی، به علت اعتراضات گسترده زنان، از جمله کهنه‌کاران نهضت استقلال طلبی الجزایر، با شکست روبه‌رو شده بود. قانونی که دولت بار دیگر سعی داشت به اجرا بگذارد زنان را از برخی حقوق قانونی در زمینه ازدواج محروم می‌کرد و این برای زنان مبارزی که در راه استقلال کشورشان از جان‌گذشتگی‌های بسیاری کرده بودند قابل قبول نبود. مسئولان نیز، با آگاهی از اعتراضات زنان، تصمیم گرفتند بدون سروصدا، در جلسه‌ای غیرعلنی، این طرح را به تصویب برسانند. زنان فعال که از نقشه دولت آگاه بودند به نسخه‌ای از پیش‌نویس طرح دست یافتند و آن را در اختیار افراد علاقه‌مند قرار دادند. سه تن از زنانی که قانون خانواده پیشنهادی را مطالعه کرده و با گروه‌هایی از زنان به بحث و گفت‌وگو نشسته بودند دستگیر و، بدون محاکمه، زندانی و چندین ماه ممنوع‌الملاقات شدند. در این شرایط پرتنش سیاسی بود که مریمه الجزایر را ترک کرد.

مریمه، در خارج از کشور، با زنان فعال هند، بنگلادش، پاکستان و سایر کشورها ملاقات کرد که در این ملاقات‌ها آنان تجارب خود را از مشارکت در مبارزات موفقیت‌آمیز در سطح ملی و بین‌المللی، که به تغییرات سیاسی و اجتماعی منجر شده بود، بیان کردند - مثلاً در هند، موضوع کشته‌شدن دختران به‌خاطر جهیزیه از موضوعات مهمی بود که فعالان این کشور را بر آن داشت، با جلب حمایت بسیاری از مردم، دولت هند را به رسیدگی به آن وادارند. مریمه، که به‌شدت نگران زنان زندانی در الجزایر بود، تصمیم گرفت به نفع آنان مبارزه کند. در حالی که سازمان‌های وابسته به حقوق بشر تظاهراتی را در پاریس سازماندهی کرده بودند، وی تصمیم گرفت با نوشتن نامه به سازمان‌های زنان و نیز زنان فعال در سراسر جهان، خصوصاً کشورهای اسلامی، از آنان بخواهد، با نوشتن نامه به دولت الجزایر، خواستار آزادی زنان زندانی شوند. (جلب حمایت منحصراً از کشورهای غربی به‌راحتی موجب پشت‌کردن مخالفان به فعالان می‌شود. ابتکار مریمه ایجاد پلی ارتباطی میان کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی، به‌ویژه از طریق سازمان‌های زنان، برای جلب حمایت بود.) مریمه از هر سازمانی که به آن نامه می‌نوشت درخواست می‌کرد نامه را به دیگر سازمان‌های زنان یا افراد فعال که آنها را می‌شناسند بفرستند و اگر هم نامه‌ای به دولت الجزایر می‌نویسند، رونوشتی از آن را در اختیارش قرار دهند. (این واقعه قبل از اختراع دستگاه دورنگار و پست الکترونیکی بود و، به همین سبب، همه این ارتباطات از طریق پست انجام می‌شد. به علاوه، به‌سبب کمبود بودجه سازمان‌های زنان و فعالان، استفاده از تلکس و تلگراف نیز برای آنان مقدور نبود.) طی چند ماه، صدها نامه حمایت‌آمیز از کشورهای مسلمان و کشورهای در حال توسعه دریافت شد. با توجه به سابقه الجزایر در نقض حقوق بشر، هیچ‌کس به نتیجه این مبارزه مکاتبه‌ای امیدوار نبود، اما طولی نکشید که دولت الجزایر، بدون هیچ‌گونه توضیحی، زنان زندانی را آزاد کرد.

چند ماه بعد، مریمه نامه‌ای از هند با این مضمون دریافت کرد: «ما در مبارزه شما برای آزادی زنان الجزایری شرکت و از آن حمایت کردیم. اکنون آیا شما می‌توانید زنان الجزایری را برای حمایت از مبارزه ما در هند بسیج کنید؟» در این نامه، به یک زن ۲۴ ساله مسلمان سنی اشاره شده بود که مشروعیت قوانین مربوط به حقوق فردی مسلمانان هند را زیر سؤال برده و با دادگاه عالی به چالش پرداخته بود؛ زیرا حقوق زنان، بر اساس قانون اساسی هند، در سایه قوانین اسلامی نادیده گرفته می‌شود. این مورد در بسیاری از کشورها، که در آنها قوانین خانواده آشکارا با قانون اساسی تضاد دارد، به چشم می‌خورد. این مورد در هند به گوش همه کشورهای و جوامع مسلمان، حتی سازمان‌های زنان الجزایری، رسید و به دنبال آن گفت‌وگوهای بسیاری میان زنان فعال در گرفت.

به این ترتیب، موارد بیشتری مطرح شدند. مورد بعدی گرفتاری یک زن کارگر مهاجر سریلانکایی در ابوظبی بود که بر اثر تجاوز کارفرمایش حامله و طبق قوانین ابوظبی متهم به زنا شده بود. او بدون شاهدی عینی نمی‌توانست تجاوز را اثبات کند. (در ابوظبی، برای اثبات این‌که به زنی تجاوز شده، وجود دو شاهد عینی مرد در دادگاه ضروری است، که این در بسیاری از موارد غیرممکن است.) این زن محکوم به سنگسار شده بود، ولی اجرای حکم برای مدتی معین، تا تولد فرزندش و در نظر گرفتن دو ماه برای شیردهی به نوزاد، به تعویق افتاد و وی این مدت را باید در زندان به سر می‌برد. زنان فعال با نوشتن نامه به سازمان‌های زنان، فعالان حقوق بشر، فمینیست‌ها و روشنفکران سراسر جهان، خصوصاً کشورهای اسلامی، آنها را از این بی‌عدالتی آگاه کردند. این زنان مردم را تشویق کردند تا در نامه‌ای خطاب به دولت ابوظبی خواستار آزادی هرچه سریع‌تر آن زن شوند. مبارزه موفقیت‌آمیز بود: نه تنها زن آزاد شد و به همراه کودکش به کشورش بازگردانده شد، بلکه روند این مبارزه توجه جامعه بین‌المللی را به وضعیت رقت‌بار بسیاری از کارگران مهاجر

و همچنین بهره‌کشی اقتصادی از آنان و محرومیت از ساده‌ترین حقوق انسانی جلب کرد. در پی آن، برنامه‌های بسیاری برای نظارت بر وضعیت کارگران مهاجر و بهبود آن به اجرا گذاشته شد. سازمان ملل نیز چندین جلسه را به بررسی مسائل این کارگران اختصاص داد.

این اقدام و چندین اقدام موفقیت‌آمیز غیرمنتظره دیگر زنان فعال را بر آن داشت سازمانی تشکیل دهند تا زنان کشورها و اقلیت‌های مسلمان بتوانند از آن طریق با یکدیگر در ارتباط باشند. زنانی که خود از جوامع و اقلیت‌های مسلمان بودند به این موضوع پی بردند که در کشورهای مسلمان، و بسیاری از جوامع دیگر، مسائل مربوط به برابری زن و مرد مشکل اصلی بسیاری زنان است. علاوه بر این، آنها خوب می‌دانستند که در جهان اسلام عقاید و عملکردهای متفاوتی، خصوصاً در مورد مسائل زنان، وجود دارد و هر گروه فرهنگی برداشت خاص خود را از اسلام و قوانین اسلامی یگانه برداشت معتبر می‌داند. این امر عرصه را برای منتقدانی که به نابرابری زنان در جوامع خود اعتراض داشتند تنگ می‌کرد؛ زیرا بیم آن می‌رفت که هر انتقادی با تعبیر غلط از آن خدشه‌دار کردن اصول اعتقادی و مذهبی تلقی شود. علاوه بر این، به‌خاطر مشکلات اجتماعی و حقوقی، زنان جوامع مسلمان به‌سختی می‌توانستند و می‌توانند با یکدیگر رابطه برقرار کنند؛ بنابراین، کمتر فرصت می‌یابند از قوانین و هنجارهای گوناگونی که تحت عنوان اسلام در جوامع مختلف به آنها تحمیل می‌شود آگاهی پیدا کنند. عجیب آن‌که، در اوایل دهه ۱۹۵۰، یعنی پس از موفقیت بسیاری از حرکتهای ضد استعماری، ارتباط بین زنان مبارز علیه استعمار در کشورهایی که در نیمه اول قرن بیستم متحد بودند بسیار کاهش یافته بود.

با این ذهنیت، مریمه طی جلساتی با زنان کشورهای مسلمان بر اهمیت ارتباط و تبادل نظر و انتقال تجارب میان آنها و لزوم حمایت سیاسی آنها از یکدیگر تأکید کرد. این فعالیت‌ها در ۱۹۸۴ منجر به تشکیل شبکه ارتباطی

زنان در جوامع مسلمان شد که به اتکای آن، زنان از گروه‌های سیاسی مختلف با زمینه‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت، با هدف ایجاد جوامعی بر پایه عدالت و دموکراسی توانستند از یکدیگر حمایت کنند.

فکر داشتن شبکه‌ای یکپارچه هسته اصلی تکوین شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان بوده است. امروز، پس از گذشت بیش از ۱۵ سال، این شبکه، علاوه بر یکپارچه‌سازی از طریق فراخوان و مبارزات مکاتبه‌ای، به فعالیت‌های گوناگون دیگری پرداخته است؛ از جمله حمایت از تحقیقات زنان و رایزنی در مناطقی که اعضای فعال این شبکه برای پیشرفت زنان جوامع مسلمان اهمیت فراوانی قائل‌اند. این شبکه، با هدف برقراری عدالت اجتماعی برای زنان در جوامع مسلمان، نتایج حاصل از تحقیقاتی را که تحت پوشش این شبکه یا سازمان‌های دیگر انجام شده است، منتشر می‌کند. حمایت از زنان برای رایزنی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و تسهیل مشارکت در امور محلی و منطقه‌ای و ملی از طریق برگزاری جلسات، تبادل دیدگاه‌ها و برگزاری همایش، شرکت‌دادن زنان جوامع مسلمان در همایش‌های بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، از دیگر فعالیت‌های شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان است. این شبکه برای آگاه‌کردن اذهان عمومی از چهره واقعی اسلام و این‌که ارائه تصویر قالبی از اسلام، مانند بسیاری از ادیان دیگر، به سبب سلطه افکار پدرسالارانه بر این دین است، تلاش‌های بسیاری می‌کند، که از اقدامات مهم در این زمینه ممانعت از معرفی نادرست اسلام در رسانه‌های بین‌المللی است. این تصویر قالبی را غالباً کسانی ارائه می‌دهند که می‌خواهند مانع برداشت‌های دموکراتیک‌تر و معقول‌تر از اسلام شوند.^{۲۵}

25. Farida Shaheed, "Controlled or Autonomous: Identity and the Experience of the Network Women Living Under Muslim Laws", *Journal of Women in Culture and Society*, Vol. 19, No. 4, 1994; Reprinted as Occasional Paper number 5: *Women Living Under Muslim Laws*.

تلاش برای تشکیل جامعه مدنی

تصور بر این است که اگر در جامعه‌ای مردم حق انتخاب نمایندگان دولتی خود را داشته باشند، آن جامعه دموکراتیک است و در آن ایده‌آل‌های عدالت اجتماعی بر پایه برابری و حقوق اولیه اصول هدایت‌کننده است؛ ولی واقعیت‌های امروزی جهان، در آستانه قرن بیست و یکم، نادرستی این تصور را نشان می‌دهد. مسلماً، برای تضمین رشد دموکراسی در جامعه، نظام سیاسی موجود باید خود را در برابر عموم مردم پاسخگو بداند و این پاسخگویی باعث شود که افراد در مسند قدرت همواره تحت نظارت باشند. علاوه بر این، نظریه «مشارکت سیاسی» در جوامع دموکراتیک تغییر چشمگیری کرده است. نقش فردی شهروندان اکنون فراتر از رأی‌دادن یا شرکت در تظاهراتی است که به مناسبت‌هایی برپا می‌شود. این قبیل فعالیت‌ها را نباید بی‌اهمیت دانست، بلکه بالعکس مهم نیز هستند، اما ساختن جامعه‌ای بر پایه عدالت و برابری نیازمند مشارکت‌های بیشتری در زمینه انعکاس مشکلات و مطالبات برای تغییرات اجتماعی و سیاسی است. چنین جامعه‌ای نیازمند رهبران سیاسی و نمایندگان آشنا با هرگونه بی‌عدالتی است تا، با اتکا به آنان، اصلاحات اساسی برای ایجاد جهانی بهتر امکان‌پذیر شود. بدون چنین مشارکت‌هایی، تشکیل جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و برابری ممکن نیست.

مشارکت عمومی لزوماً به مفهوم تشکیل یک حزب سیاسی یا پیوستن

به آن نیست؛ شیوه‌های مشارکت فردی و گروهی گوناگونی وجود دارد. نوشتن نامه به نمایندگان منتخب، بیان دیدگاه‌ها در مورد سیاست‌های دولت، و تشویق دیگران به چنین کارهایی از جمله فعالیت‌های سیاسی مهم و تأثیرگذار است. نمایندگان مجلس، که نگران انتخابات آینده هستند، نمی‌توانند هزاران نامهٔ افرادی را که به آنها رأی داده‌اند و اکنون خواستار مخالفت نمایندگانشان با طرحی هستند که آن را غیردموکراتیک یا غلط می‌دانند نادیده بگیرند. در کشورهایی که نمی‌توان از این طریق به دولت فشار وارد کرد، ابراز نارضایتی از طریق روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌ها اقدام مؤثری است. با توجه به این‌که اکثر دولت‌ها نگران وجههٔ خود در سطح بین‌المللی هستند، نوشتن دادخواست به سازمان‌های ملی و بین‌المللی حقوق بشر نیز نوعی مشارکت عمومی سازنده است. همهٔ این فعالیت‌ها به‌نوعی «رایزنی» به‌شمار می‌آید؛ تلاش‌هایی فردی و گروهی برای تأثیرگذاری در اذهان عمومی، دولت، سیاست‌گذاران و جامعهٔ بین‌المللی، با این هدف که به بررسی موضوعی اجتماعی، حقوقی یا سیاسی بپردازند.

مثالی بزنیم. در ۱۹۹۰، دولت سری‌لانکا تصمیم گرفت، با اصلاح و بازنگری قوانین ازدواج، طلاق و قیمومیت کودکان، به گروه‌های اقلیت اجازه دهد قوانین خانوادگی‌ای متناسب با اعتقادات فرهنگی و مذهبی و قومی خود داشته باشند. با توجه به این‌که ۷/۶ درصد جمعیت سری‌لانکا مسلمان‌اند، باید قانون خانوادهٔ اسلامی جدیدی طرح می‌شد. برای این منظور، دولت سری‌لانکا از رهبران اجتماعی و برخی از محافظه‌کاران سری‌لانکایی و مقامات مذهبی سنی خاورمیانه درخواست همکاری کرد. چون زنان فعال جامعهٔ مسلمان سری‌لانکا از اهمیت قانون خانواده و تأثیرات آن در زنان باخبر بودند، شروع به فعالیت کردند و تلاش کردند،

از طریق «مرکز تحقیق و فعالیت زنان مسلمان»^{۲۶}، راه را برای نمایندگان زن در این شورا باز کنند.

دو زن وکیل از مرکز تحقیق و فعالیت زنان مسلمان دعوت شدند تا به همراه چهارده مرد دیگر به کمیته اصلاحات بپیوندند. تا آن زمان، این مرکز تحقیقاتی را درباره قانون خانواده اسلامی در سری لانکا انجام داده و از برخی از مسائل زنان و جامعه مطلع بود. زنان، که از اهمیت قانون خانواده و اجرای آن در جوامع مسلمان دیگر خبر داشتند، بلافاصله با شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان تماس گرفتند و درخواست کردند همه مدارک و اسناد موجود در مورد قانون خانواده در دیگر کشورهای اسلامی، از جمله تونس، مصر، ترکیه، ایران و مالزی، را برای آنها بفرستند. پس از مطالعه و بررسی این اسناد و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی هر جامعه‌ای، زنان فعال پیش‌نویس قانون پیشنهادی خود را تهیه و آن را به مقامات مسئول عرضه کردند. همه مفاد پیشنهادی، جز یک مورد، پذیرفته شد. این مشارکت آگاهانه، که با پشتوانه تحقیقات و مدارک پیش رفت، باعث شد تا مقامات دولتی در موارد دیگری نیز سازمان‌ها و گروه‌های زنان را به همکاری دعوت کنند. در حالی که مرکز تحقیق و فعالیت زنان مسلمان و سایر گروه‌های زنان هنوز به رایزنی برای ایجاد اصلاحات بیشتر در قوانین حقوقی و اجتماعی زنان ادامه می‌دهند، به خوبی آگاه‌اند که اگر خودشان در مراحل اولیه تهیه پیش‌نویس قانون جدید خانواده وارد عمل نمی‌شدند، اکنون باید با چالش‌های بزرگ‌تری برای ایجاد اصلاحات روبه‌رو می‌شدند.^{۲۷}

26. Muslim Women's Research and Action Forum

۲۷. برای اطلاعات بیشتر درباره اصلاح قانون خانواده مسلمان در سری لانکا، نگاه کنید به:

Between Two worlds: Muslim Women in a Multi-Ethnic Society, Colombo: Muslim Women's Research and Action Forum, and Muslim Living Under Muslim Laws, 1999; Chulani Kodikara, *Muslim Family law in Sri Lanka*. MWRAF and WLUML, 1999.

با وجود این، مشارکت سیاسی لزوماً نباید مربوط به روند تصمیم‌گیری‌های رسمی و مقامات قدرتمند یا صاحب‌منصبان باشد. فعالیت‌های غیررسمی بسیاری در کار است که چه بسا باعث ایجاد تغییرات اجتماعی شود. در ۱۳۷۴/۱۹۹۵، پژوهشگری که مصاحبه‌های دقیق و خوبی با ساکنان مناطق محروم تهران دربارهٔ تنظیم خانواده انجام می‌داد به مورد جالبی برخورد: زن سالخورده‌ای توانسته بود روحانی محل را، که تا آن زمان به مسائل زنان بی‌اعتنا بود، متقاعد کند که از حق زنان برای رهایی از سوءاستفاده و خشونت در خانواده دفاع کند. با مشارکت فعال این روحانی، که شخصیتی تأثیرگذار بود، این زن ساده توانست، با استفاده از ساختار مذهبی موجود، تغییرات سازنده‌ای در جامعه‌اش ایجاد کند.

ماجرای این بود که زنی در همسایگی این زن سالخورده زندگی می‌کرد که دائماً از همسرش کتک می‌خورد. آنها و چندین خانواده بی‌بضاعت دیگر در خانه‌ای قدیمی و هر یک در یکی از اتاق‌های اجاره‌ای آن خانه زندگی می‌کردند. همسایه‌ها در تلاش بودند زن بیچاره را از دست کتک‌های شوهرش نجات دهند. با وجود تلاش همسایه‌ها و خانواده زن، که سرانجام طلاق را پیشنهاد کردند، رفتار مرد هیچ تغییری نکرد. این زن سه فرزند داشت و طلاق به معنای از دست دادن حضانت آنها بود؛ زیرا بر اساس قانون خانواده ایران، قیمومیت و حضانت کودکان به عهده پدر است. به همین سبب، زن تمایلی به طلاق نداشت و شوهرش نیز این موضوع را می‌دانست. زن سالخورده بارها با سرزنش کردن شوهر زن او را از عواقب رفتار بی‌رحمانه او و تأثیر آن در شخصیت فرزندانش آگاه کرد. با این که مرد در نهایت ادب به حرف‌های زن سالخورده گوش می‌داد، این حرف‌ها هیچ تأثیری در رفتار او نداشت.

زن سالخورده، که در بین همسایگان احترام فراوانی داشت، به نزد روحانی محل رفت و به وی یادآور شد که، بنابه سنت، مرد ریاست

خانواده را به عهده دارد، اما طبق قوانین اسلامی حق ندارد همسر خود را کتک بزند. به گفته این زن، مرد نصایح افراد سالخورده از جمله او را جدی نمی‌گرفت؛ زیرا رهبران مذهبی هرگز به وی خاطر نشان نکرده‌اند که در مقابل خانواده و اجتماع خود چه مسئولیت‌هایی دارد. او یادآور شد که از وظایف دینی روحانیان است که در خطابه‌های خود به این مسائل نیز اشاره کنند و از آن روحانی خواست با این مرد صحبت کند. روحانی چون می‌دانست همه مردم از ملاقات این زن با وی برای رفع مشکل این خانواده خبر دارند، راهی جز اقدام در این مورد نداشت.

ملاقات روحانی با این مرد بسیار موفقیت‌آمیز بود و مرد رفتار خود را کاملاً تغییر داد. این تغییرات متأثر از چند عامل بود. از قدیم، روحانیان به‌عنوان افراد پارسایی شناخته شده‌اند که از دانش دینی و احترام فراوانی نزد مردم برخوردارند. از طرف دیگر، اکثر مردان طبقات کم‌درآمد و محروم کارگران ساده‌ای هستند و به حمایت روحانی محل، برای گرفتن وام از مسجد یا ضمانت در کارها، نیاز دارند. از این‌رو، برقراری روابط حسنه با این افراد و نمونه یک مسلمان خوب بودن در نظر آنها، اهمیت بسیاری دارد.

این روحانی، در خطابه‌های بعدی خود، با صحبت در مورد خشونت در خانواده به مردان یادآوری کرد که عدالت و خوش‌رفتاری از ارکان مهم دین اسلام است و اگر آنها این اصول را، خصوصاً در بین افراد خانواده خود، رعایت نکنند غضب خداوند و پیامبر متوجه آنها خواهد شد. برخی گوش شنوا برای این گفته‌ها نداشتند؛ ولی زنان با توجه بسیاری که به این گفته‌ها نشان می‌دادند، آنها را مرتباً به شوهرانشان گوشزد می‌کردند. تأثیری که روحانی در آن مرد گذاشت مورد توجه زنان محله قرار گرفت و آنها نیز برای حل مشکلات خود به او مراجعه می‌کردند. علاوه بر این، مردم صدقه‌های خود را نیز به روحانی می‌دادند تا بین فقرا تقسیم کند و این کار باعث شد او جایگاه بالاتری بین مردم

بیابد. به این ترتیب، روحانی به یک مشاور خانوادگی غیررسمی تبدیل شد. برای زنانی که در این محل زندگی می‌کردند مراجعه به این روحانی و بیان مشکلاتشان عملی‌تر و مؤثرتر از آن بود که با رفتن به دادگاه گرفتار تشریفات اداری شوند. این تجربه باعث شد که روحانی با نگرانی‌ها و مشکلات افراد محل، به‌خصوص زنان که قبلاً هیچ توجهی به آنها نداشت، آشنا شود و رفته‌رفته برداشت‌های آزادتری از حقوق اسلامی ارائه دهد. به این ترتیب، زنی ساده، با نادیده‌نگرفتن بی‌عدالتی، توانست از چند جهت برای اجتماع خود مؤثر باشد.

مورد دیگری که در ۱۹۸۱ اتفاق افتاد این بود که پدر یک دختر ۱۷ساله، طبق سنت‌های پاکستان، تصمیم گرفت دخترش با مردی ازدواج کند که هرگز او را ندیده بود. با وجود این‌که این خانواده در منچستر انگلستان زندگی می‌کردند، جایی که این دختر زاده و بزرگ شده بود، پدر اصرار داشت که، بنا به سنت و وظیفه اسلامی، اوست که به‌عنوان مدیر خانواده باید تصمیم بگیرد دخترش چه زمانی و با چه کسی ازدواج کند. این دختر سعی کرد از خویشاوندان و معلمانش کمک بگیرد، اما تلاشش بی‌نتیجه بود. وقتی هم به سازمان زنان مراجعه کرد، به وی پیشنهاد کردند که خانه را ترک کند و به یکی از خانه‌های امن برود تا آنها بتوانند به وی کمک کنند. دختر می‌دانست با فرار از خانه مصیبت بزرگی برای خانواده‌اش، که نمونه جامعه سنت‌گرای پاکستانی مقیم انگلیس بود، به‌بار می‌آورد. بنابراین، حاضر به چنین کاری نشد. سرانجام، به همراه چند زن پاکستانی دیگر به مسجد محل رفت و موضوع را با روحانی در میان گذاشت و از او درخواست کمک کرد. روحانی، که خود پدر دو دختر و مردی سستی بود، تصمیم گرفت به دختر جوان کمک و با پدرش صحبت کند.

روحانی، با استناد به قرآن، به پدر دختر یادآور شد که، برخلاف سنت رایج، ازدواج دختر بدون رضایت وی گناه است، زیرا ازدواج اجباری از

نظر اسلام پذیرفته نیست و دختر با چنین ازدواجی، در نظر خداوند، وارد رابطه نامشروعی می‌شود. روحانی حرف‌هایش را زد و در آخر هم تصمیم‌گیری نهایی را به عهده پدر گذاشت. پدر، تحت تأثیر گفته‌های روحانی و با آگاهی از این‌که همه اقلیت‌های پاکستانی از این موضوع باخبرند، از خواسته خود دست کشید. این واقعه راهکاری شد برای دیگر دختران مسلمان ساکن انگلیس که بتوانند، بدون بیزاری و فرار از خانواده‌شان، تن به ازدواج‌های اجباری ندهند. سنت‌های نادرست و ناعادلانه‌ای را که اغلب به نام دین توجیه می‌شوند می‌توان با تفسیری دیگر از اسلام باطل کرد. گرچه زنان همواره موفق به جلب اقتدار دینی محلی نمی‌شوند، نمونه‌های ذکرشده نشان می‌دهد که چگونه راهکارهای غیررسمی، به کمک مؤسسات محلی (از جمله دینی)، می‌توانند برای تغییر سنت‌های نادرست به ما یاری رسانند.

این راهکارهای غیررسمی و خشونت‌آمیز تنها برای حل مشکلات فردی مفید نیستند، بلکه می‌توان از آنها در جهت حفظ منافع ملی و گسترده‌کردن مبارزات و اعتراضات غیرخشونت‌آمیز^{۲۸} استفاده کرد، حتی در جوامعی که مجراهای قانونی ابراز مخالفت‌ها و اعتراضات اجتماعی محدود است.

در فوریه ۱۹۹۸/ بهمن ۱۳۷۶، غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران، که طرفدار مشارکت مردمی بود و با مدیریت مؤثر خود باعث حل برخی از مشکلات اساسی شهر تهران شده بود و همین باعث محبوبیت او نزد شهروندان تهرانی به‌خصوص زنان شده بود، به اتهام سوءاستفاده از بیت‌المال بازداشت شد. افکار عمومی بر آن بود که دستگیری و محاکمه شهردار دلایل سیاسی دارد و علت اصلی آن حمایت او از رئیس‌جمهور در روند انتخابات است.

ابراز پشتیبانی از شهردار ممکن بود پیامدهای سیاسی و ناخوشایندی برای شهروندان داشته باشد، خاصه این که قوه قضاییه و نیروی انتظامی بیشتر تحت نفوذ رهبران محافظه کار مذهبی بودند، از این رو، شهروندان باید راه‌های دیگری برای بیان اعتراض خود به دستگیری شهردار می‌یافتند. شیوه مسالمت‌آمیزی که زنان در پیش گرفتند خریدن دسته‌های گل و قراردادن آنها مقابل خانه کرباسچی بود. به این ترتیب، طی مدتی که شهردار در بازداشت بود، هر روز خانه‌اش گل‌باران می‌شد و همین نظر خبرنگاران داخلی و خارجی را جلب می‌کرد. این نوع فشارهای مردمی، بدون این که منجر به بروز خشونت شود، باعث شد شهردار به قید ضمانت آزاد شود تا اسناد و مدارک دفاع از خود را آماده کند. به این ترتیب، مردم با اقدامی ساده توانستند به شیوه مسالمت‌آمیزی در عرصه سیاست و در تصمیم دادگاه تأثیرگذار باشند.

مخالفت با اقدامات دولت به صورت فردی شاید در اغلب موارد دلسردکننده باشد، اما در بسیاری موارد راه‌هایی وجود دارد که از طریق آنها مردم می‌توانند مانع اجرای سیاست‌ها و عملکردهایی شوند که مخالف آنها هستند. ماجرای چگونگی مخالفت اتحادیه سازمان‌های زنان و زنان فعال پاکستان با خصوصی‌سازی اولین بانک زنان پاکستان نمونه موفق دیگری است. البته دانستن این نکته حائز اهمیت است که این نوع مبارزه به برنامه‌ریزی دقیق و تعهد بسیار مبارزان نیاز دارد.

اولین بانک زنان را بی‌نظیر بوتو در نخستین دوره نخست‌وزیری خود، در ۱۹۸۹، تأسیس کرد. مدت‌ها بود که زنان پاکستان خواهان تأسیس بانکی بودند که زنان قشر کم‌درآمد و زنانی با تحصیلات کم‌تر که گرفتن وام و مراجعه به بانک‌های دیگر برایشان دشواری‌هایی دارد، بتوانند از خدمات مالی عادلانه‌ای بهره‌مند شوند. برنامه‌ریزان بانک زنان، به منظور حمایت از فعالیتهای اقتصادی زنان، آیین‌نامه بانک‌های تجاری و مؤسسات توسعه اعتباری را با یکدیگر تلفیق کردند. این بانک را

منحصراً زنان اداره می‌کنند و تنها چند کارمند ساده مرد در آن اشتغال دارند. بانک زنان فقط به زنان یا مؤسسات و شرکت‌هایی اعتبار می‌دهد که حداقل ۵۰ درصد سهام آنان متعلق به زنان باشد یا همه کارمندان آنها زن باشند. از دیگر برنامه‌های این بانک اعطای وام‌های خرد به زنانی است که خویشاوندی ندارند. اولین بانک زنان، از ابتدای تأسیس تا ۱۹۹۷، ۳۵ شعبه در سراسر این کشور دایر کرد.

در ۱۹۹۷، دولت پاکستان تصمیم گرفت همه بانک‌های دولتی، از جمله اولین بانک زنان را، به بخش خصوصی واگذار کند. با توجه به این که خصوصی شدن این بانک به مفهوم محروم شدن زنان از خدمات بانکی و تدوین سیاست‌های جدید استخدای و وامی در این بانک بود، زنان فعال، با هدف حذف این بانک از لیست بانک‌هایی که قرار بود به بخش خصوصی واگذار شوند، مبارزه‌ای را در پیش گرفتند. با نزدیک تر شدن روز واگذاری، نمایندگان از سازمان‌های زنان به دادگاه مراجعه کردند تا بتوانند حکم منع خصوصی شدن بانک زنان را بگیرند. این درخواست با استناد به این که این بانک، برخلاف بانک‌های تجاری دیگر، با هدف حمایت اقتصادی از زنان و ایجاد شرایط مناسب اعطای وام به ایشان شروع به کار کرده و در این راه بسیار موفق بوده، صورت گرفت. گرچه دولت ادعا کرد که اولین بانک زنان نیز، مانند همه بانک‌های دیگر، تجاری است، در کمال تعجب همگان، قاضی این بانک را مستثنا اعلام کرد و به زنان چند روز مهلت داد تا برای اثبات ادعایشان اسناد و مدارک کافی ارائه دهند.

در فاصله روز جمعه تا دوشنبه، زنان و سازمان‌هایشان، با بسیج کردن شبکه‌های ارتباطی خود، توانستند مدارک و اسنادی را گرد آورند و موفق به جلب نظر رسانه‌های عمومی برای انعکاس این موضوع شدند. از جمله مهم‌ترین این اسناد نسخه‌ای از صورت جلسه نشست کابینه دولت اول برای تشکیل بانک زنان بود که در آن سیاست‌ها و نحوه استخدام

کارمندان و نیز چگونگی اعطای وام تصریح شده بود. مدرک دیگر، نسخه‌ای از نامه نخست‌وزیر وقت، بی‌نظیر بوتو، به اولین مدیر این بانک بود که مفاد آن حکایت از تأیید این سیاست‌ها داشت.

این مدارک به دادگاه فرستاده شد و چند ساعت قبل از امضای حکم واگذاری بانک‌ها به بخش خصوصی، دادگاه حکم جدیدی صادر کرد. براساس این حکم، پس از واگذاری، بخش خصوصی اجازه هیچ‌گونه دخل و تصرفی را در سیاست بانک‌ها ندارد. طبق رأی دادگاه، دستورالعمل اولیه بانک‌ها باید به قوت خود باقی می‌ماند، اهمیت این مسئله تا آنجا بود که جلسه این دادگاه در تلویزیون ملی نمایش داده شد. بدیهی است که بخش خصوصی تمایلی به چنین سرمایه‌گذاری‌ای نداشت. در نتیجه، بانک زنان به‌صورت ارگانی دولتی باقی ماند.



رایزنی برای ایجاد اصلاحات حقوقی

ما اغلب از این واقعیت غافلیم که گروهی کوچک، متشکل از اعضای علاقه‌مند، با اتخاذ راهکارهای مناسب و پایداری، می‌توانند به اهدافی بسیار باارزش دست یابند. مثال‌های ذکر شده بیانگر فعالیت‌های افرادی بود که در سطح محلی، با استفاده از امکانات موجود، توانستند تغییراتی را به وجود آورند. در این بخش، چند نمونه از فعالیت‌هایی که به‌طور گسترده‌تر برای ایجاد اصلاحات انجام شده بررسی می‌کنیم.

در ۱۹۹۱، تحقیق گسترده‌ای در دستور کار شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان قرار گرفت: بررسی تمامی ساختارهای حقوقی رسمی و غیررسمی تأثیرگذار در زندگی زنان و جوامع و اقلیت‌های مسلمان. با در نظر گرفتن بافت‌های اجتماعی گوناگون، در وهله اول، گروه‌های تحقیقاتی متعدد بر موضوعاتی ویژه متمرکز شدند. مسئولان هماهنگی ترکیه مسئله خشونت خانگی را، که در تحقیقات اولیه مهم‌ترین مشکل زنان و کودکان این کشور با توجه به بروز تغییرات سریع در امور اجتماعی ترکیه شناخته شده بود، مطالعه و بررسی کردند. بعد از بررسی دقیق اطلاعات موجود در مورد مسئله خشونت خانگی و قوانین و نهادهای رسمی مرتبط با این موضوع در ترکیه، دو نفر از پژوهشگران تحقیقی میدانی در مورد مسئله خشونت خانگی انجام دادند و در مورد چگونگی مقابله با چنین خشونت‌هایی از زنان نظرخواهی کردند.

این محققان، براساس یافته‌هایشان، کتابی به نام *افسانه کانون گرم*:

خشونت خانگی و سوءاستفاده جنسی در خانواده^{۲۹} را به زبانی ساده منتشر کردند. از دیگر اقدامات این دو محقق تهیه فیلمی مستند با نام زمانی برای «نه» گفتن^{۳۰} بود که سند مهمی برای مدعیان محسوب می‌شد. به علاوه، آنها تلاش کردند حاصل تحقیقاتشان را در مورد خشونت خانگی به صورت مقالاتی در روزنامه‌ها و مجلات چاپ کنند. در این مقالات، راهکارهای حقوقی برای زنانی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته بودند پیشنهاد می‌شد. این راهکارها می‌توانست جانشینی برای قوانین کیفری باشد و اهمیت این موضوع در آنجاست که، در بافت اجتماعی ترکیه، بهره‌گیری زنان از قوانین کیفری علیه مردان کارآمد نیست. آنها با استناد به تحقیقات میدانی گسترده و بررسی یافته‌ها در مورد مسئله خشونت خانگی در دیگر جوامع مسلمان، راهکارهای بسیاری پیشنهاد کردند.

این دو محقق، بعد از جلب مخاطب کافی، برای رسیدگی به مسائل زنان، به ملاقات یکی از مقامات وزارتخانه مسئول رفتند و خواستار رسیدگی سریع به این بحران اجتماعی شدند. آنها اذعان داشتند که زنان ترکیه، در بیشتر موارد، تمایلی به طلاق یا زندانی شدن شوهرانشان ندارند و با تشکیل خانه‌های امن برای زنان هم‌چندان موافق نیستند. چیزی که زنان می‌خواستند قانونی بود که، ضمن حمایت از آنان، فرصت تصمیم‌گیری به آنها بدهد. این محققان به منظور تصمیم‌گیری عادلانه در این زمینه، نسخه‌ای از اسناد جمع‌آوری شده را به آن مقام عرضه کردند. در این زمان، حزب رفاه اسلامی به قدرت رسیده بود و، با توجه به رویکرد محافظه‌کارانه آنها به مسائل زنان، زنان امید چندانی به اصلاحات در این زمینه نداشتند. با این حال، این دو محقق که سازمان «زنان مدافع

29. *The Myth of a Warm Home: Domestic Violence and Sexual Abuse in the Family*

30. *Time to Say "No"*

حقوق زنان»^{۳۱} را تأسیس کرده بودند، اعتقاد داشتند که حتی در صورت شکست در این کار، آنها چیزی از دست نمی‌دهند و باید به اعمال فشار خود ادامه دهند. پینار ایلکاراکان، مدیر این سازمان، طی تماسی با مقامات وزارتخانه، مسئله خشونت خانگی را که باعث نگرانی همگان شده بود با آنها در میان گذاشت. نسخه‌ای از کتاب *افسانه کانون گرم: خشونت خانگی و...* و تمامی مقالاتی را که در این مورد در روزنامه‌ها و مجلات مهم ترکیه چاپ شده بود برای آنها تهیه کرد. پس از مدت کوتاهی، در کمال ناباوری، از وزارتخانه با وی تماس گرفتند که در اقدامات دولت برای مبارزه با مسئله خشونت خانگی شرکت کند. به نظر می‌رسید مقامات دولتی دریافته‌اند که ایلکاراکان با مبارزه علیه این معضل اجتماعی می‌تواند نظر مردم مبنی بر بی‌اعتنایی دولت به مسائل زنان را تغییر دهد. از این گذشته، دولت ملی‌گرای غیرمذهبی که قبل از حزب رفاه در مسند قدرت بود، بخشی از بودجه اختصاص یافته به خانه‌های امن و سازمان‌هایی را که به مسئله خشونت خانگی می‌پرداختند قطع کرده بود و این فرصت مناسبی بود تا دولت جدید وجهه بهتری برای خود کسب کند.

به این ترتیب، پینار ایلکاراکان و سازمان کوچکش طرحی برای بررسی در کمیته مجلس تهیه کردند که بعدها در مجلس تصویب شد. آنها با ۲۱ عضو کمیسیون عدالت مجلس، اولین نهادی که در زمینه تغییرات قانونی در ترکیه اقدام کرد، نیز تماس گرفتند و برای هر یک از آنها نسخه‌ای از کتاب *افسانه کانون گرم: خشونت خانگی و...* و بسیاری اسناد دیگر را فراهم کردند؛ زیرا احتمال می‌دادند اعضای کمیسیون از آمار مربوط به مسئله خشونت خانگی اطلاعی نداشته باشند. آنها جلسه‌ای را نیز با اعضای علاقه‌مند کمیته ترتیب دادند تا جزئیات اطلاعات را بررسی کنند.

در حالی که کمیته در حال بررسی طرح پیشنهادی بود، مخالفان معترض شدند که فکر مبارزه با خشونت خانگی محصول غرب است و پایه و اساس اسلامی ندارد، بدون توجه به این واقعیت که قانون ترکیه اساساً قانونی سکولار است. آنها ادعا کردند بخشی از طرح، که مردی را که همسرش را کتک می‌زند از ورود به خانه محروم می‌کند، غیراسلامی است. حامیان این طرح استدلال کردند که داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که چنین ممانعتی برای مدتی آرامش را به خانواده باز می‌گرداند و مانع تشدید خشونت خانگی می‌شود. به نظر آنها، چنین تدابیری ازدواج‌ها را از فروپاشی نجات می‌دهد و زندگی منسجم‌تری را پدید می‌آورد. همچنین معتقد بودند که تدوین چنین طرحی مطابق با اصول اسلامی است و برای اثبات این مدعا به قوانین کشورهای اسلامی دیگر، از جمله مالزی که اکثر مردم آن مسلمان‌اند، اشاره کردند. در کشور مالزی، با توجه به تأثیرات مخرب مسئله خشونت خانگی، طرحی مشابه طرح ارائه شده به مجلس ترکیه وجود داشت و اجرا می‌شد.

سرانجام، در ژانویه ۱۹۹۸، لایحه جدیدی درباره خشونت خانگی در مجلس ترکیه به تصویب رسید. مدت کوتاهی پس از تصویب این لایحه، دولت به این نتیجه رسید که خشونت خانگی از جمله معضلات اجتماعی است که آثار مخربی برای همه اعضای خانواده در پی دارد. نتایج حاصل از تحقیقات و موارد ثبت شده در خانه‌های امن ترکیه آشکارا نشان می‌دهد که زنان فقط در شرایط بسیار سخت حاضر به طلاق می‌شوند؛ زیرا از عواقب آن بر خود و کودکانشان آگاه‌اند. زنان خواهان مصونیت و اجرای سیاستی عمومی بودند که مردان را از اعمال خشونت بر خانواده‌شان بازدارد. طبق قانون جدید، دادگاه با صدور حکم فوری برای مردی که همسرش را کتک می‌زند و به دنبال آن، پس از تنظیم شکایت‌نامه رسمی، از ارتباط او با خانواده و رفتن به محل سکونت آنها جلوگیری می‌کند. در حالی که پیش از آن دادگاه ترکیه موارد خشونت

خانگی را با استناد به قانون عمومی خانواده بررسی می‌کرد و، به این ترتیب، صدور حکم دادگاه ماه‌ها به طول می‌انجامید و در این مدت اوضاع وخیم‌تر می‌شد. این روند بی‌حاصل مانع از آن می‌شد که زنان برای اقدامات قانونی علیه شوهرانشان به دادگاه شکایت کنند؛ شوهران هم، با سوءاستفاده از این موقعیت، خواسته‌هایشان را تحمیل می‌کردند و با مصونیت کامل بر آنها فشار می‌آوردند. قانون جدید امنیت را برای زنان به ارمغان آورده و، با ایجاد محیطی امن، شرایط را برای حل اختلاف طرفین فراهم کرده است.

بی‌تردید، تصویب این طرح و اجرای آن را مدیون فعالیت زنان فعال بسیاری هستیم. آنها مسئولانه با مسئله برخورد کردند و پیش از هر چیز با گفت‌وگوهای بسیاری که با زنان ترکیه در وضعیت‌های متفاوت داشتند تحقیقات گسترده و دقیقی در این مورد انجام دادند. آنان به بررسی سنت‌ها و قوانین مربوط به خشونت خانگی در دیگر جوامع مسلمان و غیرمسلمان پرداختند. در این روند، موضوع خشونت در خانواده را در عرصه عمومی مطرح کردند و توجه منتقدان اجتماعی، روزنامه‌نگاران، وکلا، گروه‌های اسلامی زنان و بخش زنان حزب رفاه را به خود جلب کردند و بحث‌های گروهی برپا کردند و مقالاتی درباره این نوع خشونت و تأثیرات آن در جامعه نوشتند. با این حال، سازمان زنان مدافع حقوق زنان کار خود را تمام‌شده نمی‌داند:

«اکنون سعی می‌کنیم اطلاعات مربوط به این قانون را در ابعاد گسترده‌تر و با استفاده از برنامه‌های میدانی خود، از جمله برنامه سوادآموزی سازمان زنان مدافع حقوق زنان، در اختیار مردم قرار دهیم. همچنین، به فعالیت رسانه‌ای خود ادامه می‌دهیم و به این که زنان چه امکانات و فرصت‌هایی دارند می‌پردازیم. به علاوه، نظارت بر کار پلیس برای اطمینان از آگاهی ایشان از قوانین جدید از دیگر برنامه‌های این سازمان است.»

مسئلاً، لزوم نظارت بر اصلاحات حقوقی پس از چاپ در کتاب‌ها اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. قوانین جدید و خوب اگر اجرا نشوند، بی‌فایده‌اند.

موارد زیر از ایران و بنگلادش نشان‌دهنده چگونگی اتحاد افراد، گروه‌های زنان و سازمان‌ها در بافت‌های مختلف اجتماعی به منظور رفع ظلم از زنان است و نشانه تحمل‌ناپذیر بودن این مسائل در نزد افراد جامعه است.

در ۱۳۷۴/۱۹۹۵، در ایران، مرد جوانی که در خواستگاری جواب رد شنیده بود، با پرداخت وجهی به دو مرد، از آنها خواست که بر صورت دختر هفده‌ساله‌ای که او می‌خواست با وی ازدواج کند و خواهر نه‌ساله‌اش اسید پاشند. پس از بازداشت این سه مرد، دادگاه محکومیت ناچیزی برای آنها در نظر گرفت، خصوصاً برای مرد خواستگار که عامل این جنایت بود.

این کار رقت‌انگیز اسیدپاشی و حکم ناچیز دادگاه برای این جانیان خشم مردم، خصوصاً زنان، را برانگیخت و آنان را علیه این حکم بسیج کرد. مبارزه با نامه‌نگاری به روزنامه‌ها و ادارات شروع شد. زنان فعال همه گروه‌های سیاسی در این مبارزه با یکدیگر متحد شدند. عده‌ای با مجلات و روزنامه‌ها وارد مذاکره شدند تا بتوانند این نامه‌ها را به چاپ برسانند و اهمیت آن را گوشزد کنند. بر اثر فشار مردم، دادگاه مجدداً این پرونده را بررسی و حکم سنگینی برای این سه نفر صادر کرد. این مبارزه چند نتیجه مهم داشت: موجب آگاهی عموم مردم شد؛ به مقامات گوشزد کرد که باید قضاوت عمومی را نیز در نظر داشته باشند؛ به افرادی که چنین افکار پلیدی در سر می‌پروراندند نشان داد که چنین خشونت‌هایی عواقب سنگینی دارد؛ و سرانجام باعث شد که زنان و دیگر گروه‌هایی که مورد ظلم قرار گرفته بودند بدانند که چگونه می‌توانند صدای خود را به گوش همگان برسانند و خواهان اجرای عدالت شوند.

طی دهه گذشته، در بنگلادش، برخی از روحانیان محلی، خصوصاً در روستاهای کوچک، قدرت قانونی بسیاری به دست آورده بودند. در مواردی نیز، شهروندان، خصوصاً زنان، با نام دین، مورد سوءاستفاده قرار می گرفتند. قربانیان ردیف اول این محاکمه‌های غیررسمی (فتواها) زنان بوده‌اند که کمترین مجازات آنها شلاق یا سنگسار بوده است. روحانیان، در صورتی که با مخالفت زنان یا خانواده‌های آنها با پیشنهاد ازدواجی که خود آنها مطرح می کردند یا پیشنهاد روابط جنسی مواجه می شدند، فتوایی صادر می کردند. روحانیان، از نظر قانونی، چنین صلاحیتی ندارند که در مقامی مشابه قاضی قرار بگیرند و چنین احکامی برای دیگران صادر کنند. جالب اینجاست که آنها حتی برای حکم‌هایی که صادر می کنند دلیل هم ارائه می کنند.

نکته جالب توجه این است که این فتواها احکام دینی محسوب می شوند و باید مقامات مذهبی آنها را صادر کنند. در برخی از کشورهای خاورمیانه، فقط مقامات مذهبی بلندپایه اجازه صدور فتوا دارند. قضاوت‌های معمول، اگر از طرف این مقامات نباشد، فتوا محسوب نمی شود. با این حال، در بنگلادش و برخی کشورهای اسلامی دیگر، فتواها بسیار سطحی به کار می آیند. این فتواها واضح و روشن نیستند؛ یعنی برخی از افراد با نیتی خاص و با زیرکی از کلمه فتوا استفاده می کنند؛ زیرا این حکم برای افراد معتقد به معنای سخنی است که یک مقام مذهبی آگاه با دقت تمام آن را صادر کرده باشد.

در اکتبر ۱۹۹۳، خانواده نورهان، زنی ۲۲ ساله که شوهرش چندی پیش او را شفاهاً طلاق داده و راهی خانه پدری‌اش کرده بود، ازدواج دومی برای وی ترتیب دادند. طلاق شفاهی زنان در بنگلادش بسیار شایع و همواره مشکل ساز است؛ و آنان را در شرایط بسیار بد و ناعادلانه‌ای قرار می دهد؛ زیرا اگر ادعای نفقه کنند، شوهرانشان مدعی می شوند که آنها را طلاق داده‌اند، و اگر هم ازدواج مجدد کنند، شوهران ادعا می کنند

که هرگز صیغه طلاق را جاری نکرده‌اند و بنابراین، زن با ازدواج دوم مرتکب زنا می‌شود. پس از سال‌ها تلاش زنان، اکنون دیگر مقامات این نوع طلاق را نمی‌پذیرند؛ زیرا، طبق قانون جدید، شوهر باید هم به همسر و هم به مقام مربوط درخواست خود را اعلام کند و نود روز نیز صبر کند تا طلاق کامل شود. تعبیر روحانی محل این بود که ازدواج اول نورجهان با همسر اولش هنوز پابرجاست و در نتیجه نورجهان و شوهر جدیدش زنا کرده‌اند. او به مردم روستا دستور داد که نورجهان را سنگسار کنند. خانواده وی نیز، به اتهام این که ازدواج غیررسمی دوم وی را ترتیب داده بودند، به صد ضربه شلاق محکوم شدند. نورجهان از سنگسار جان سالم به در برد، اما با دیدن رفتار غیرانسانی افراد ظاهراً مذهبی از شدت یأس خودکشی کرد.

نورجهان یک نمونه از صدها مورد مشابه است. برای خاتمه دادن به چنین سوءاستفاده‌های تأسفباری از حقوق بشر با نام دین، مهیلا پریشاد^{۳۲} از بنگلادش، و یک سازمان حقوق زنان در این کشور علیه آن روحانی شکایت کردند. سلطانا کمال، از زنان فعال در زمینه حقوق بشر که همکاری نزدیکی با شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و «عین السالش کندرا»^{۳۳}، دیگر سازمان بنگلادشی فعال در زمینه ارتقای دانش حقوقی و حقوق بشری دارد، وارد عمل شد و از شاکیان حمایت کرد تا توانستند به دولت فشار بیاورند که، به جای نادیده‌انگاشتن قربانی شدن زنان، به شکایت آنها رسیدگی کند. کمال و همکارانش کتابی را با نام فتوا علیه زنان در بنگلادش^{۳۴} نوشتند که شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان آن را منتشر کرد. برای طرح این مسئله در سطح

32. Mahila Parishad

33. Ain o Salish Kendra

34. *Fatwas against Women in Bangladesh*

بین‌المللی، فیلمی ویدئویی با عنوان *افول*^{۳۵} نیز ساخته شد. علاوه بر برگزاری سخنرانی درباره این موضوع، مهیلا پریشاد، سازمان‌های دیگر، سلطانا کمال و همکارانش تظاهراتی ملی ترتیب دادند تا فشار بر دولت افزایش یابد و مجبور شود در این زمینه اقدام کند. عین‌السالش کندرا توانست، از طریق فراخوان، حمایت گروه‌ها و افراد دیگری را در سطح بین‌المللی جلب کند. در زیر، نمونه‌ای از فراخوان را می‌بینید که سازمان عین‌السالش کندرا در حمایت از نورجهان نوشته است. این فراخوان را شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان بازنویسی کرد و توانست حمایت بین‌المللی بیشتری را به خود جلب کند.

گزارش: اعتراض به امام به خاطر حکم به زنا‌ی زنی در سالش برخلاف قانون بنگلادش تهیه و تنظیم: عین‌السالش کندرا، اینر سیرکیولار رود، شماره ۵۵، شانتیناگار، داکا، ۱۲۱۷

در بنگلادش، قوانین فردی برگرفته از مذهب اشخاص است. این قوانین فقط تعیین‌کننده حقوق و وظایف احزاب است. هرگونه تخطی از قانون به قوانین مدنی عمومی مربوط می‌شود. روابط جنسی نامشروع جرم محسوب نمی‌شود. وانگهی، در قوانین اسلامی، نه روحانیت سازمان‌یافته‌ای وجود دارد، نه مقامات مذهبی حق قضاوت مدنی یا جنایی در مورد شهروندان را دارند. با وجود این، در روز ۱۰ ژانویه ۱۹۹۳، نورجهان^{۳۶}، زنی ۲۲ ساله، و همسرش ملک^{۳۷} را تا کمر در گودال فرو بردند تا، به جرم زنا، سنگسار شوند، و خانواده وی نیز به صد ضربه شلاق محکوم شدند.

با وجود اعتراض نورجهان، او و همسرش مجبور شدند تا کمر در گودال تازه حفرشده‌ای فرو بروند تا مردم سنگسارشان کنند. در واکنش به درخواست‌های برخی از روستاییان، آنها از سنگسار شدن نجات یافتند و

35. *Eclipse*36. *Nurjahan*37. *Malek*

به جای آن کلوخ‌های رسی به طرفشان پرتاب شد. نورجهان و خانواده‌اش بسیار فقیر بودند و در منطقه‌ای جنگلی زندگی می‌کردند و کار نورجهان جمع‌آوری و فروش ترکه‌ها و شاخه‌های درختان بود. اکثر روستاییان بی‌سواد و فقیرند و همواره تحت سلطه سردارهایی هستند که درختان جنگل را اجاره می‌کنند. شوهر اول نورجهان وی را طلاق داده بود. به همین سبب، پدرش ترتیب ازدواج بعدی وی را داد. با وجود این، قبل از این ازدواج، پدر نورجهان با امام مشورت کرد و امام قانونی بودن طلاق را پس از دریافتی دو‌یست تا‌کا از پدر نورجهان تأیید کرد.

ادعا شده است که یکی از سرداران با شوهر جدید نورجهان خصومتی داشته؛ گزارش‌هایی نیز هست که امام خود مایل به ازدواج با نورجهان بوده و، به این ترتیب، از وی و خانواده‌اش انتقام گرفته است. به هر حال و به هر دلیل، بعد از ازدواج وی، امام و سرداران شورایی روستایی تشکیل دادند که صلاحیت هیچ‌گونه قضاوتی ندارد و در آن نورجهان و همسرش را، با استناد به برخی از قوانین اسلامی، به زنا محکوم کردند. چنین حکمی در بنگلادش فاقد هرگونه ارزش قانونی است.

گفته می‌شود، پس از این واقعه، یکی از سرداران به نزد نورجهان رفته و به وی گفته است: «مردنت بهتر از این زندگی ننگین است، پس خودت را بکش.» او هم، با خوردن زهر، خودکشی کرده است.

پلیس نتوانست به موقع به روستا برسد تا تحقیقات لازم را انجام دهد. متعاقباً، سازمان حقوق زنان بنگلادش این موضوع را بررسی و، به همراه پلیس، شکایتی را بر اساس ماده ۱۰۹ قانون اساسی، مبنی بر همدستی در خودکشی، تنظیم کرد. به دنبال این عمل، امام و سرداران دستگیر شدند و حتی مقامات با آزادی آنان به قید ضمانت نیز موافقت نکردند.

سنگسار شدن و خودکشی نورجهان باعث نگرانی شدید مردم شد و خشم بسیاری از سازمان‌های زنان را برانگیخت. آنها جلسات عمومی تشکیل دادند و اطلاعات مربوط به این مسئله را از طریق رسانه‌های گروهی در اختیار مردم گذاشتند و به دولت فشار آوردند. این موضوع یک مسئله ساده قانونی محسوب نمی‌شد و بیم آن می‌رفت که قدرت سیاسی این امام‌ها و احزاب سیاسی باعث احیای تأثیر سنتی آنها شده باشد. به این ترتیب، آنها ترغیب می‌شدند تا قوانین خودسرانه‌ای را بر مردم تحمیل کنند و، با زیرپا گذاشتن قوانین کشور، حقوق

بشر را نیز پایمال کنند. مسئله پیش آمده برای نور جهان را نمی توان استثنا فرض کرد. این مسئله نشانه خشونت است که برخی تاریک اندیشان علیه زنان اعمال می کنند.

اعلام حمایت و اتحاد شما با نور جهان و خانواده اش اهمیت فراوانی دارد. با نوشتن نامه به دولت، خواستار محاکمه امام و سه سردار شوید. در این نامه: الف. خواستار مجازات عاملان مرگ نور جهان شوید، تا درس عبرتی برای سایرین باشد؛

ب. خواستار اجرای صحیح قوانین جزایی شوید؛

پ. خواستار تأکید بر اصل محدودیت اختیارات شوراهای روستایی شوید که، طبق این اصل، شوراهای محلی حق نداشته باشند در امور مربوط به جرایم دخالت کنند.

لطفاً، نامه را خطاب به مقامات زیر بنویسید:

– بیگم خالده ضیاء، نخست وزیر بنگلادش، دولت جمهوری خلق بنگلادش؛

– میرزا غلام حافظ، وزیر دادگستری و دفتر امور مجلس دولت جمهوری خلق بنگلادش؛

– شیخ رزاق علی، سخنگوی مجلس شورای ملی بنگلادش.

تلاش های بی وقفه سلطانا کمال، برای بهبود شرایط زندگی زنان و تضمین رعایت حقوق بشر در مورد آنان، احترام فراوانی را برای وی، در سطح ملی و بین المللی، به ارمغان آورده و جوایزی را نصیب کرده است. در ۱۹۹۵، سلطانا کمال، به دنبال فعالیت های خود در زمینه حقوق بشر، جایزه آزادی جان همفری^{۳۸} را، از مرکز بین المللی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک، دریافت کرد.

مشارکت در امور بین‌المللی

امروز که در دهکده جهانی، جوامع انسانی در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر هستند، وظیفه ما در برابر مشارکت‌های عمومی از مرزهای محلی و ملی گذشته است. با توجه به نقض روزافزون و آشکار حقوق بشر، وظیفه و محدوده فعالیت ما نیز اهمیت فراوانی یافته است. کسب اطلاعات درباره وقایع و موضوعات مهم در اجتماع خودمان بسیار مهم است؛ با این حال، به محض آگاهی از اقدامات و سیاست‌هایی که در هر نقطه از جهان با ابتدایی‌ترین اصول حقوق بشر مغایر است، باید مخالفت خود را ابراز کنیم. ممکن است، در بعضی شرایط، مسائل پیچیده و خارج از توان ما به نظر برسند. در این صورت، ارتقای سطح آگاهی مردم و شرکت در تظاهرات چه‌بسا از جمله اقدامات مؤثر در تغییرات اجتماعی باشد. نمونه‌های زیر نشان‌دهنده چگونگی تأثیرگذاری وقایع جهانی در زندگی ما و تأثیر ما در این وقایع است:

در ۱۹۹۵، «ائتلاف ضد تجارت اسلحه»^{۳۹} فراخوانی را مبنی بر افشای نقض پیمان دولت فرانسه در مورد اصل «نهایت تلاش برای منع سلاح‌های هسته‌ای»، به دنبال آغاز آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، صادر کرد. این فراخوان تصمیم دولت فرانسه را برای آزمایش سلاح‌های

39. Coalition to Oppose the Arms Trade

هسته‌ای در منطقه جنوبی اقیانوس آرام محکوم کرد و خواستار مشارکت مردم و تحریم محصولات فرانسوی در سراسر جهان، به منظور اعتراض به این آزمایش‌ها، شد. متن فراخوان به این شرح است:

در ۱۳ ژوئن، فرانسه تصمیم خود را مبنی بر آغاز مجدد آزمایش‌های هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام اعلام کرد. ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه، خبر مزبور را تنها چند هفته پس از تمدید نامحدود قرارداد جهانی منع گسترش نیروی‌های اتمی اعلام کرد. فرانسه، که یکی از امضاکنندگان این قرارداد بوده است، طی این قرارداد، به «نهایت تلاش برای منع سلاح‌های هسته‌ای» آزمایش‌های هسته‌ای متعهد شده بود. این تصمیم دولت فرانسه نقض آشکار تعهداتی بود که قدرت‌های مجهز به سلاح‌های اتمی در اجرای مفاد قرارداد مزبور پذیرفته‌اند و همچنین این قرارداد از امید جهانیان به «قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای» گسترده می‌کاهد. تصمیم دولت فرانسه، مبنی بر از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای، بی‌هیچ ملاحظه‌ای است؛ زیرا ۱۹۹۵، پنجاهمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی است. دولت فرانسه اعلام کرده است، از سپتامبر ۱۹۹۵ تا مه ۱۹۹۶، هشت بمب اتمی در موروروآ آتول (پولینزی فرانسه)، در جنوب اقیانوس آرام، که تحت مالکیت فرانسه است، منفجر خواهد کرد. هر انفجار انرژی‌ای برابر ۱۵۰ هزارتن آزاد خواهد کرد که این انرژی هشت برابر انرژی بمبی است که بر روی هیروشیما انداخته شد. با تصمیم آنها چه‌بسا دیگر دولت‌های دارای تسلیحات هسته‌ای نیز تشویق شوند سلاح‌هایشان را آزمایش کنند.

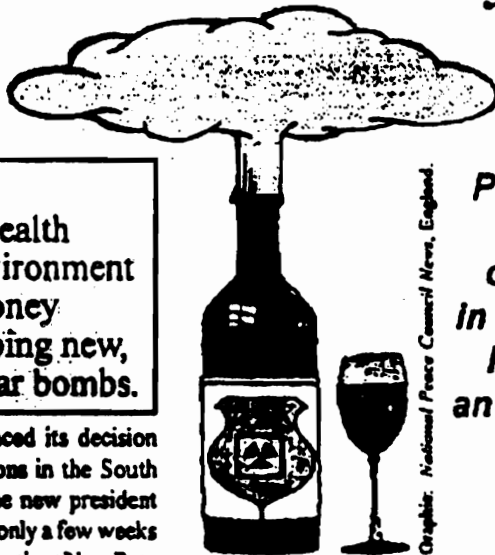
If you disagree with France's decision to explode nuclear bombs in the South Pacific, Please join the international boycott of French products!

Nuclear testing is:
☠ a threat to public health
☠ a danger to the environment
☠ a huge waste of money
☠ a means of developing new, more dangerous nuclear bombs.

On June 13, France announced its decision to resume nuclear explosions in the South Pacific. Jacques Chirac, the new president of France, made this announcement only a few weeks after the indefinite extension of the nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT). In the NPT, France agreed to "exercise utmost restraint" in testing nuclear weapons. France's decision betrays the commitments made by nuclear weapons powers to implement the NPT. It also undermines worldwide hopes for a Comprehensive Test Ban Treaty.

France's resumption of nuclear testing is especially insensitive because 1995 is the fiftieth anniversary of the nuclear devastation of Hiroshima and Nagasaki. France says it will explode eight nuclear bombs at the Mururoa Atoll (French Polynesia) in the South Pacific between September 1995 and May 1996. Each test will release energy amounting to about 150 kilotons - eight times the power of the bomb dropped on Hiroshima. Their decision may encourage other nuclear weapons states to resume their own nuclear weapons tests.

The International Peace Bureau, with member organizations in 46 countries, has called for an international boycott of French products. Besides nuclear explosions, some of the more common French exports are wine, cheese, cosmetics and bottled water. Please boycott these and other French products. Canadians should also avoid French airlines and holidays in France.



The International Peace Bureau, with member organizations in 46 countries, has called for an international boycott of French products.

CANADA'S ROLE IN THE NUCLEAR MADNESS

From the beginning, Canadian uranium and nuclear know-how was used for nuclear weapons. The atomic bombs dropped on Japan used uranium from Canada and the Congo, which was refined at Port Hope, Ontario. From 1942 until 1965, Canadian uranium was sold explicitly for weapons. Canada's wartime research on plutonium assisted Britain, France and India to develop nuclear weapons.

Canada remains the world's largest exporter of uranium - the key ingredient for nuclear weapons. Our biggest customers are countries with nuclear arsenals, like the U.S. and France.

Canadian uranium goes to France - 9,715 tons of it between 1974 and 1991. Over there, 80% of it is discarded as having no civilian value. However, this "depleted uranium" is used as the raw material for the production of plutonium - the primary explosive in French nuclear bombs.

Canada has accumulated 200 million tons of uranium mine tailings, containing several of the most radiotoxic carcinogens known to science. Aboriginal communities are increasingly making connections between nearby uranium mining and local health problems.

Dorothy Goldin Rosenberg, Campaign for a Nuclear Phaseout



Coalition to Oppose the Arms Trade (COAT), 489 Metcalfe St., Ottawa ON K1S 3N7

Tel.: (613) 231-3076, Fax (613) 231-2614, E-mail: ad207@freenet.carleton.ca

"We" means "No"

**Halte aux essais nucleaires a Mururoa!
S'ils sont si peu dangereux, faites les en France.**

**Stop the Mururoa tests now!
If nuclear tests are so safe, do them in France.**

What you can do:

(1) *Boycott products from France.*

(2) *Contact the French government, express your opposition and tell them why you're boycotting French products.*

President Jacques Chirac,
Palais de L'Elysee,
55 rue du Faubourg St., Honor,
Paris, France, 75008. Fax: 33 1 47 42 2465.

Alfred Siefer Gaillardin, Ambassador,
Embassy of France,
42 Sussex Dr., Ottawa ON K1M 2C9.
Tel.: (613) 789-1795, Fax: 613-789-3484.

(3) *Urge the Canadian government to stop the mining and export of uranium as well as the sale of reactors, especially to countries still testing nuclear weapons.*

André Ouellet, Canada's Minister of Foreign Affairs,
Rm. 314 - WB, House of Commons,
Ottawa, ON, K1A 0A6
Tel.: (613) 995-8872, Fax: (613) 995-9926.

(4) *Contact the LCBO and ask them to stop stocking French wines.*

Andy Brandt, President,
Liquor Control Board of Ontario,
55 Lakeshore Blvd. E, 4th floor,
Toronto ON M5E 1A4.
Tel.: (416) 864-2433, Fax: (416) 864-2476.

(5) *Urge other individuals, groups and businesses to oppose France's nuclear tests. Encourage them to join the international boycott of French products.*

(6) *Copy this pamphlet. Order and distribute our ten page booklet on French nuclear testing.*

(7) *Contact the Coalition to Oppose the Arms Trade (COAT) to get more involved:*

Coalition to Oppose the Arms Trade
489 Metcalfe St., Ottawa ON K1S 3N7
Tel.: (613) 231-3076 Fax (613) 231-2614
E-mail: ad207@freenet.carleton.ca

Yes, I'd like to help oppose French nuclear testing!

Name.....

Address.....

Postal Code..... Telephone..... E-mail.....

*Yes, I'll help spread the word. Please send me ten-page booklets on French nuclear testing.
Please send me more of these one-page leaflets.*

Yes, I'd like to volunteer. Give me a call!

Here's my cheque for a:

	1 year	2 years
<input type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <i>Subscription to COAT's magazine Press for Conversion! (regular rate)</i>	\$20 <input type="checkbox"/>	\$36 <input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <i>Subscription to Press for Conversion! (rate for students & unemployed)</i>	\$15 <input type="checkbox"/>	\$27 <input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <i>Donation to COAT: \$10 <input type="checkbox"/> \$15 <input type="checkbox"/> \$25 <input type="checkbox"/> \$50 <input type="checkbox"/> \$100 <input type="checkbox"/> other..... <input type="checkbox"/></i>		

Make cheque payable to: COAT, 489 Metcalfe St., Ottawa ON K1S 3N7

با این مقدمه، سازمان صلح جهانی، که اعضای در سازمان‌ها و حامیانی فعال در ۴۶ کشور دارد، طی فراخوانی، خواستار تحریم جهانی محصولات فرانسوی شد. گذشته از مهمات هسته‌ای، دیگر محصولات صادراتی فرانسه عبارت‌اند از شراب، پنیر، لوازم آرایش، آب معدنی. اینها بیشترین صادرات فرانسه به کشورهای ثروتمند جهان است که فعال‌ترین طرفداران سازمان صلح جهانی نیز در آن کشورها زندگی می‌کنند. این تحریم برای محافل تجاری و صادراتی فرانسه، که در مورد این آزمایش‌های هسته‌ای سکوت کرده بودند، تکان‌دهنده بود.

سازمان صلح جهانی، با طرح مسئله آزمایش‌های اتمی فرانسه در اقیانوس آرام جنوبی و درخواست تحریم محصولات فرانسه، جامعه تجاری فرانسه را وادار کرد بر دولتشان فشار بیاورند تا قانون بین‌المللی را زیر پا نگذارد. این سیاست کارساز شد و دولت فرانسه، به دلیل ناخوشایند بودن پیامدهای سیاسی و اقتصادی آزمایش‌های اتمی، مجبور شد، قبل از هرگونه اقدام دیگری، این آزمایش‌ها را متوقف کند. این موفقیت پیام صریحی به سایر دولت‌ها بود که ساکنان دهکده جهانی می‌توانند، با اتخاذ سیاست‌های مناسب، نفوذ و تأثیر چشمگیری داشته باشند.

بعضی از سازمان‌ها، از جمله گروه‌های زنان، از فعالیت عمومی، حتی برای جلوگیری از جنگ، استفاده کرده‌اند. در فوریه ۱۹۹۸، دولت عراق، بر اثر ممانعت از بازدید کارشناسان تسلیحات اتمی سازمان ملل از کاخ‌های این کشور، که احتمال می‌رفت انبار سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی این دولت باشد، مورد تهاجم جهانی قرار گرفت. دولت امریکا و متحدانش آماده بمباران هوایی این پایگاه‌ها بودند. زمان سپری می‌شد و ارتش امریکا در آماده‌باش بود تا، به محض خروج مقامات سازمان ملل از عراق، حملات خود را آغاز کند.

با وجود این، اقدامی مردمی، در سراسر جهان، مسیر رویدادها را

تغییر داد: دولت امریکا در تصمیم خود برای حمله به عراق تنها ماند؛ زیرا مردم، با بسیج شدن از طریق سازمان‌های حقوق بشر و طرفداران صلح، حاضر نشدند از حمله هوایی مجدد امریکا به عراق حمایت کنند. در سراسر جهان، راهپیمایی‌هایی در محکومیت تصمیم امریکا برپا شد، نامه‌های اعتراض‌آمیزی خطاب به دولت فرستاده شد، مطالبی در روزنامه‌ها به چاپ رسید و، به این ترتیب، تصمیم دولت امریکا برای وادار ساختن دولت عراق به همکاری با بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل محکوم شد. به نظر بسیاری از سازمان‌های حقوق بشر و زنان که تأثیر جنگ خلیج فارس را بر شهروندان عراقی دیده بودند، مذاکره بهترین راه حل این بحران است. حمله هوایی امریکا، که بی شک تهدیدی مرگبار برای مردم بی دفاع عراق بود، چند دقیقه قبل از شروع عملیات هوایی موقتاً متوقف شد — هرچند متأسفانه بعداً از سر گرفته شد. شاخه یوگسلاو سازمان «زنان سیاه پوش»^{۴۰}، که از ۱۹۹۲ فعالیت کرده است، غیر از سازماندهی تظاهرات عمومی علیه حمله هوایی امریکا به عراق، نامه زیر را نیز منتشر کرد:

صدام حسین، حاکم عراق، دیکتاتوری بی رحم است که سلاح‌های خطرناکی در اختیار دارد. اما وی آخرین کسی است که در بمباران هوایی کشورهای غربی لطمه خواهد خورد. به علاوه، نیروهای نخبه نظامی طرفدار وی نیز از آسیب مصون خواهند بود. او، در حال حاضر، گارد ریاست جمهوری را از مراکز نظامی مورد هدف دور کرده و افراد تازه‌ای را به خدمت فراخوانده، همچنین به خدمت گرفتن زنان نیز با هدف مستقر کردن ایشان در خط مقدم آتش بوده است. بدون شک، مانند آنچه در طی جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ اتفاق افتاد،

۴۰. Women in Black، سازمان بین‌المللی طرفدار صلح که اعضای نخستین آن زنان فلسطینی و اسرائیلی مخالف جنگ بودند و در مدت کوتاهی شاخه‌های آن در بسیاری از کشورها تشکیل شد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر رجوع کنید: www.womeninblack.org.

بسیاری از بمب‌های هوشمند (هدایت‌شونده) در ردیابی اهداف خود اشتباه خواهند کرد و، در نتیجه، غیرنظامیان بی‌دفاع قربانی خواهند شد. آنچه مقامات امریکایی آن را خسارات جانبی جنگ می‌نامند در واقع کشتار زنان و کودکان و ناقص‌العضو کردن آنان است. زنان عراقی، به اندازه کافی، قربانی شدیدترین تحریم‌های اقتصادی ناعادلانه در طول این هفت سال بوده‌اند. به‌استناد گزارش‌های یونیسف، از زمان جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱، حدود ۵۶۷ هزار کودک در عراق جان سپرده‌اند و این میزان از مجموع تلفات بمباران اتمی در دو شهر هیروشیما و ناکازاکی در جنگ جهانی دوم نیز بیشتر است. نابودی انبارهای سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی عراق منجر به پخش سموم شیمیایی و بیولوژیکی در فضا خواهد شد. اگر چنین نیست، پس هدف از حمله به عراق چیست؟ بسیاری از کشورهای عربی از حمله امریکا حمایت نمی‌کنند. در نتیجه، حمله به عراق به خدشه‌دار شدن روابط جهان عرب با جهان غرب منجر می‌شود. در نتیجه، نیروهای بنیادگرا در منطقه قدرت می‌یابند و این امر باعث می‌شود فضایی مناسب برای تضييع بیشتر حقوق زنان به وجود آید. راه دیگری نیز وجود دارد: مذاکره. این تنها راه ممکن است. بر بازرسی و برچیدن بساط سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی پافشاری کنید. به تحریم‌هایی که به مردم عادی ضرر می‌زند پایان دهید و واردات را برای دولت و ارتش سخت محدود کنید. تجارت اسلحه، که دولت امریکا و همچنین انگلستان فروشندگان اصلی آن محسوب می‌شوند، باید در سراسر جهان ممنوع شود. از کوفی عنان حمایت و سازمان ملل را تقویت کنید. صدام حسین را تنها بگذارید، نه این‌که از وی قهرمان و شهیدی برای امپریالیسم بسازید. در سکوت کامل، همراه با زنان سیاه‌پوش یوگسلاو راهپیمایی کنید.

مکان: ترافالگار، لندن، ساعت ۶ بعدازظهر چهارشنبه ۱۸ و ۲۵ فوریه و ۴

مارس ۱۹۹۸.

Saddam Hussein is a ruthless dictator in possession of dangerous weapons. But he is the last person Western bombing will hurt. Nor will it damage his elite troops. He is removing the Republican Guard from target sites. Instead, he is putting new recruits into uniform, enlisting women and putting them in the line of fire. As in the 1991 Gulf War, many so-called smart bombs will miss their targets and kill civilians. Collateral damage means women and children dead and maimed. Iraqi women are already suffering disproportionately from seven years of the most severe sanctions regime in world history. UNICEF says 567,000 children have died since 1991, more than in Hiroshima and Nagasaki. If the Iraqi chemical and biological weapons capability is hit, it may spill poisons into the atmosphere. If it is not, what is the point? The US has no support from most Arab countries. An attack will seriously damage relations between the West and the Arab World. Fundamentalist forces will be strengthened in the region, leading to a climate in which women's rights are curtailed. There is an alternative. Negotiate. It's the only way forward. Persist in inspection and controlled dismantling of chemical and biological weapons. End sanctions that hurt ordinary people, embargo imports for government and military. Ban the world trade in arms, in which Britain and the US are leading actors. Support Kofi Annan and strengthen the UN. Isolate Saddam, instead of making him a hero and martyr to imperialism. **DEMONSTRATE IN SILENT VIGIL WITH WOMEN IN BLACK, TRAFALGAR SQUARE, LONDON, 6 PM WEDNESDAY FEB. 18, 25 AND MARCH 4, 1998.**

با مبارزه بین‌المللی مشابهی، در ابتدا از بمباران عراق در ماه‌های اکتبر و نوامبر ۱۹۹۸ جلوگیری شد و کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل، توانست با دولت عراق وارد مذاکره شود. با این حال، یک ماه بعد، در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸، زمانی که دیگر مردم به درگیری‌های احتمالی عراق توجهی نداشتند، رئیس‌جمهور امریکا، که در خطر استیضاح قرار گرفته بود، همکاری نکردن صدام حسین با بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل را بهانه‌ای برای بمباران عراق قرار داد. اگر چه امریکا در این اقدام از حمایت دولت انگلیس برخوردار بود، اما بسیاری از جوامع بین‌المللی و دولت‌ها در سراسر جهان آن را محکوم کردند. بسیاری از فعالان نیز خود را سرزنش کردند؛ زیرا از این موضوع غافل شده بودند و به مسائل دیگری می‌پرداختند. با وجود این، تلاش‌هایی گسترده برای مخالفت با حملات دولت امریکا باعث آگاهی اذهان عمومی در مورد وضعیت حاکم شد که، در نتیجه آن، سیاست‌های تهاجمی و مرعوب‌کننده امریکا در نظر مردم و همچنین در صحنه بین‌المللی با انتقادهای فراوان روبه‌رو شد.

فعالیت عمومی به بازگرداندن صلح به مناطق ناآرام نیز کمک می‌کند. در مه ۱۹۹۸، زمانی که هند شروع به آزمایش بمب‌های هسته‌ای کرد، متقابلاً پاکستان نیز دست به عمل مشابهی زد. سازمان‌های حقوق بشر سراسر جهان از جامعه بین‌المللی خواستار پایان‌بخشیدن به این بازی خطرناک آزمایش بمب‌های اتمی شدند؛ زیرا این امر باعث به‌خطرافتادن صلح‌ناپایدار در منطقه می‌شد. جامعه جهانی از اقدام دولت هند، که آغازگر این آزمایش‌ها بود، به خشم آمد و همزمان اقدامات دولت پاکستان را نیز محکوم کرد. آنها با طرفداران صلح هر دو کشور متحد شدند و تلاش کردند این آزمایش‌ها را متوقف کنند و به دنبال آن سیاست‌های برتری‌طلبی نظامی این دولت‌ها را، که خطری برای منطقه و جهان به‌شمار می‌رفت، فاش کردند.

به‌رغم محدودیت‌های موجود در مرزهای مشترک این دو کشور، طرفداران صلح در هر دو کشور تلاش کردند راهی بیابند تا، برای مقابله با ویرانی، با یکدیگر متحد شوند. یکی از مهم‌ترین ابتکارات صلح‌طلبان ایجاد شبکه پست الکترونیکی و پایگاه‌های ماهواره‌ای در طول این بحران بود. به این ترتیب، توانستند اخبار و اطلاعات را در اختیار هزار نفر در سراسر جهان بگذارند. بدین وسیله، آنها مرزهای جغرافیایی بین دو کشور را درنوردیدند. در ۱۹ مه ۱۹۹۸، هشت روز پس از اولین آزمایش هسته‌ای هند، شبکه خبری بی‌بی‌سی هزاران نفر از بازدیدکنندگان خود را با سایت اینترنتی «مردم جنوب آسیا در برابر آزمایش‌های هسته‌ای»^{۴۱}، که شخصی متعهد آن را راه‌اندازی کرده بود، آشنا کرد و آن را یکی از پنج سایت مهم خبری جهان در بحران اتمی آسیا دانست. این موارد بار دیگر بر اهمیت فعالیت‌های فردی تأکید دارد که عامل مهمی برای بسیج کردن افراد و ساختن دنیایی بهتر است.

نتیجه

در این بخش، سعی کرده‌ایم اهمیت مشارکت اجتماعی و سیاسی را در سطح محلی و ملی و بین‌المللی، برای ساختن دنیایی بهتر برای خود و فرزندانمان، بیان کنیم. برای نیل به این هدف، تلاش کرده‌ایم، با روشن‌تر کردن مفهوم مشارکت اجتماعی و سیاسی، شما را متقاعد کنیم که مشارکت سیاسی لزوماً نباید به‌طور رسمی، یا در سطوحی رسمی از طریق افراد عالی‌رتبه، یا با به‌کاربردن تعبیرهای دشوار و پیچیده در مکاتبات شروع شود. می‌توانیم اعتراضاتمان را دربارهٔ مسائل مهم، بی‌عدالتی‌ها، و آنچه در جامعه‌مان نادرست می‌دانیم، با نوشتن نامه‌ای ساده به روزنامهٔ محلی یا به نمایندهٔ محلی در مجلس و یا با اعمال بدون خشونت، چون گل‌باران، کاری که زنان ایرانی برای حمایت از شهردار دربندشان کردند، به گوش همگان برسانیم. چنین مشارکت‌هایی اساس ایجاد و پیشبرد جامعهٔ مدنی پایدار است.

دولت‌ها، سیاستمداران و نخبگان مردم را با این تلقی نادرست مواجه کرده‌اند که فقط آنها صلاحیت مشارکت سیاسی و اجتماعی دارند و مردم عادی سهم اندکی در این مشارکت دارند. چنین تلقی‌ای باعث شده است بسیاری از صداها خاموش بماند و نگرانی‌ها و مسائل منعکس نشود. مقامات خودکامه این سکوت را غالباً چنین توجیه می‌کنند که «مردمشان برای دموکراسی و مشارکت در امور سیاسی آماده نیستند». این در حالی است که مردم عادی در جوامعشان، به‌همراه گروهی از فعالان که از میان

آنها برخاسته‌اند و نیز روشنفکران، به تغییر و گسترش مفهوم مشارکت سیاسی در بعد سنتی توجه نشان می‌دهند. گردن‌نهادن به بی‌عدالتی نسبت به خود و دیگران، حتی زمانی که این بی‌عدالتی تحت لوای فرهنگ و سنت مشروع جلوه داده می‌شود، شکل مهمی از مشارکت سیاسی محسوب می‌شود. امیدواریم این حقیقت را آشکار کرده باشیم که در دنیای امروز، که همه کشورها در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند، دیگر دلیلی برای کناره‌گیری از رویدادهای بین‌المللی وجود ندارد. ما می‌توانیم، حتی از طریق اقدامات محلی، در ساختن جهانی بهتر برای انسان‌ها، مشارکت فعال داشته باشیم.

۲

مشارکت اجتماعی و سیاسی

مشارکت عمومی

اتخاذ روش‌ها و راهکارهای مؤثر. اولین قدم این است که باور داشته باشیم فعالیت سیاسی و اجتماعی امری مهم است. تغییرات سیاسی و اجتماعی، نه تنها به راهبردها و راهکارهای مؤثر، بلکه به مشارکت پرشور و تعهد بسیار نیاز دارد. با توجه به تنوع بافت‌های اجتماعی و تاریخی، نمی‌توان برای فعالیت مؤثر یک نسخه واحد پیچید، اما راهنمای‌هایی اصولی در این زمینه وجود دارد که می‌توان برای شروع به کار گرفت. در این بخش، ما به بحث دربارهٔ انواع مشارکت شبکهٔ ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و دیگر گروه‌ها و سازمان‌ها می‌پردازیم؛ زیرا سال‌هاست در حمایت از انواع مشارکت عمومی تجربه دارند. همچنین، روش نوشتن و توزیع درخواست‌نامه‌های همبستگی (فراخوان) و نامه‌های حمایتی را توضیح می‌دهیم و نمونه‌هایی از هر کدام می‌آوریم. اما در ابتدا به دو نکتهٔ مهم می‌پردازیم که هنگام پیوستن به مشارکت عمومی باید مدنظر قرار گیرند.

۱. اولویت‌بندی مسائل. در هر فعالیت سیاسی یا اجتماعی، اولین قدم این است که تصمیم بگیریم، با توجه به منابع محدود (زمان، مهارت، دانش، ارادهٔ سیاسی، منابع مالی، اسناد موجود و غیره)، کدام مسائل و برنامه‌ها مهم‌ترین‌اند. قبول مسئولیت بیش از حدی که بتوانیم از عهدهٔ آن برآیم جز نتایجی ضعیف و متعاقباً یأس و نومیدی حاصلی نخواهد داشت.

۲. تعیین اهداف روشن و دست‌یافتنی. هنگامی که اولویت‌ها تعیین شدند، کار مهم دیگر این است که بین اهداف کوتاه‌مدت و دست‌یافتنی و اهداف ایده‌آلمان تفاوت قائل شویم. مثلاً، ممکن است بخواهیم برای صلح جهانی و دستیابی به دنیایی بدون ارتش فعالیت کنیم، اما متوجه شویم که بهتر است انرژی موجود را صرف جلوگیری از وقوع درگیری‌های نظامی یا مدنی و یا رفع آنها کنیم، بدون آن‌که از آرمان‌های اولیه و اصلی خود دور شویم یا از آنها دست بکشیم. زمانی که اهداف بلندمدت مشخص شدند، باید فهمید که چه اقداماتی برای دستیابی کامل‌تر به این اهداف لازم است. اقدام کردن بدون داشتن چشم‌اندازی از آینده چه‌بسا باعث هدررفتن انرژی و وقت ما شود و یأس عمیقی در پی داشته باشد.

انواع فعالیت عمومی. برپایی تظاهرات و اجتماعات گسترده معمولاً روش مؤثری برای اعمال فشار به منظور اعتراض به بی‌عدالتی است، که البته با محدودیت‌هایی نیز همراه است. افراد معترض ممکن است به‌خاطر دوری مسافت، هزینه یا محدودیت‌های دیگر نتوانند در تظاهرات شرکت کنند. گذشته از این، ممکن است با مخالفت دولت حاکم بر کشورشان با برپایی تظاهرات مواجه شوند. به این علل و بسیاری علل دیگر، باید شیوه‌های دیگر مشارکت عمومی را هم گسترش داد و به‌کار گرفت، مثل ارسال نامه و کارت‌پستال و نصب پوستر، فراخوان برای مبارزه ضربتی، تهیه و توزیع عریضه، و رایزنی‌های مستقیم.

برنامه‌ریزی و زمان‌بندی برای مشارکت عمومی

برای این‌که فعالان سیاسی بتوانند راهبردهای خود را تعیین کنند، متغیرهای بسیاری را باید در نظر بگیرند که احتمالاً زمان مهم‌ترین رکن برای تدوین برنامه عملیاتی مؤثر است. برنامه‌ریزی‌های فعالان عموماً در سه ساختار صورت می‌گیرد: پاسخ فوری به شرایط بحرانی؛ بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب؛ تلاش‌های طولانی‌مدت برای دستیابی به تغییرات ساختاری.

شرایط بحرانی. در چنین شرایطی، باید به سرعت وارد عمل شد و تأخیر در آن چه‌بسا عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. مثلاً، می‌توان به نمونه مذکور در بخش یک، درباره کارگر سری لانکایی در ابوظبی اشاره کرد. به همین ترتیب، هنگامی که احتمال حملات هوایی به عراق قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید، افراد و سازمان‌ها باید سریع‌تر وارد عمل می‌شدند تا بتوانند مخالفت خود را با تصمیم امریکا اعلام کنند. البته، چنین مواردی باید در مقایسه با فعالیت‌های دیگر در اولویت قرار گیرند. به این معنی که گاهی باید توجه و امکانات خود را موقتاً از برنامه‌های دیگر دور کرد. بنابراین، چالش اصلی پاسخگویی به شرایط بحرانی بدون کنار گذاشتن اهداف بلندمدت و ابتکار عمل است.

فرصت‌های مناسب. گاهی نیروها با هم متفق می‌شوند و فرصت‌های

مناسبی برای تلاش جمعی در جهت ایجاد تغییرات اجتماعی به وجود می‌آورند. فراهم آمدن چنین فرصت‌هایی به توجه فوری ما نیاز دارد. مثلاً، هنگامی که دولت مراکش ادعای پایه‌ریزی نظامی لیبرال و دموکراتیک کرد، زنان مراکش نیز مبارزه «یک میلیون امضایی»^{۴۲} خود را آغاز کردند تا قانون مراکش را — بعداً در مورد جزئیات آن بحث خواهد شد — تغییر دهند. دستگاه قضایی، که با حمایت عمومی از مبارزه زنان روبه‌رو شده بود، مجبور شد وارد عمل شود. مثال دیگری که در بخش اول این کتاب آمده است خشم دور از انتظار مردم از نحوه برخورد دولت با جنایتکارانی بود که روی دختران جوان اسید پاشیده بودند. واکنش مردم برای قوه قضاییه ایران غیرمنتظره بود و فعالان از این فرصت استفاده کردند تا از دادگاه به‌خاطر این‌که زنان را، به‌نام اسلام، شهروندان درجه دوم انگاشته است انتقاد کنند. با این کار، نه تنها قوه قضاییه مجبور شد به موضوع رسیدگی کند، آگاهی عمومی نیز از آن افزایش یافت. به این ترتیب، همان‌طور که در مورد تلاش برای اصلاح قانون خانواده اسلامی در سری‌لانکا بیان شد (بخش اول)، زنان فعال نیز در زمان حساس اصلاح قانون اسلامی خانواده در این کشور وارد عمل شدند. بهره‌گیری سریع از چنین فرصت‌هایی به سازماندهی بسیار دقیق و در عین حال انعطاف‌پذیری نیاز دارد.

تغییرات ساختاری در درازمدت. ایجاد تغییرات بنیادین و ساختاری اجتماعی و سیاسی به برنامه‌ریزی بلندمدت و دقیق نیاز دارد. چنین کاری غالباً مستلزم تحقیقات عمیقی است تا هم موضوعات در شرایط خاص خود کاملاً درک شوند و هم معلوم شود چه کارهایی را می‌توان با این تغییرات برای همه گروه‌های اجتماعی انجام داد. قدم بعدی برقراری

ارتباط با مردم و شنیدن انتقادهای آنها از شرایط موجود و همچنین بررسی تأثیرات مثبتی است که به نظر آنها این تغییرات به وجود خواهند آورد. همزمان، گروه‌ها/ سازمان‌ها/ ائتلاف‌های طرفدار تغییرات باید در ادارات، مقامات، سازمان‌های دولتی، شخصیت‌های مردمی تأثیرگذار، و قانون‌گذاران نفوذ داشته باشند.

فعالیت‌های سازمان زنان مدافع حقوق زنان که در ترکیه علیه قوانین مربوط به خشونت خانگی به مبارزه برخاست و در بخش اول در مورد آن بحث کردیم، نمونه خوبی برای این نوع اقدامات طولانی مدت است. به این ترتیب، عین السالشی کندرا، سازمانی غیردولتی که برای دسترسی به نظام حقوقی/قضایی و شناخت بهتر آن در بنگلادش فعالیت می‌کند، نه تنها به مبارزه با بی‌عدالتی می‌پردازد، بلکه «برنامه عدالت جنسیتی»^{۴۳} را نیز ارائه کرده است. عین السالشی کندرا، به کمک رهبران روستایی، تلاش می‌کند تا بتواند، به این ترتیب، جلو محاکمه ناعادلانه زنان در سالیس (شورای روستایی) را بگیرد و آگاهی عمومی را از حقوق بشر و عدالت جنسیتی افزایش دهد. آنها، با برپایی جلساتی با نمایندگان محلی و سازمان‌های قضایی، درباره مسائل مربوط به عدالت جنسیتی گفت‌وگو می‌کنند و با استفاده از نمونه‌ها و موارد محلی سعی دارند افراد را از مسائل و ایجاد اصلاحات لازم آگاه‌تر کنند. در کنار برگزاری این جلسات، کارگاه‌هایی آموزشی را نیز برای فعالان و سازمان‌های محلی، که درباره موضوعات مربوط به عدالت جنسیتی می‌کنند، برپا و رهبران محلی را دعوت می‌کنند تا اگر هم در این کارگاه‌ها شرکت نمی‌کنند در مراسم افتتاح آنها حاضر شوند و سخنرانی کنند. به این ترتیب، عین السالشی کندرا سطح آگاهی افراد محلی را افزایش و به آنها آموزش می‌دهد و مسائل را در برنامه فعالیت سیاسی محلی می‌گنجانند.

در الجزایر، جایی که اصلاح قانون خانواده همچنان موضوعی جنجال برانگیز است، ائتلافی از سازمان‌های زنان الجزایری روش جدیدی را برای آگاهی‌دادن آغاز کرده است تا باب بحث و گفت‌وگو باز شود؛ و قرار است، مانند زنان مراکش، که مختصری دربارهٔ مبارزهٔ آنها خواهیم گفت، از طریق جمع‌آوری امضا مبارزه شود. این روش موجب تقویت فعالیت جمعی زنان و برقراری اتحاد بین سازمان‌های زنان می‌شود. در هر یک از این موارد، نیاز به اعمال فشار و تدابیر مبارزاتی است، ولی همهٔ آنها در سازماندهی و طی مراحل، اصول اولیهٔ مشترکی دارند.

واکنش به شرایط بحرانی: تهیه و تنظیم و توزیع فراخوان

در شرایط بحرانی، باید به سرعت وارد عمل شد تا بتوان حمایت گسترده‌ای جلب و واکنش سریعی ایجاد کرد. انتخاب بهترین نوع عمل، یعنی تظاهرات، فراخوان، مبارزه به وسیله کارت‌پستال یا از طریق رسانه‌ها، یا تلفیقی از همه اینها، اهمیت فراوانی دارد. نوع موضوع و بافت سیاسی موجود است که تعیین می‌کند باید یکی از این روش‌ها را برگزید یا تلفیقی از مجموع آنها. توزیع اطلاعات، بسیج مردم و جلب نظر رسانه‌ها باید همه همزمان انجام شود. افرادی که این مبارزات را سازماندهی می‌کنند باید پیامی کوتاه بر اساس واقعیت و، در صورت لزوم، با ذکر منابع تهیه کنند. آنها باید به وضوح بیان کنند که از حامیان و هم‌دردان خود چه انتظاری دارند و توضیح دهند که چرا حمایت آنها لازم و ضروری است. فراخوان، که اساساً دعوت‌نامه‌ای برای پیوستن به مبارزه‌ای مکاتبه‌ای است، از روش‌های مؤثری است که، در حال حاضر، از آن به صورت گسترده برای رویارویی با شرایط بحرانی استفاده می‌شود و، به همین دلیل، ما به اختصار اصول اولیه تهیه فراخوان را بیان می‌کنیم و توضیح می‌دهیم که چگونه می‌توان مبارزه‌ای مکاتبه‌ای مؤثری داشت.

توزیع فراخوان راهی بسیار ساده برای بسیج مردم است و طی آن از حامیان خواسته می‌شود که درخواست‌های خود را در قالب نامه به مقامات بفرستند. فراخوان چند عملکرد همزمان دارد. اول این که وقتی نامه‌هایی در حمایت از یک فراخوان نوشته می‌شود دلیل این است که

بعضی از شهروندان جامعه بین‌المللی در این مورد نگران‌اند و، به این ترتیب، توجه مقامات محلی را به خود جلب می‌کنند. دوم، فراخوان باعث می‌شود آگاهی عمومی دربارهٔ مشکلی خاص افزایش یابد و چه‌بسا افراد بیشتری را برای یافتن راه‌حل‌های سیاسی و حقوقی، در شرایطی نابرابر، به مشارکت دعوت کند. فراخوان، بر خلاف دیگر روش‌ها مانند شرکت در تظاهرات، این امکان را به افراد می‌دهد که، بدون نیاز به هماهنگی قبلی، بتوانند با دیگران وارد عمل شوند و از این نظر بسیار تأثیرگذار است. و سوم این‌که فراخوان باعث می‌شود حتی افرادی هم که مشارکت مستقیم ندارند از موضوع باخبر شوند. بنابراین، عجیب نیست که نشر فراخوان یکی از پرتعدادترین شیوه‌ها برای جلب حمایت عمومی است.

فراخوان معمولاً نامه‌ای یکی-دو صفحه‌ای است که در آن دربارهٔ وضعیت پیش‌آمده توضیح می‌دهند و اطلاعات موثق را در اختیار افراد قرار می‌دهند. طی این نامه، درخواست می‌شود که افراد یا سازمان‌ها نامه‌های حمایت‌آمیز بنویسند و آن را به نشانی مقامات یا ادارات تعیین‌شده بفرستند. نکتهٔ مهم این است که فراخوان، ضمن این‌که حمایت عمومی را می‌طلبد، باید با لحنی مؤدبانه نوشته شود. نامهٔ مزبور هر هدفی داشته باشد، مانند درخواست انجام‌دادن کاری و جلب حمایت دیگران یا پاسخ به تقاضای فرد یا گروهی برای حمایت از هدف موردنظر یا اعتراض به بی‌عدالتی، در هر صورت، در نوشتن آن، باید از اصول اولیه‌ای پیروی کرد. در زیر، بعضی از تجارب شبکهٔ ارتباطی زنان در جوامع مسلمان در مورد نحوهٔ نگارش و به‌جریان‌انداختن نامه‌های مربوط به فراخوان را با شما در میان می‌گذاریم.

اصول راهبردی برای آماده‌سازی و نشر فراخوان

روال کار شبکه‌ارتباطی زنان در جوامع مسلمان در تهیه و توزیع فراخوان‌ها بسیار ساده و مؤثر است. اگرچه این اقدامات برای تهیه و نشر فراخوان‌هایی در سطح بین‌المللی تدارک دیده شده‌اند، بررسی دقیق آنها برای فعالیت در سطح محلی نیز مؤثر است. عموماً، فرد یا گروهی که در معرض خطر قرار دارد از شبکه‌ارتباطی زنان در جوامع مسلمان درخواست می‌کند فراخوانی تنظیم و منتشر کند. در مواردی هم، افراد درخواست‌کننده کسانی هستند که خود توان دفاع از حقوق خود را ندارند؛ مثلاً، زنانی که ربوده شده و در جایی حبس شده‌اند. در صورتی که کمیته اتحاد این شبکه تشخیص دهد که مسئله‌ای نیاز به فراخوان دارد، شبکه با حوزه‌ای وسیع‌تر از افراد و گروه‌های آگاه تماس می‌گیرد تا مطمئن شود که حمایت خارجی نتیجه معکوس نداشته باشد. همچنین، شبکه با سازمان‌های متحد خود تماس می‌گیرد تا اطمینان حاصل کند که نشر فراخوان در اجتماع موردنظر بیشترین تأثیر را خواهد داشت. همچنین، بررسی می‌کند که آیا کل شبکه و دیگر گروه‌های درگیر هشیار و آماده‌رویارویی با عواقب احتمالی حاصل از فراخوان‌اند یا نه. فراخوان و دیگر انواع مبارزه به وقت و امکانات نیاز دارد. این نکته مهم است که شبکه‌ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و کسانی که با نامه‌نگاری از آنها حمایت می‌کنند برای رویارویی با عواقب احتمالی قابل‌پیش‌بینی و مقتضیات این عمل آماده باشند.

گام بعدی حصول اطمینان از موثق‌بودن همه اطلاعات و در نظر گرفتن پیشینه دقیق آن موقعیت است. این اطمینان در پی تماس با افراد و سازمان‌هایی حاصل می‌شود که از آن موقعیت اطلاع کامل دارند و بعد باید فوریت مسئله را بررسی کرد. در صورتی که تصمیم نهایی برای انتشار فراخوان گرفته شد، باید اقدامات زیر را انجام داد:

الف. حصول اطمینان از صحت اطلاعات. فراخوان یا هرگونه اعتراض

دیگر باید بر پایه اطلاعات دقیق باشد. مردم الزاماً از جزئیات آن موقعیت خبر ندارند، خصوصاً اگر خواهان حمایتی بین‌المللی هستید. باید همه اطلاعات واقعی جمع‌آوری شده، شامل مختصری از جزئیات شرایط و پیشینه آن، به زبانی ساده نوشته شود. با توجه به این که شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان در سطح بین‌المللی فعال است، فراخوان‌های خود را به چند زبان زنده دنیا تهیه می‌کند، ولی همچنان روال تهیه این فراخوان در همه زبان‌ها یکسان است. همواره سعی کنید برای هر ادعا، توضیح یا شرح موقعیتی، داده‌های مستدل و موثقی داشته باشید. در صورت امکان و در صورتی که خطری ایجاد نمی‌کند، منابع اطلاعاتی را قید کنید.

ب. تعیین نیازها. گام بعدی این است که تعیین کنیم در شرایط موجود به چه حمایتی نیاز است و از مردم چه انتظاری می‌رود. این را به زبانی بسیار ساده بنویسید. به صراحت بنویسید که از طرفداران خود می‌خواهید به چه وسیله‌ای با شما همکاری کنند: از طریق دورنگار، پست الکترونیکی، نامه یا تلفن.

پ. رهبری مبارزه. از همراهان خود بخواهید که بر مؤسسه‌ها، افراد و مقامات مربوط فشار بیاورند تا تلاش آنها به نحو مؤثری به نتیجه برسد. مثلاً، پیشنهاد می‌کنیم، در صورتی که افراد خواستار آزادی زندانیان یا مجرمان و یا جلوگیری از اجرای برخی از قوانین هستند که برخلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر است، هم به دولت، یعنی نمایندگان مجلس و وزرا، و هم به قضات محلی نامه بنویسند.

ت. هدایت حمایت مردمی. نشانی پست الکترونیکی، نشانی پستی، شماره دورنگار و تلفن مؤسسات و افرادی را که قرار است نامه‌های حمایتی دریافت کنند در اختیار عموم قرار دهید. عنوان و مقام این افراد باید کاملاً در فراخوان مشخص باشد. اگرچه حدود یک دهه گذشته چنین درخواست‌هایی با پست عادی رد و بدل می‌شد، به خاطر

به صرفه بودن دورنگار و پست الکترونیکی و سرعت انتقال نامه از این طریق، ترجیح بر استفاده از آنهاست.

ث. توجیه فراخوان. در صورتی که فراخوان زمینه‌های قانونی اعتراضات ملی و بین‌المللی را مشخص کند، بسیار مفید خواهد بود. هرگاه قانون یا تعهدنامه‌ای بین‌المللی نقض شود و زندگی و امنیت کسی به خطر بیفتد، ما از دولت می‌خواهیم که شرایط را با قانون کشور سازگار کند. در صورتی که قوانین ملی و بین‌المللی رعایت شود، ولی حقوق اولیه بشر نقض شود، از کنوانسیون‌ها و بیانیه‌های حقوق بشر یا دیگر قراردادهای سازمان ملل برای مبارزه استفاده می‌شود. این کار، زمانی که دولت خاصی در نظر امضاکنندگان این کنوانسیون‌ها باشد، بسیار مؤثر واقع می‌شود. در این نوع فراخوان، معمولاً هم آن دولت خاص و هم جامعه جهانی هدف قرار می‌گیرند. مثلاً، زمانی که دولت چین، در ماه مه ۱۹۸۹، در میدان تیانانمن، به دانشجویان تظاهرکننده حمله کرد، بسیاری از سازمان‌های دموکراتیک جهان موفق شدند، با تحت فشار قرار دادن دولت‌های خود، روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود را با چین، تا زمان رعایت حقوق بشر در این کشور، به حالت تعلیق درآورند.

ج. اشاعه پیام. تعیین کنید که آیا طرفداران شما، که به واسطه فراخوان با آنها تماس می‌گیرید، باید این فراخوان را بین گروه‌ها و سازمان‌های دیگری که با آنها در تماس‌اند نیز توزیع کنند یا نه.

چ. درخواست ارسال رونوشت. اگر از طرفداران خود می‌خواهید که رونوشتی از نامه‌های خود را برای شما بفرستند، دلایل این کار را نیز برای آنها توضیح دهید. شرح دهید که گروه شما این مورد را پیگیری خواهد کرد و داشتن نسخه‌هایی از نامه‌های حمایتی در پرونده در مبارزه عدالت خواهانه بسیار مفید است. به یاد داشته باشید، در شرایط مبارزه سیاسی سرکوبگرانه، مردم دوست دارند گمنام باقی بمانند. با این که آنها

دوست دارند نامه اعتراض آمیزی به مقامات بنویسند، اما شاید ترجیح دهند به سازمان خاصی وابسته نباشند.

ح. توجه به مسائل امنیتی. در برخی شرایط به تدابیر امنیتی نیاز است. هنگامی که درخواست نامه‌های حمایتی بین مردم توزیع می‌شود باید در آن ذکر شود که آیا مردم می‌توانند بگویند که چه منبع یا سازمانی چنین فراخوانی را منتشر کرده است یا نه. گاه، شناسایی افراد یا سازمان‌هایی که این فراخوان را تهیه کرده‌اند زندگی آنها را به خطر می‌اندازد. در چنین شرایطی، باید عبارت «لطفاً نامی از ما ذکر نکنید» را در فراخوان بنویسید. اشتباهی که خیلی از افراد در نوشتن نامه‌های حمایتی می‌کنند این است که نام سازمان یا فرد منتشرکننده فراخوان را در نامه‌شان ذکر نمی‌کنند، اما اگر قرار است نسخه‌ای نیز برای منتشرکننده فراخوان بفرستند، بر اثر سهل‌انگاری آنها، نشانی سازمان منتشرکننده نیز ذکر می‌شود و هویتشان فاش می‌شود. اگر نامه اعتراض آمیز خود را با پست الکترونیکی می‌فرستید و، به دلایل امنیتی، باید افراد گمنام بمانند، بهتر است به جای استفاده از عبارات «به:» یا «رونوشت:» برای صرفه‌جویی در تعداد نسخه‌ها، نسخه‌های جداگانه‌ای برای افراد بنویسید. بسیاری از برنامه‌های پست الکترونیکی دارای بخشی به نام Bcc هستند که نام و آدرس گیرنده(ها) را غیرقابل رؤیت می‌کند.

خ. تهیه نمونه نامه. در صورت ممکن، نمونه‌ای از نامه‌ای را که می‌خواهید طرفداران شما بنویسند تهیه کنید. این کار، در صورتی که فراخوانتان بین‌المللی باشد، مفید است.

د. ذکر تاریخ. همواره تاریخ نشر فراخوان و تاریخ پایان زمان پاسخگویی به آن را بنویسید.

ذ. کار شبکه‌ای. اگر فراخوان سازمان دیگری را منتشر می‌کنید، قبل از فرستادن آن به افراد دیگر، از صحت اطلاعات آن اطمینان حاصل کنید. همچنین، در فراخوان بنویسید که شما این درخواست کمک را دریافت

کرده‌اید و اطمینان دارید که این کاری مؤثر است و، به همین علت، از افراد و طرفداران خود تقاضای مشارکت دارید.

ر. تهیه بانک اطلاعاتی. برای همبستگی اجتماعی فعالان، آنها باید یک بانک اطلاعاتی از اسم و نشانی افراد و سازمان‌های هوادار خود تهیه و این اطلاعات را نگهداری کنند تا در زمان مناسب بتوانند از سازمان‌های مربوط درخواست حمایت کنند. این کار باعث می‌شود که شما بتوانید فراخوان خود را به سازمان‌های مناسب بفرستید و تعداد جواب‌های مثبت دریافتی در حمایت از این فراخوان نیز افزایش یابد؛ ولی باید توجه داشت حفاظت از این بانک اطلاعاتی و دورنگه‌داشتن آن از دسترس افراد ناشناس ضروری است.

ز. انتشار اطلاعات روزآمد. با پیشرفت کار، سعی کنید افرادی را نیز که نامه حمایتی برای شما نوشته‌اند، یا در برانگیختن دیگران به شما کمک کرده‌اند، مطلع نگه دارید. وقتی به موفقیتی می‌رسید، در صورت امکان، نامه تبریکی به طرفداران خود بنویسید. این کار باعث تشویق افراد به مشارکت سیاسی جدی می‌شود و نتیجه عملشان را به آنها نشان می‌دهد.

ژ. رعایت سبک نوشتاری. مانند همه مبارزات مکاتبه‌ای، فراخوان نیز باید به زبانی بسیار صریح و بدون شعار نوشته شود، شرایط را توضیح دهد و نیازها را بیان کند. نکته مهم این است که باید از طرفدارانمان نیز بخواهیم که این سبک را رعایت کنند. فراخوان و نامه‌های خود را کوتاه بنویسید و صریحاً به موضوع اشاره کنید. صرفاً به بیان داده‌های اصلی اکتفا کنید — خواندن نامه‌ای پر از اطلاعات دشوار است — اما همه اطلاعات لازم را بسیار مختصر بیان کنید؛ الزاماً همه افراد با شرایط به‌وجودآمده آشنایی ندارند. در صورتی که از کلمات اختصاری یا سرواژه‌ها استفاده می‌کنید، سعی کنید، قبل از به‌کارگیری اختصارها، دست‌کم یک‌بار آنها را به‌صورت کامل بنویسید و هنگامی که فراخوانی

بین‌المللی می‌نویسید، سعی کنید از این اختصارها استفاده نکنید. نکته مهم این است که دیگران، چه طرفداران شما و چه مقاماتی که نامه‌هایتان به دست آنها می‌رسد، باید بدانند شما از آنها چه انتظاری دارید. به نمونه‌ای در این مورد توجه کنید:

در اکتبر ۱۹۹۵، حاکمان مذهبی چاد زهرا یعقوب، روزنامه‌نگار اهل این کشور را، در پی نمایش فیلمی درباره‌ی ختنه‌ی زنان، با فتوایی محکوم به مرگ کردند. گروهی از زنان سنگالی این مسئله را با شبکه‌ی ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در میان گذاشتند. این شبکه به سرعت وارد عمل شد و از طریق افرادی که در کشور با آن در تماس بودند صحت قضیه را دنبال کرد و وقتی به این نتیجه رسید که یعقوب واقعاً به حمایت بین‌المللی نیاز دارد فراخوانی تنظیم کرد. فراخوان زیر را دفتر شبکه‌ی ارتباطی زنان در جوامع مسلمان در سنگال با حمایت دفتر مرکزی آن تنظیم کرده و نشان‌دهنده‌ی اهمیت کار شبکه‌ای و اتحاد جهانی است.

فراخوان

فتوا علیه زهرا محمد یعقوب

داکار، ۲۹ اکتبر ۱۹۹۵

دوستان عزیز،

باخبر شدیم که فتوایی علیه زهرا محمد یعقوب^{۴۴}، پس از نمایش فیلم وی، تنگنای زنان^{۴۵}، صادر شده است. این فیلم در نوامبر ۱۹۹۴ ساخته شده است. بعد از موفقیت این فیلم در اوگادادوگو (بورکینا فاسو) و مونترال (کانادا)، شورای عالی ارتباطات چاد، طی نامه‌ای که به مدیریت تلویزیون نوشت، اجازه‌ی نمایش آن را صادر کرد.

44. Zahra Mahamat Yacoub

45. *Dilemme au Feminin (Feminine Dilemma)*

روز ۱۳ اکتبر ۱۹۹۵، ۱۳ روز پس از نمایش این فیلم، با دستور شورای عالی امور اسلامی و امام مسجد جامع انجمن، واعظان ۱۵ مسجد شهر انجمن در موعظه‌های خود زهرا یعقوب را ملعون خواندند و او را تکفیر و محکوم کردند.

به سبب نمایش صحنه‌ای از ختنه زنان، یعنی برداشتن کلیتورس زن، و بنابراین برهنگی او، و پخش مصاحبه‌ای با امام اعظم در خارج از این کشور، زهرا یعقوب محکوم شد که سوءنیتی علیه دین اسلام داشته و قصد داشته وجهه مسلمانان چاد را در ذهن جهانیان خدشه‌دار کند.

همان‌طور که می‌دانیم، فتوا رأیی است که مقامات بلندپایه مذهبی، با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی مسلمانان، صادر می‌کنند و چه بسا این مقامات رسماً اختیارات قضایی نداشته باشند.

در نامه‌ای خطاب به مردم چاد، انجمنی که خود را اتحادیه مسلمانان جوان چاد می‌نامید، اعلام کرد که این فیلم با اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی و احکام الهی مغایرت دارد. آنها تقاضا کردند که علیه زهرا و کارگردان تلویزیون چاد اقداماتی جدی صورت گیرد.

در حال حاضر، عده‌ای طی تماس‌های تلفنی با زهرا، او را تهدید به مرگ می‌کنند. هنرپیشه اصلی فیلم او نیز، که دختری ۱۰ ساله است، محکوم شده و، به این ترتیب، از تحصیل بازمانده است. با وجود وخامت اوضاع، تاکنون هیچ اقدام قانونی صورت نگرفته است.

ما از شما تقاضا داریم که هر چه زودتر با نوشتن نامه به افراد ذیل به این موضوع واکنش نشان دهید:

جناب آقای ادريس دبی

رئیس جمهور محترم جمهوری چاد

ب. پ. ۷۴، انجمن، چاد

دورنگار: ۲۳۵۵۱۴۵۰۱ - ۲۳۵۵۱۴۶۵۳

آقای نوجالبای

وزیر امنیت ملی جمهوری چاد

دورنگار: ۲۳۵۵۲۵۸۸۵

آقای ملدوم بابا عباس
وزیر دادگستری جمهوری چاد
دورنگار: ۲۳۵۵۲۵۸۸۵

در نامه‌های خود، خواستار لغو فتوای شورای عالی امور اسلامی علیه زهرا و خواهان حمایت رسمی از او و هنرپیشه فیلمش و دیگر افرادی شوید که در تهیه و نمایش این فیلم همکاری کرده‌اند. متذکر شوید که زهرا هیچ جرمی مرتکب نشده است، بلکه تنها از حق آزادی بیان خود استفاده کرده که از اصول اولیه حقوق بشر سازمان ملل و قانون اساسی جمهوری چاد است. همچنین، اهمیت کار او را، برای حمایت از حقوق دختران جوان و زنان، علیه ختنه دردناک آنان متذکر شوید. بخواهید به شما اطمینان دهند که هیچ اقدامی علیه زهرا و مسئولان تلویزیون چاد صورت نخواهد گرفت.

کپی نامه‌های خود را به نشانی شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان، ب. پ. ۵۳۳۹، داکار فان، سنگال یا به wlum@mnet.fr ارسال کنید. لطفاً، به زهرا به آدرس صندوق پستی [...]، انجامنا، چاد، دورنگار [...] نامه بنویسید و حمایت خود را از وی اعلام کنید.

افراد بسیاری همراه با سازمان‌های حقوق بشر در سراسر جهان، خصوصاً از کشورهای اسلامی، به دولت چاد و رئیس‌جمهور چاد نامه نوشتند و خواستار مداخله آنها و پایان بخشیدن به آزار و اذیت‌های نیروهای محافظه کار شدند. رئیس‌جمهور دبی^{۴۷} مجبور شد از نفوذ خود استفاده کند و، با پایان دادن به این موضوع، جان زهرا یعقوب را نجات دهد. یک سال بعد، شبکه نامه‌ای از زهرا یعقوب دریافت کرد که در آن

۴۶. برای حفظ جان زهرا یعقوب، از ذکر نشانی او خودداری کرده‌ایم.

نوشته بود:

«اگر شما مداخله نمی کردید، هیچ کس کاری نمی کرد و خدا می داند چه بر سر من می آمد... کار شما بسیار مؤثر بود و تا پیش از آن هیچ اقدام رسمی ای انجام نشده بود، اما پس از ارسال نامه های شما به مقامات چاد و پس از فراخوان شما، رئیس جمهور این کشور مجبور شد از امام بخواهد که این موضوع را رها کند... نظر مردم بسیار تغییر کرده، اما هنوز هم نگاه های پرظنی وجود دارد... اوضاع اکنون آرام است. روزگار بسیار سختی بر من گذشت، من نیز دیگر تدابیر امنیتی را رعایت نمی کنم و سعی می کنم اعتماد به نفس خود را دوباره به دست آورم... از همه کسانی که به من کمک کردند سپاسگزارم. هنوز هم نامه هایی در حمایت از خودم دریافت می کنم.»

یعقوب، در پی مبارزه برای اعمال فشار که شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان سازماندهی کرده بود و نامه های حمایت آمیز از سراسر جهان به دستش می رسید، در گفت و گویی با روزنامه ای سنگالی وضعیت خود را توضیح داد:

«سؤال: همان طور که قبلاً گفتید، بعد از یک ماه، اولین کمک ها از سنگال شروع شد؟

جواب: بله، یک روز، در تماسی تلفنی، به من گفته شد که راهم اشتباه نیست، من تنها نیستم و آنها هر کاری بتوانند برای کمک به من انجام می دهند و دورنگاری برای من خواهند فرستاد و در آن توضیح خواهند داد که چه کارهایی در دفاع از من می توانند انجام بدهند.

سؤال: آنها را نمی شناختید؟

جواب: نه، اصلاً. البته امروز کسانی کنارم هستند که هرگز فراموششان نخواهم کرد و برای من یادآور آن افرادند. وقتی خانواده من می پرسند که چه کسی زهرا را از زندان نجات داد، آنها از این زنان سنگالی می گویند. خیلی از این زنان ممنونم و دوست دارم به سنگال

بروم تا شخصاً از آنها تشکر کنم.

سؤال: آنها چطور وارد عمل شدند؟

جواب: از شبکه‌های بین‌المللی زنان یا انجمن‌های مدافع حقوق بشر، که یا در آنها عضو بودند یا آنها را می‌شناختند، دعوت به همکاری کردند تا بتوانند مقامات چاد را تحت فشار بگذارند. بعد از آن، سیل نامه‌های حمایت‌آمیز از افریقا، اروپا، امریکا و تقریباً همه نقاط جهان به طرف من و مقامات چاد سرازیر شد که در آن از مقامات خواسته بودند به این آزار و اذیت‌ها پایان دهند. این نامه‌ها به دفتر ریاست‌جمهوری و دادگستری فرستاده می‌شد و تذکر داده می‌شد که آنها مسئول حفظ امنیت ما هستند. افرادی در دفتر ریاست‌جمهوری به من گفتند که رئیس‌جمهور، با دیدن این همه نامه، امام را احضار کرد و از او خواست که این کار را متوقف کند، چون کنترل امور داشت از دست خارج می‌شد.

سؤال: احساساتان در مورد این حمایت چه بود؟

جواب: نمی‌توانید تصور کنید... همه اینها زمانی به دادم رسیدند که من دیگر نمی‌توانستم مقاومت کنم و داشتم از پا درمی‌آمدم. اگر امروز در آکرا حاضر شده‌ام و درباره این وقایع صحبت می‌کنم، می‌دانم که این را مدیون چه کسانی هستم. در کنفرانسی در بانکوک، بروشور شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان، شبکه‌ای که این مبارزه را در حمایت از من ترتیب داده بود، به دستم رسید، اما مثل همه بروشورهای دیگر، توجه چندانی به آن نکردم. امروز به این نتیجه رسیده‌ام که مبارزه برای دفاع از حقوق زنان مسئله‌ای فرامرزی شده است.»

از زمان شکل‌گیری این سازمان در ۱۹۸۴ تاکنون، این شبکه صدها فراخوان نوشته و توزیع کرده است. برخی از این فراخوان‌ها بسیار موفق بوده‌اند و برخی موفقیت کمتری داشته‌اند. حتی در مواردی که این فراخوان‌ها «شکست» خورده‌اند نیز نتایج مثبتی داشته‌اند؛ زیرا اطلاعات افراد را از موقعیت‌ها و موضوعات گوناگون بیشتر کرده و باعث بالارفتن

سطح آگاهی عمومی شده‌اند. این فراخوان‌ها به دولت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی از عملکرد آنها آگاه است. این کار، به خودی خود، عملی بازدارنده است. برای مثال، گرچه فراخوانی که توضیح خواهیم داد نتوانست برای فلور کانتامپلسیون^{۴۸}، کارگر فیلیپینی، که در سنگاپور محکوم به مرگ شده بود، کاری بکند، اما منجر به ایجاد تغییراتی شد. با انعکاس وسیع این اعتراض در رسانه‌ها، آگاهی عمومی در سطح محلی و ملی و بین‌المللی افزایش یافت و دولت سنگاپور تحت فشار گذاشته شد تا این عمل را توضیح دهد. همچنین، این کار کمک کرد تا تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی و ملی متعهد به توانمندسازی کارگران مهاجر تقویت یابد، و تعهد سازمان ملل در قبال بهبود وضعیت بسیاری از این کارگران، که به تعبیر بعضی از منتقدان اجتماعی اسیران قرن بیستم‌اند، افزایش یابد. در اینجا، به اختصار به جزئیات ماجرای فلور کانتامپلسیون می‌پردازیم:

در ۱۹۹۵، فلور کانتامپلسیون، که یک کارگر مهاجر فیلیپینی در سنگاپور بود، به اعدام محکوم شد. کانتامپلسیون ۴۲ ساله و صاحب چهار فرزند بود که در ماه مه ۱۹۹۱ به دو قتل، قتل یک کارگر فیلیپینی به نام مگا و پسر سه ساله کارفرمای مگا، متهم شد. تا قبل از حکم نهایی دادگاه، شاهدانی پیدا شدند که شهادت دادند کانتامپلسیون بی‌گناه است. یک کارگر محلی دیگر به نام فرنیلا شهادت داد که او گفت وگویی بین مگا و کارفرمایش را شنیده که طی آن کارفرما، به خاطر بی‌توجهی او به پسرش نیکلاس، به وی حمله‌ور شده بود. نیکلاس سرش را به وان کوبیده بود و بعد از یک حمله صرعی در گذشته بود. فلور کانتامپلسیون، در هنگام وقوع حادثه، به دیدن مگا رفته بود. هنگامی که کارفرما متوجه شد فلور شاهد حمله‌اش به مگا بوده است، وی را تهدید به مرگ کرد.

کانتامپلسیون، برای حفظ جان خود، به فیلیپین گریخت، اما بعدها، برای محاکمه به جرم قتل، به سنگاپور بازگردانده شد. فرنیلا، که به فیلیپین بازگشته بود، ابراز تمایل کرد که به سنگاپور بازگردد و در محاکمه شهادت دهد. سازمان‌های مدافع حقوق بشر، از جمله شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان، نارضایتی خود را از نحوه بررسی موضوع ابراز کردند و جوامع بین‌المللی صدها نامه به مقامات سنگاپور نوشتند. با این حال، آنها حاضر به شنیدن اظهارات تازه نشدند و حکم اعدام کانتامپلسیون، بدون تحقیقات بیشتر یا محاکمه مجدد، به اجرا درآمد.

نمونه‌هایی از فراخوان شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان

شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان

شبکه اتحاد جهانی

[نشانی]

دوستان عزیز،

ما فراخوانی از سازمان عفو بین‌الملل در حمایت از الی دیب گالیب^{۴۹}، فرد مسیحی لبنانی، که در امارات متحده عربی زندانی شده، دریافت کرده‌ایم. جرم گالیب فقط این بوده که با زنی مسلمان ازدواج کرده است.

طبق ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «مردان یا زنان، با هر نژاد و ملیت و مذهب، حق ازدواج و تشکیل خانواده دارند.» توجه داشته باشد که حکمی برای او هنوز جاری نشده است. سازمان عفو بین‌الملل از ما می‌خواهد از فراخوان آنها برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط الی دیب گالیب حمایت کنیم.

با اعلام همبستگی

۹ دسامبر ۱۹۹۶

Women living under muslim laws
النساء في ظل قوانين المسلمين
Femmes sous lois musulmanes

International solidarity network
Réseau international de solidarité
Boite Postale 23 - 34790 Grabels
(Montpellier) - France

**ALERT
FOR
ACTION**

December 9th, 1996

Dear friends,

Please find attached an alert for action we have received from Amnesty International, concerning Elie Dib Ghalib, a Lebanese Christian who has been imprisoned in United Arab Emirates -where he works- solely because of his marriage to a Muslim woman.

According to article 16 of Universal Declaration of Human rights: "men or women of full age, without limitation due to race, nationality or religion have the right to marry and to found a family."

Please note that the sentence has not yet been carried out: Amnesty is asking for our support to their call for the immediate and unconditional release of Elie Dib Ghalib as a prisoner of conscience.

In solidarity.

Le 9 décembre 1996

Chères Amies, Chers Amis,

Veuillez trouver ci joint un appel à action urgente que nous avons reçu d'Amnistie Internationale concernant Elie Dib Ghalib, un chrétien libanais qui a été emprisonné aux Emirats Arabes Unis - où il travaille -, uniquement à cause de son mariage avec une femme musulmane.

D'après l'article 16 de la Déclaration Universelle des Droits de l'Homme: "les hommes et les femmes majeurs ont le droit de se marier et de fonder une famille, sans limitation due à la race, la nationalité ou la religion".

Veuillez noter que la sentence n'a pas encore été exécutée: Amnistie Internationale demande votre soutien à son appel pour la libération immédiate et inconditionnelle de Elie Dib Ghalib en tant que prisonnier de conscience.

In solidarité.

**APPEL
ACTION
URGENTE**

**Women living under muslim laws
النساء في ظل الشريعة الإسلامية
Femmes sous lois musulmanes**

International solidarity network
Réseau international de solidarité
Boite postale 23 - 34785 Grabels
(Montpellier) - France



Dears Friends,

You will find enclosed a letter of the Union of Palestinian Working Women Committees who appeal to you to protest against the torture policy and inhumane atrocities against the Palestinian women detainees, and to wage a campaign for releasing most urgently the sick women and girls.

We appeal to you to join them and send them solidarity messages.

Mariémé

Grabels, le 21 Septembre 1993

Chères Amies, Chers Amis,

Vous trouverez ci-joint une lettre de l'Union des Comités de Femmes Ouvrières Palestiniennes, qui font appel à nous pour protester contre la politique de la torture et les atrocités inhumaines contre les femmes détenues palestiniennes et pour mener campagne afin de relâcher de façon urgente les femmes et les jeunes filles malades.

Nous vous demandant de vous joindre à elles en leur envoyant des messages de solidarité.

Mariémé



Women living under muslim laws
النساء في ظل التبرعات الإسلامية
Femmes sous lois musulmanes

April 5, 1993

International solidarity network
Réseau international de solidarité
Boite postale 23 - 34790 Grabels
(Montpellier) - France

**AKHTAR HAMID KHAN IN PAKISTAN, 80 YEARS OLD HEART PATIENT
LIFETIME SOCIAL WORKER IN SLUMS, NATIONALLY AND INTERNATIONALLY ACCLAIMED
RECEIVED THE PRESTIGIOUS RAMON MAGASAYSAY AWARD
FALSELY ACCUSED OF BLASPHEMY
BY A MEMBER OF FUNDAMENTALIST EXTREME RIGHT PARTY
RISKS DEATH PENALTY OR LIFE IMPRISONMENT
TRIAL STARTED MARCH 21 1993, NEXT HEARING IN SAHIWAL
29TH APRIL (NON-BAILABLE WARRANT RE-ISSUED)**

SEND TELEGRAMS TO SAVE HIS LIFE

Dear friends,

We urgently request from you to support A.H. Khan.

All Pakistani women's organisations and NGO support the case but need important international support NOW.

You already know the case of Akhtar Hameed Khan through our two Alerts (November 1992 and 12 & 18 March 93). You know that "blasphemy" is defined by the Pakistan Penal Code as defiling the name of the Prophet not only in words or in writing but also by "any imputation, innuendo or insinuation, directly or indirectly" and that it is punished by "death or imprisonment for life".

Here are fresh - and very worrying - news from Pakistan.

The complainant is a Jamaat-e-Islami Amir (from the extreme right fundamentalist party) and also a lawyer, who produced as sole evidence a supposed tape recording of A.H.Khan which he categorically denies and which is inaudible. (see details in the attached letters from Pakistan)

If, in spite of all official stands of both secular, political and religious leaders, in support of A.H.Khan, the case is still pursued, it clearly shows that the Jamaat-e-Islami network has been activated to campaign against A.H.Khan.

It shows the growing threatening power of fundamentalists.

This is why the case of Akhtar Hamid Khan is also highly symbolic and why all democratic forces rally around his case - and especially women, who always are the main target of fundamentalists when they come to power.

SAVE A.H.KHAN'S LIFE - CABLE NOW Deadline before arrest is April 28

to
the Chief Minister of Punjab
Mr Ghulam Haider Wynn
The Chief Minister's House
7 Club Road, G.O.R. I
Lahore, Pakistan

the Prime Minister
Mr Nawaz Sharif
Prime Minister's Secretariat
Islamabad, Pakistan

and also, if you can, to:

1. Ch. Shujaat Hussain, Ministry of Interior, Islamabad, Pakistan. Fax No : 51 811 477
 2. Gausar Ayub, Speaker, National Assembly, Islamabad, Pakistan.
 3. Ch. Amir Hussain, Minister of Law and Parliamentary Affairs, Islamabad, Pakistan. Fax No : 51 811 472
- and your local Pakistani Embassies

Support the Government recommendation to drop the case and demand this decision to be enforced.
Support the Federal Investigation Agency (GoP) and Ulema's declarations re Innocence of A.H.Khan.
Demand immediate freedom for A.H.Khan. Tell Pakistan authorities the world is watching this case.



مؤامراتی زیر اشرف قوامی
Women living under muslim law
الغیاة فی ظل الشریعة الاسلامیة
Femmes sous lois musulmanes
International solidarity network
Réseau international de solidarité

September 26, 1994

Dear Friends,

Please find enclosed an appeal that we received from Amnesty International. It concerns the torture of a nine year old, Junyunto, detained on suspicion of stealing a wallet.

Torture and ill-treatment are prohibited under the Indonesian Criminal Code but, it seems, frequently used by agencies of the Indonesia Government.

We urge you to respond to this appeal by writing to President Suharto and by circulating information to others for action.

The enclosed information contains the address of persons to be written to.

Yours sincerely

Nadia Bokhari
NADIA BOKHARI

SHIRKAT GAH

308, Sarwar Road Lahore Cant. Tel: 92-42-6661874 & 388960, Fax: 92-42-874914

جلب حمایت و مبارزه برای ابراز همبستگی

نامه‌نگاری برای جلب حمایت ملی و بین‌المللی از افراد و سازمان‌های بانفوذ، به منظور حل قضیه‌ای محلی یا منطقه‌ای، اهمیت بسیاری دارد. چنین نامه‌هایی باید دریافت‌کننده را با موضوع مورد بحث، محتوا و پیشینه آن آشنا کند، و در عین حال، به نکات ذکر شده در مورد نوشتن فراخوان نیز وفادار بماند. در اولین بند آن، باید نویسنده معرفی و درخواست وی مشخص شود. متن نامه باید به جزئیات موضوع بپردازد؛ چنان‌که در بند دوم باید یادآور شد که به چه صورت این مسئله با قوانین یا اصول اولیه حقوق بشر در تناقض است. در بند بعدی، باید بر اهمیت حمایت خواننده تأکید کرد و بیان داشت که، در صورت علاقه، اطلاعات جزئی‌تر در دسترس وی قرار می‌گیرد. در اینجا، نخست یک مورد خاص را توضیح می‌دهیم و بعد نمونه‌ای از چنین نامه‌هایی می‌آوریم:

در ۱۹۹۷ / ۱۳۷۶ مجلس جمهوری اسلامی ایران طرحی مبنی بر جداسازی ارائه خدمات درمانی به مردان و زنان تصویب کرد. این لایحه واکنش بسیاری از زنان فعال و همچنین جامعه پزشکی و پرستاری را برانگیخت؛ زیرا ایران امکانات مالی و حرفه‌ای لازم برای تأمین خدمات دو شبکه پزشکی، به موازات یکدیگر، را ندارد. این خطر وجود داشت که، با تصویب این طرح در مجلس، زنان از خدمات بهداشتی لازم برخوردار نشوند. گروهی از زنان نامه ذیل را به سازمان‌های بین‌المللی زنان نوشتند و خواستار حمایت جهانی در اعتراض به این طرح شدند.

به: مسئول هماهنگی بین‌المللی شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان، دفتر بین‌المللی

از: کمیته بهداشت زنان، تهران، ایران

موضوع: طرح جداسازی خدمات درمانی زنان و مردان

تاریخ: ۱۲ مه ۱۹۹۸

مسئول محترم هماهنگی بین‌المللی،

ما کمیته‌ای غیررسمی متشکل از پزشکان، وکلا، دبیران و جامعه‌شناسان هستیم که سعی داریم از اجرای طرح جدیدی، مبنی بر جداسازی خدمات درمانی زنان و مردان، جلوگیری کنیم. ما این نامه را نوشته‌ایم تا از شما درخواست حمایت کنیم و بخواهیم که به دولت ایران، مجلس و قوه قضاییه فشار آورید و مانع اجرای این طرح نامعقول شوید.

مجلس ایران، برای اسلامی کردن تشکیلات پزشکی این کشور، طرحی را پیشنهاد کرده است که مفهوم آن جداسازی مطلق زنان و مردان است؛ چنان‌که بیمارستان‌های جداگانه‌ای برای زنان و مردان در نظر گرفته شود. توجه داشته باشید که اکنون نیز، تا حد ممکن، تلاش می‌شود پزشکان و پرستاران هر بخش هم‌جنس باشند. بر اساس این طرح جدید، هیچ پرستار زنی در بیمارستان‌های مردان و هیچ پزشک مردی در بیمارستان‌های زنان حضور نخواهد داشت. با توجه به این واقعیت که ایران، در حال حاضر، امکانات پزشکی کافی برای عرضه خدمات به مردم ندارد و فاقد تخت و تجهیزات پزشکی و متخصصان کافی است. با در نظر گرفتن این‌که جامعه ایران مردسالار است و نابرابری‌های حقوقی و بنیادی جنسیتی بسیاری در آن وجود دارد - مثلاً این‌که در محاکم قضایی دو شاهد زن برابر یک شاهد مرد است - با اجرای این طرح، سلامت همه مردم ایران، خصوصاً زنان، به خطر خواهد افتاد. خلاصه‌ای از نکات مهم هر سند را به انگلیسی ترجمه و ضمیمه این نامه کرده‌ایم و خوشحال خواهیم شد که هر کدام از اسناد مورد نیاز شما را نیز ترجمه کنیم.

از شما درخواست می‌کنیم که این موضوع را در سطح بین‌المللی و با نوشتن نامه‌هایی در حمایت از خواسته ما مطرح کنید. این نامه‌ها باید به حجت‌الاسلام ناطق نوری، رئیس مجلس ایران، به آیت‌الله خامنه‌ای، مقام رهبری، به آقای خاتمی، رئیس‌جمهور، و آیت‌الله یزدی، رئیس قوه قضاییه، فرستاده شود و از آنها درخواست شود که از این طرح حمایت نکنند.

به پیوست، همه نشانی‌ها و دورنگارهای مورد نیاز ذکر شده‌اند. در صورت نیاز، آماده عرضه هرگونه اطلاعات بیشتر هستیم.^{۵۰} امیدواریم که از حمایت شما برخوردار شویم. کمیته بهداشت زنان ایران

به خاطر داشته باشید که ارائه اسناد و مدارک برای دفاع از درخواست خود، و ذکر نام‌های مخاطبان نامه‌ها و عناوین آنها بسیار ضروری است.

۵۰. شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان و سنزمان‌های دیگر، در پاسخ به کسانی که خواهان اتحاد با آنها شده بودند، فراخوانی ترتیب دادند و مشکل را برای جامعه بین‌المللی بازگو و از آنها درخواست کردند به مقامات مربوط نامه بنویسند. نامه‌های بین‌المللی، به همراه هزاران نامه‌ای که از داخل کشور ارسال شده بود، به دولت نشان داد که این طرح بین مردم پذیرفته شده نیست. با این که این طرح در مجلس محافظه‌کاران تصویب شده بود، مراحل بعدی را طی نکرد و به صورت قانون درنیامد.

پاسخ به فراخوان‌ها:

نامه‌هایی به دولت و مقامات رسمی

نوشتن نامه به دولت یا نمایندگان مجلس راهی بسیار آسان برای فشار آوردن به مقاماتی است که، به‌عنوان نمایندگان جامعه، وظیفه‌ای بر عهده دارند. چنین نامه‌هایی الزاماً نباید حاکی از درک عمیق نویسنده از موضوعات پیچیده جهانی باشد و نباید هم طولانی و موشکافانه و مفصل باشد؛ با این حال، باید حاوی اطلاعات اولیه درباره موضوع مورد نظر باشد. از به‌کاربردن زبان سیاسی نامفهوم و زبان متکلف پرهیز کنید. لازم است بتوانیم نگرانی خود را از مسئله‌ای که باید اقداماتی در مورد آن انجام دهیم بیان کنیم و درخواست خود را محترمانه و صریح اعلام داریم.

رعایت ادب و احترام در متن نامه معمولاً تأثیر فراوانی دارد. نامه‌های تهاجمی و بی‌ادبانه زودتر به زباله‌دان فرستاده می‌شوند. با این‌که نامه‌های امضاشده مؤثرتر واقع می‌شوند، در شرایط سخت سیاسی یا در موقعیت‌های پرخطر گاهی لازم است نامه‌ها بدون امضا باشند.

بهتر است اسناد و مدارک مربوط را، به‌صورت ضمیمه، به نامه الصاق کنید. گاهی بهتر است خلاصه‌ای از اسناد را تهیه کنید و در صفحه اول آن بنویسید. در صورتی که موضوع به نقض حقوق بشر مربوط می‌شود، در صورت امکان، موارد مربوط از بیانه‌های جهانی حقوق بشر یا دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی را ذکر کنید. پیشنهاد می‌کنیم، نامه‌های مربوط به مقامات دولتی، بر اساس کتاب راهنمای سازمان عفو بین‌الملل، با این خطاب‌ها آغاز شوند:

خطاب نامه	مقامات
جناب آقای... / سرکار خانم...، رئیس جمهور محترم... ^{۵۱}	رئیس جمهور
اعلیٰ حضرت / علیا حضرت ^{۵۲}	پادشاهان، ملکہا و دیگر درباریان
جناب آقای... / سرکار نخست وزیر محترم... ^{۵۳}	نخست وزیر خانم...
جناب آقای... / سرکار خانم...، وزیر محترم... ^{۵۴}	دیگر وزیران
عالی جناب / سرکار خانم... / جناب آقای...، سفیر محترم... ^{۵۵}	سفیران
قاضی محترم... ^{۵۶}	قاضی کل
قاضی محترم... ^{۵۷}	قاضی

51. Your Excellency, Mr./Madame President

52. Your Majesty

53. Dear/Honorable Prime Minister

54. Dear Minister

55. Your Excellency, or Dear Mr./Madame Ambassador

56. Dear Mr./Madame Justice

57. Your Honor

همه نامه‌ها را می‌توان با عبارت «با احترام»^{۵۸} یا «ارادتمند»^{۵۹} یا «با تقدیم احترامات»^{۶۰} امضا کرد.

نامه‌های اعتراض‌آمیز باید کلامی قوی داشته باشند، ولی در عین حال، برخوردارند یا تهدیدآمیز یا بازخواست‌کننده نباشند. در اینجا، چند نمونه از عباراتی که می‌توان با آنها نامه را شروع کرد می‌آوریم:

«عمیقاً از بی‌عدالتی نسبت به ... متأثرم...»^{۶۱}

«وضعیت پیش آمده بسیار برایمان ناراحت‌کننده است...»^{۶۲}

«نگران... هستم...» یا «وضعیت... نگران‌کننده است... رسیدگی به آن ضرورت دارد.»^{۶۳}

رؤسای دولت‌ها و وزرا معمولاً بر تعهد خود به حقوق بشر، دموکراسی و، به‌طور کلی، پیشبرد جامعه مدنی تأکید دارند، اما همیشه به تعهدات خود عمل نمی‌کنند. می‌توانیم در نامه‌های خود مؤدبانه این تضاد را در گفتار و عمل آنها متذکر شویم و از آنها بخواهیم که به گفته‌های خود عمل کنند. مثلاً، می‌توانید بنویسید:

«اینجانب از اظهارات شخص شما در دفاع از تساوی حقوق زنان و نیز شأن و منزلت زن مطلع هستم و می‌دانم که کشور شما یکی از امضاکنندگان کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان^{۶۴} است. بنابراین،

58. Yours Truly

59. Sincerely

60. Respectfully

61. "I am deeply grieved by the injustice suffered by..."

62. "We are distressed by the circumstances surrounding..."

63. "I am gravely concerned by ..." or "The situation of ... is alarming ... The urgency of this situation can not be overstated."

64. Convention of the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW)

معتقدم که شما نیز باید خود را در نگرانی عمیق من در مورد وضعیت خانم ... سهیم بدانید. مصرانه از شما تقاضا دارم دستور فرمایید تحقیق کاملی در مورد دستگیری ایشان و اقدامات فوری برای حفظ سلامت و تأمین امنیت و آسایش وی انجام شود...»

گاهی، دولت‌ها، تحت فشارهای بین‌المللی، کنوانسیون مربوط به حقوق بشر را امضا می‌کنند و مدتی نیز بیانیه‌هایی در حمایت از مثلاً حقوق زنان منتشر می‌کنند؛ اما در این زمینه هیچ اقدامی نمی‌کنند، یا ممکن است در نظام سیاسی فعلی همچون گذشته حامی دموکراسی نباشند. می‌توانید نامه‌هایی را که خطاب به این دولت‌ها می‌نویسید چنین آغاز کنید:

«ما می‌دانیم که دولت شما امضاکننده کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان است. دولت، با امضای این قرارداد، تعهد خود را در پاسداشت مقام انسانی همه زنان و مردان نشان داده است. به این دلیل، از شما تقاضا می‌کنم...»

سعی کنید رونوشت همه نامه‌های ارسالی را پیش خود نگه دارید. به این ترتیب، می‌توانید در صورت دریافت پاسخ، ارتباطات بیشتری برقرار کنید. به محض دریافت پاسخ نامه، باید فوراً نامه تشکرآمیز محترمانه‌ای ارسال کنید و دریافت نامه را اطلاع دهید. اگر پس از مدت معینی جوابی دریافت نکردید، بجاست که مجدداً نامه‌ای در کمال ادب و احترام برای پیگیری ارسال کنید.

در اینجا، نمونه‌هایی از نامه‌هایی را که به مقامات دولتی نوشته شده آورده‌ایم. به سبک‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت نامه‌ها دقت کنید. نامه اول بسیار طولانی است. نویسنده آن عضو یکی از گروه‌های مدافع حقوق بشر (سازمان عفو بین‌الملل) بوده است که، با اشاره به عضویت خود در این سازمان، به خوبی موضع خود را در قبال موضوع مطرح کرده است. نامه دوم کوتاه است و نمونه‌ای از انواع نامه‌هایی است که ممکن

است افراد عادی بنویسند. نامه سوم را گروهی از زنان سنگال نوشته‌اند تا نگرانی خود را در مورد حکم مرگ زهرا یعقوب، روزنامه نگار اهل چاد، که قبلاً به آن پرداختیم، ابراز کنند. با وجود سبک‌های متفاوت، نامه‌ها مؤدبانه و ساده و صریح نوشته شده‌اند.

این نامه به قلم معلمی است از یک کشور به رئیس‌جمهور کشوری دیگر:

[نشانی]

[تاریخ]

رئیس‌جمهور محترم،

من معلم تاریخ مدرسه‌ای محلی و عضو سازمان عفو بین‌الملل هستم که سازمانی است مستقل که برای آزادی زندانیان عقیدتی، برگزاری محاکمات عادلانه برای زندانیان سیاسی، و لغو شکنجه و اعدام در سراسر جهان فعالیت می‌کند. سازمان عفو بین‌الملل هیچ‌گونه موضع موافق یا مخالفی علیه دولت‌ها یا نظام‌های سیاسی اتخاذ نمی‌کند و تنها نگران رعایت حقوق بشر است. امروز، نامه‌ای برای شما می‌نویسم تا نگرانی خود را در مورد یک زندانی به نام [...] که بر اساس قانون امنیت داخلی کشور در بازداشت به سر می‌برد، ابراز کنم. به سبب شغلم، اغلب این افتخار را پیدا می‌کنم که درباره کشور شما مطالعه کنم و امیدوارم توانسته باشم تا حدودی به مشکلات موجود در کشور شما پی ببرم. به استناد گزارش روزنامه ملی ما، مقامات کشور شما هیچ دلیلی برای زندانی کردن [...]، که هرگز مرتکب جرمی نشده، ابراز نکرده‌اند. همان‌طور که مستحضرد، به استناد اعلامیه حقوق بشر که کشور شما نیز یکی از امضاکنندگان آن است، همواره بر حقوق بنیادین افراد، در داشتن محاکمه‌ای عادلانه و سریع، تأکید شده است.

از شما تقاضا دارم که شخصاً موضوع را پیگیری کنید. آیا این اطمینان را به جامعه بین‌المللی می‌دهید که [...] فوراً محاکمه، و جرم او مشخص یا از زندان آزاد شود؟

مشتاقانه در انتظار دریافت پاسخ شما در مورد این مسئله مهم هستم.

با تقدیم احترام،

[نام]

[امضا]

این نامه نسبتاً طولانی است، می‌توان آن را کوتاه‌تر نوشت و، در عین حال، مطلب اصلی را نیز بیان کرد.

* * *

دفتر نخست‌وزیری
اسلام‌آباد، پاکستان
۱۸ مارس ۱۹۹۳

نخست‌وزیر محترم، جناب آقای نواز شریف،
اینجانب، به‌عنوان مسئول هماهنگی گروه مطالعاتی زنان مسلمان در
مونترال و همچنین در مقام استاد دانشگاه، برای ابراز ناخشنودی انجمن خود
در مورد مشکل پیش‌آمده برای دکتر اختر حمید خان، این نامه را برایتان
ارسال می‌کنم.

دکتر اختر حمید خان نمونه درخشانی از فداکاری و وفاداری به مسلمانان
است که در سراسر جهان، به‌سبب مبارزات خود علیه فقر و بی‌خانمانی در
زاغه‌های پاکستان، شهرت دارد. دولت شما باید، با رعایت عدالت، برای لغو
اتهامات وارده به ایشان فوراً عمل کند و همچنین آزادی و امنیت شخصی دکتر
خان را تضمین کند.

در حال حاضر، بی‌اساس بودن اتهامات وارده به دکتر اختر خان را کمیته
تحقیق دولت فدرال تأیید کرده، و در آن قید شده است که موارد اتهام خلاف
واقعیت بوده و آمیخته با مقاصد غیرحقوقی است و نباید دنبال شود. از شما
تقاضا داریم، بدون فوت وقت، در رفع این بی‌عدالتی اقدام کنید؛ نه تنها به‌خاطر
دکتر خان، بلکه به‌خاطر حرمت لکه‌دارشده جامعه بین‌المللی مسلمانان بر اثر
این تعصب و تندروی. او، پس از یک عمر خدمت صادقانه برای مردم
کشورش، سزاوار ستایش و افتخار بود، نه این‌که وی را با اتهامات نادرست به
پای میز محاکمه بکشانند.

اطمینان دارم شما در رفع ظلم از دکتر اختر خان عادلانه عمل خواهید کرد.^{۶۵}
 با احترام فراوان،
 مسئول هماهنگی گروه مطالعاتی زنان مسلمان
 مونترال

* * *

جناب آقای نخست‌وزیر،

بسیاری از مردم جامعه ما نگران گزارشی هستند که در روزنامه خوانده‌اند. نسخه‌ای از این گزارش را به پیوست خدمتان ارسال می‌کنیم. طبق این گزارش، ده تن از اعضای اتحادیه کارگری در پایتخت، طی هفته گذشته، بدون هیچ اتهامی دستگیر شده‌اند. محل نگهداری این افراد معلوم نیست. پلیس و نیروهای امنیتی حاضر نشده‌اند درباره آنها به خانواده‌هایشان و جامعه بین‌المللی اطلاعاتی بدهند. ما تقاضا داریم دفتر شما، برای تأمین امنیت آنها و رعایت حقوق قانونی‌شان، در برخورداری از محاکمه علنی و منصفانه، در صورت ایراد اتهام، اقدامات لازم را به عمل آورد. چنانچه این افراد بی‌دلیل در بازداشت به سر می‌برند، امیدواریم دفتر شما آزادی فوری آنها را تسهیل کند. پاسخ سریع شما موجب امتنان خواهد بود.

با تقدیم احترام،
 گروه تحقیق خاورمیانه
 اوتاوا، کانادا

۶۵. دکتر اختر خان، که در آن زمان ۸۰ سال داشت و در وضعیت جسمی نامساعدی به سر می‌برد، بارها همچون شخصیتی افسانه‌ای، در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده است. عمر خود را وقف مبارزه با فقر و بی‌خانمانی مردم فقیر کراچی کرده بود. او خود گفته است که زندگی کاری‌اش از خلوص نیت و الهام گرفته از مطالعات عمیقش در اسلام است. ولی برخی از افراد، با انگیزه‌های سیاسی، از جمله فردی که در پاکستان سابقه اختلاس دارد، وی را به کفرگویی متهم و اتهاماتی را به وی وارد کردند. این کار خشم جامعه را برانگیخت، و بسیاری از سازمان‌های خیریه غیردولتی در سطح ملی و بین‌المللی، در دفاع از وی، بسیج شدند. این مشکل خاتمه یافت، ولی آنچه می‌توان از این ماجرا دریافت شبهاتی است در مورد ماهیت قوانین که اجازه چنین بی‌عدالتی‌هایی را می‌دهد. دکتر خان، به سبب شناختش از اسلام و تبحر بسیارش در سنت اسلامی، شهره آفاق است. او با زبان‌های عربی و فارسی آشنایی کامل دارد و وفاداری و خدمت وی به فقرا ریشه در دیدگاه عمیق اسلامی او دارد. او همواره مورد احترام جوامعی است که در آنها فعالیت داشته است.

دکتر جک لایت استون
قائم مقام دانشگاه کنکوردیا
۱۳ فوریه ۱۹۹۷

جناب آقای دکتر لایت استون^{۶۶}،

با نهایت شگفتی، شنیدم مؤسسه سیمون دوبووار، به خاطر سیاست نامشخص این دانشگاه در صرفه جویی مالی، در آستانه انحلال است. مؤسسه سیمون دوبووار مرکز بین المللی مطالعات زنان شناخته شده است و به عنوان اولین مرکز مطالعات زنان در امریکای شمالی، و از نخستین مراکز مطالعات زنان در جهان، اهمیت تاریخی دارد. من اگرچه فرصت رفتن به بسیاری از دانشگاه‌های دیگر را داشتم، با استفاده از بورسیه شورای جمعیت جهانی، به دانشگاه کنکوردیا پیوستم؛ زیرا درباره اعتبار مؤسسه سیمون دوبووار مطالب بسیاری خوانده بودم. امروزه، این مؤسسه مرکز مطالعاتی بسیاری از دانشمندان مشهور جهان است که هر یک به فراخور، در قالب برنامه‌های مربوط به زنان یا جز آن، به حیات علمی دانشگاه کمک کرده‌اند و، با در اختیار قرار دادن یافته‌های علمی خود، در کل به غنای جامعه نیز کمک می‌کنند.

در حالی که این مؤسسه وجهه‌ای بین‌المللی به دست آورده، جای تأسف است که این دانشگاه قادر نبوده ارزش والای آن را به جامعه دانشگاهی بشناساند، و، چندان که باید، از این مرکز حمایت معنوی یا مادی نکرده است؛ در حالی که برنامه‌های این مؤسسه در زمینه مطالعات زنان، در سراسر

۶۶. این نامه در واکنش به تلاش دانشگاه کنکوردیا برای صرفه جویی مالی از طریق تعطیلی بعضی بخش‌ها، از جمله مؤسسه سیمون دوبووار، نوشته شده است. این مؤسسه یکی از کم‌هزینه‌ترین برنامه‌ها را در اختیار داشته و در مدت کمی توانسته دانشجویان بسیاری را به این دانشگاه جذب کند. بیش از ۶۰۰ نامه در حمایت از این مرکز به رئیس دانشگاه نوشته شد و ضمیمه آموزشی تایمز نیز، که خوانندگان بسیاری دارد، یک صفحه کامل را به مقاله‌ای درباره این مؤسسه اختصاص داد. به این ترتیب، رئیس دانشگاه از تصمیم خود منصرف شد و، با دیدن حمایتی که از این مرکز شد، به این نتیجه رسید که منابع مالی بیشتری در اختیار آن قرار دهد.

امریکای شمالی، بسیار چشمگیر بوده و محققان و دانشجویان بسیاری را به خود جلب کرده که آنان نیز، به نوبه خود، هم از نظر مادی و هم از نظر علمی، به رشد این دانشگاه کمک کرده‌اند. تصمیم این دانشگاه مبنی بر انحلال این مؤسسه اشتباهی جبران‌ناپذیر است و به اعتبار این دانشگاه لطمه می‌زند. جداً از شما تقاضا دارم که این پیشنهاد را مدنظر داشته باشید.

با احترام،

هما هودفر

استادیار مردم‌شناسی

* * *

اچ.ای. اونگ تنگ چنگ

دفتر رئیس‌جمهوری

ایستانا، جاده اورچاد

جمهوری سنگاپور ۰۹۲۲

۱۶ مارس ۱۹۹۵

عطف به مدارک جدید در مورد خانم فلور آر. کانتامپلسیون که در ۱۷ مارس ۱۹۹۵ در سنگاپور به اتهام قتل دو نفر محکوم به اعدام شد.

عالی جناب،

اخیراً مطلع شدیم که دو شاهد در فیلیپین مدارک جدیدی ارائه کرده‌اند که شک و تردید ما را درباره صحت قضاوت دادگاه درباره خانم فلور کانتامپلسیون، خدمتکار ۴۲ ساله فیلیپینی و مادر ۴ فرزند، برمی‌انگیزد. به اعتبار این مدارک جدید، احتراماً تقاضا داریم که اجرای حکم اعدام را به تعویق بیندازید و دادگاهی مجدد تشکیل دهید تا واقعیت آشکار شود. ما اطمینان داریم که جنابعالی و دولت سنگاپور برای رعایت عدالت در دادگاه‌های سنگاپور تلاش خواهید کرد.

با احترام

مبارزه از طریق عریضه و جمع‌آوری امضا

مبارزه از طریق جمع‌آوری امضا^{۶۷} یا عریضه نیز از روش‌های مؤثر مبارزاتی برای آگاهی یا بسیج مردم است. از این روش‌ها نه تنها در شرایط بحرانی، بلکه برای ایجاد تغییرات بلندمدت نیز می‌توان استفاده کرد. مبارزه از طریق عریضه و جمع‌آوری امضا اصولاً مخاطبانی بیش از مبارزات مکاتبه‌ای یا فراخوان دارد؛ بنابراین، در کشورهایی که دولت به وجهه و محبوبیت خود نزد افراد جامعه اهمیت می‌دهد، این روش‌ها بسیار مناسب است. دولت انتخابی، که می‌خواهد خود را تثبیت کند، به خواست گروهی از افراد در قالب عریضه بیشتر توجه خواهد کرد تا نامه‌هایی که انفرادی ارسال می‌شود. دولتی که پشتیبانی عامه مردم را می‌خواهد به امکان برآوردن خواسته‌های موجود در عریضه‌ها، برای این که بتواند رضایت حامیان خود را جلب کند، اهمیت بیشتری می‌دهد؛ در صورتی که دولتهایی که به زور بر مردم حکومت می‌کنند و خود را چندان در برابر شهروندان پاسخگو نمی‌دانند کمتر به چنین مبارزاتی توجه می‌کنند. قبل از شروع مبارزه از طریق عریضه، که به انرژی و وقت فراوانی نیاز دارد، همه این عوامل را در نظر بگیرید. راهکار واحدی برای فعالیت در همه کشورها وجود ندارد؛ هر وضعیتی باید با توجه به عوامل

و شرایط خاص موجود ارزیابی شود.

عریضه اظهاریه اعتراض آمیز کوتاهی است که در شرایط ایده آل باید امضاهای فراوانی زیر آن باشد تا نمایانگر حمایت عمومی از این نامه باشد؛ تقاضایی عمومی است که برای جلب توجه مسئولان به موضوعی خاص نوشته می شود. عریضه نویسی راه آسانی برای مردم است که با آن مسائل و نگرانی های خود را مطرح کنند. یک امضای ساده در پای عریضه چه بسا اولین گام به سوی مبارزه ای درازمدت برای تغییرات اجتماعی باشد. عریضه نویسی، مانند بسیاری از شیوه های بسیج عمومی، آگاهی مردم را افزایش می دهد، خصوصاً زمانی که تعداد امضاکنندگان به قدری زیاد باشد که توجه رسانه ها را نیز به خود جلب کند.

مبارزه «یک میلیون امضایی» زنان مراکش

در ۱۹۹۲، بسیاری از سازمان های زنان، اتحادیه های تجاری، و برخی احزاب سیاسی و همچنین سازمان های حقوق بشر سریعاً به «اتحادیه حرکت زنان»^{۶۸} پیوستند تا مبارزه ای را برای اصلاح قانون خانواده در مراکش و احقاق حقوق زنان آغاز کنند. عریضه ای تهیه و منتشر شد که اصلاحات فراوانی مربوط به حق طلاق برای زنان، ممنوعیت چندهمسری، تغییر نحوه تقسیم ارث، قیمومیت کودکان و غیره ذکر شده بود. این موضوعات را دولت، که نیاز به اعمال اصلاحات را می پذیرفت، گه گاه به بحث می گذاشت، اما فقدان اراده سیاسی هر تغییری را ناممکن می ساخت. زنان فعال عقیده داشتند که نوشتن نامه با امضای تعداد کثیری از افراد باعث می شود که دولت بدانند مردم بی صبرانه منتظر چنین اصلاحاتی هستند.

در ۱۹۹۲، دولت مراکش، برای معرفی خود به عنوان دولتی لیبرال،

مسئول و پاسخگو دست به تبلیغات وسیعی زد. در این تبلیغات، سخن از تغییرات و اصلاحات بود. در آن زمان، اتحادیه حرکت زنان فرصت را مغتنم شمرد تا بتواند برای اصلاح قوانین مربوط به حقوق فردی به دولت فشار آورد. هر ۱۹۹۵، زمان برگزاری چهارمین کنفرانس زنان سازمان ملل نزدیک می‌شد و بسیاری از دولت‌ها می‌خواستند نشان دهند که اقداماتی را برای بهبود وضعیت زنان در کشورشان انجام داده‌اند. در چنین شرایطی، اتحادیه حرکت زنان تصمیم گرفت مبارزه‌ای را از طریق تنظیم عریضه و جمع‌آوری یک میلیون امضا آغاز کند. آنها امیدوار بودند که از طریق عریضه، برگزاری جلسات، نوشتن مقالات در روزنامه‌ها و جلب توجه رسانه‌ها بتوانند مردم را برای حمایت از خواسته‌هایشان بسیج کنند. با حمایت سازمان‌های دیگر و افراد فعال، حدود یک میلیون امضا جمع‌آوری شد. دولت سریعاً قانون خانواده را به بحث گذاشت. اگرچه اصلاحات انجام‌شده شامل همه خواسته‌های سازمان‌های زنان نمی‌شد، این مبارزه، پس از چند دهه بی‌توجهی دولت به این موضوع، باعث ایجاد تغییراتی در قوانین فردی و قانون خانواده شد.

با این‌که سازمان‌های زنان مراکش این اصلاحات را چندان رضایت‌بخش نمی‌دانند و به مبارزه خود برای دستیابی به اصلاحات عمیق‌تر ادامه می‌دهند، نکته مهم این است که این مبارزه باعث تقویت جنبش زنان در مراکش و بسیج بسیاری از زنان و عموم مردم برای دفاع از حقوق زنان شده است.^{۶۹}

۶۹. در سال ۲۰۰۳، پس از مذاکرات بسیاری، قانون خانواده مراکش اصلاح شد و این کشور را به یکی از کشورهای لیبرال در جهان اسلام تبدیل کرد. علاوه بر این، تصویب شد که، در همه انتخابات ملی، ۳۰ درصد از کرسی‌ها به زنان اختصاص داده شود و، در انتخابات اخیر، برای نخستین بار زنان حضور چشمگیری در مجلس ملی داشتند. چنین پیشرفت‌هایی بدون بسیج زنان و بسیج عمومی در مراکش، طی دهه ۱۹۹۰، امکان‌پذیر نبود.

جمع‌آوری موفقیت‌آمیز یک میلیون امضا باعث توانمندی و الهام‌گیری دیگر سازمان‌های زنان در سراسر دنیا و خصوصاً فعالان در جوامع مسلمان شد که معمولاً مشکلات و محدودیت‌های مشابهی دارند. در ۸ مارس ۱۹۹۷، «گروه کار مشارکت داخلی»^{۷۰}، که یک سازمان حمایت از زنان مستقر در الجزایر است، از طریق عریضه، مبارزه مشابهی را با عنوان «یک میلیون امضا برای دفاع از حقوق زنان در خانواده» آغاز کرد. اگر چه جنگ داخلی در الجزایر مشکلاتی را دنبال داشت و مانعی در جمع‌آوری امضا شد، این ابتکار عمل بحث دربارهٔ قانون خانواده را در صدر برنامه‌های کشور قرار داد.

نحوهٔ تنظیم عریضه

در اینجا برخی اصول ساده را برای شروع مبارزه از طریق عریضه ذکر می‌کنیم:

الف. تقاضا(ها)ی اصلی عریضه باید در بالای صفحهٔ اول درج شود و بقیهٔ فضا برای جمع‌آوری امضا، و دیگر اطلاعات موردنیاز اختصاص داده شود. نسخه‌های فراوانی از عریضه تهیه و توزیع شود.

ب. یک آدرس مبدأ باید در آن ذکر شود تا زمانی که عریضه پیر از امضا شد بتوانند آن را به سازمان‌دهندگان پس بفرستند.

پ. باید صفحه‌ای را به داده‌ها و بحث‌های مربوط به درخواست عریضه اختصاص داد؛ زیرا ممکن است افرادی علاقه‌مند باشند اطلاعات بیشتری در این زمینه کسب کنند.

ت. طراحی و صفحه‌بندی عریضه بسیار مهم است. اطمینان حاصل کنید که فضای در نظر گرفته‌شده برای امضا و اطلاعات مربوط به آن

کافی است.

ث. عریضه باید ساده و روشن نوشته شود تا همه مردم بتوانند مطالب آن را درک کنند. از به کار بردن زبان علمی و سیاسی، از لفاظی و هرگونه تعبیرات ناآشنا پرهیزید. تا حد امکان، پیام خود را کوتاه بنویسید تا افرادی که وارد یک مرکز خرید یا مکان عمومی شلوغ می‌شوند نیز به آسانی آن را بخوانند و امضا کنند. مردم فرصت ندارند که شرح مفصلی از یک موضوع را بخوانند.

ممکن است با افرادی برخورد کنید که از عریضه شما حمایت می‌کنند، اما حاضر به امضای آن نیستند؛ زیرا با نحوه نوشتن آن مخالف‌اند. از آنها بخواهید که خودشان عریضه‌ای تنظیم کنند یا مستقیماً نامه‌ای به مقام مسئول مورد نظر بنویسند. گاهی، افراد — عمدتاً در جوامع غیردموکراتیک — اکراه دارند از این که، در صورتی که نیاز باشد، متنی را امضا کنند یا اطلاعات خصوصی مانند آدرس و شماره تلفن خود را در اختیار بگذارند. مبارزان باید به این موضوع توجه داشته باشند. هدف نهایی از فعالیت اجتماعی و ادار کردن مردم به مشارکت نیست، بلکه دادن حق انتخاب به آنهاست، بدون در نظر گرفتن این که چقدر چنین مشارکتی را موجه می‌دانند.

چند نمونه:

دوستان عزیز،

ما فراخوانی از «انجمن اروپایی مبارزه با اعمال خشونت بر زنان کارگر» دربارهٔ ورونیک آکوبه^{۷۱} دریافت کرده‌ایم. وی هم اکنون به اتهام کشتن کارفرما و پسرش، که بارها به وی تجاوز کرده بودند، در زندان به سر می‌برد. اقدام جمعی ما سال قبل سارا بالاباگان^{۷۲} را نجات داد. ورونیک آکوبه نیز

71. Véronique Akobé

72. Sarah Balabagan

موردی شبیه سارا است، اما وی هشت سال پیش محکوم شد که زنده به گور شود تا سرکارگر وی بدنام نشود. اکنون زمان آن رسیده که به وی کمک کنیم. در همین نامه، خبرهای خوبی نیز برای شما داریم: مبارزه ما برای آزادی زهرا یعقوب، فیلم ساز اهل چاد، به نتیجه رسید. به پیوست، مصاحبه وی با یکی از نشریات آکرا را برایتان ارسال می‌کنیم. او از همه شما به خاطر تلاشتان برای نجات وی تشکر می‌کند و از شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان خواسته تا این پیام را به همه برساند.

با اعلام همبستگی،
سی. دولاپریه

* * *

انجمن اروپایی مبارزه با اعمال خشونت بر زنان کارگر

فراخوان

درخواست عفو ورونیک آکوبه

در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۰، ورونیک آکوبه، زنی ۲۳ ساله اهل ساحل عاج، در دادگاه آسین نیس به ۲۰ سال زندان محکوم شد. ورونیک آکوبه، که غیرقانونی به فرانسه مهاجرت کرده بود، به عنوان کارگر خانگی در این کشور مشغول به کار شد. مدت کوتاهی پس از استخدام، بارها کارفرما و پسرش به او تجاوز کردند. در ۳ اوت ۱۹۸۷، پسر کارفرما را به قتل رساند و پدرش را نیز مجروح کرد. با وجود این که شواهدی دال بر تجاوز به وی وجود داشته، وکلا و هیئت منصفه دادگاه این موضوع را در نظر نگرفته‌اند. با توجه به این که بازجویی و محاکمه در شرایط ناعادلانه‌ای انجام شده است، و با توجه به سنگین بودن حکم، خواهشمندیم ورونیک آکوبه مورد عفو رئیس جمهوری قرار گیرد و از فرانسه اخراج نشود.

انجمن اروپایی مبارزه با اعمال خشونت بر زنان کارگر، که بسیاری از

سازمان‌ها در فرانسه و کشورهای دیگر^{۷۳} از آن حمایت می‌کنند، از رئیس‌جمهور فرانسه تقاضا دارد که ورونیک آکوبه را مورد عفو قرار دهد. با امتناع از عفو وی، رئیس‌جمهور پشتیبانی خود را از حکمی که مؤید جنسیت‌گرایی و نژادپرستی است اعلام می‌دارد. عفو ریاست‌جمهوری حاکی از درک ایشان از بی‌عدالتی‌ای است که ورونیک آکوبه قربانی آن شده است.

نامه‌ای با ۳۰ هزار امضا به ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه، ارسال شده، اما هنوز ایشان اقدام مؤثری انجام نداده‌اند. سارا بالاباگان، که به جرمی مشابه ورونیک ناعادلانه محکوم به مرگ شده بود، با بسیج بین‌المللی نجات یافت. مهم است که همبستگی خود را برای نجات جان ورونیک آکوبه نیز نشان دهیم.

— عریضه زیر را در حمایت از ورونیک آکوبه و برای عفو وی از سوی رئیس‌جمهور و اجازه اقامت وی در فرانسه امضا کنید. دادخواست امضا شده خود را به رئیس‌جمهور فرانسه ترجیحاً از طریق دورنگار شماره ۴۷۴۲۲۴۶۵ - ۳۳۱ یا به آدرس کاخ الیزه، شماره ۵۵، خیابان فابورگ سن اونور، ۷۵۰۰۸ پاریس، فرانسه ارسال کنید.

— در ۳۰ مه ۱۹۹۶، در مقابل سفارت‌ها و کنسولگری‌های فرانسه تجمع کنید و خواستار عفو ورونیک آکوبه از سوی رئیس‌جمهوری در پاریس شوید. سعی کنید این موضوع را در رسانه‌ها نیز منعکس کنید. در صورتی که تا این تاریخ عریضه‌های خود را برای رئیس‌جمهور نفرستاده‌اید، هیئتی تشکیل دهید تا در روز گردهمایی عریضه به دست سفرای این کشور برسد.

— تعداد امضاها را جمع‌آوری شده را به ما اطلاع دهید و یک نسخه از عریضه خود را برای ما ارسال کنید. ما را از ابتکار عملتان باخبر کنید.

۷۳. «جنبش ضدنژادپرستی و دوستی بین ملت‌ها»، «شبکه ارتباطی زنان در جوامع مسلمان»، «جنبش مسیحیان برای لغو شکنجه»، «گروه اطلاعات و حمایت از کارگران مهاجر»، «جمعیت بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی»، «کمیته کمک‌رسانی به قربانیان نژادپرستی»، «کمیته ساحل عاج در حمایت از ورونیک آکوبه».



کمیته پشتیبانی از عفو ورونیک آکوبه، بدون اخراج از خاک فرانسه

در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۰، ورونیک آکوبه، زنی ۲۳ ساله اهل ساحل عاج، در دادگاه آسیز نیس به ۲۰ سال زندان محکوم شد. ورونیک آکوبه، که غیرقانونی به فرانسه مهاجرت کرده بود، به عنوان کارگر خانگی در این کشور مشغول به کار شد. مدت کوتاهی پس از استخدام، بارها کارفرما و پسرش به او تجاوز کردند. در ۳ اوت ۱۹۸۷، ورونیک پسر کارفرما را به قتل رساند و پدرش را نیز مجروح کرد. با وجود این که شواهدی دال بر تجاوز به وی وجود داشته، وکلایا هیئت منصفه دادگاه این موضوع را در نظر نگرفته اند. بلافاصله پس از محاکمه، کمیته پشتیبانی تشکیل شد، اما صدای آن به گوش کسی نرسید. تقریباً نه سال است که ورونیک آکوبه در زندان به سر می برد.

با توجه به این که بازجویی و محاکمه در شرایط ناعادلانه ای انجام شده است، و با توجه به سنگین بودن حکم، خواهشمندیم ورونیک آکوبه مورد عفو رئیس جمهوری قرار گیرد و از فرانسه اخراج نشود. با امتناع از عفو وی، رئیس جمهور پشتیبانی خود را از حکمی که مؤید جنسیت گرایی و نژادپرستی است اعلام می دارد. عفو ریاست جمهوری حاکی از درک ایشان از بی عدالتی ای است که ورونیک آکوبه قربانی آن شده است.

سارا بالاباگان، که به جرمی مشابه ناعادلانه محکوم به مرگ شده بود، با بسیج بین المللی نجات یافت. مهم این است که همبستگی خود را برای نجات جان ورونیک آکوبه نیز نشان دهیم.

محاکمه و حکم ورونیک آکوبه ناعادلانه است.

فرمان آزادی و عفو او باید صادر شود.

او نباید اخراج شود.

نام	شغل	آدرس	امضا

قابل توجه نمایندگان مجمع ملی و کمیسیون قضایی ترکیه

با آن‌که برابری زن و مرد در قانون اساسی ترکیه به صراحت آمده است، قانون مدنی این کشور شامل موادی تبعیض آمیز نسبت به زنان است که حقوق آنها را زیر پا می‌گذارد.

طرحی پیشنهادی مبتنی بر تغییر این قوانین تبعیض آمیز را از ۱۹۸۴ مجمع ملی ترکیه «تحت رسیدگی» قرار داده است. اخیراً، در ۱۷ فوریه ۱۹۹۴، نیز عریضه‌ای حاوی ۱۰۰ هزار امضا برای آقای جیندوروک، رئیس مجمع ملی، فرستاده شده که در آن مصرانه از کمیسیون قضایی و مجمع ملی خواسته شده این طرح را تصویب کنند؛ اما تا جایی که اطلاع داریم، طرح مزبور به فراموشی سپرده شده و مجمع ملی هیچ اقدام مؤثری برای تصویب و اجرای آن انجام نداده است.

علاوه بر این، مواد تبعیض آمیز قانون مدنی ترکیه با بندهای ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان تضادهای آشکاری دارد. این کنوانسیون را ترکیه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۵ امضا و تصویب کرده است. در این کشور نیز، همچون دیگر کشورها، نقش چشمگیر زنان را در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین، مصرانه از شما تقاضا داریم این طرح را بپذیرید و سریعاً برای تغییر قوانینی که مانع فعالیت زنان یا بهره‌گیری آنان از روند توسعه می‌شود، اقدام کنید.

نام	نشانی	شغل	امضا
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----

برگشت به:

در اوج بحران بوسنی، عده‌ای از دانشجویان دانشگاه استنفورد گروهی تشکیل دادند به نام «دانشجویان مخالف نسل‌کشی»^{۷۴}. در دومین سالگرد جنگ بوسنی، این گروه مبارزه از طریق جمع‌آوری امضا در سطح جهانی را برگزیدند و از دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها در سراسر جهان خواستند عریضه‌ای امضا کنند. این عریضه به دو منظور نوشته شده بود: خاتمه نسل‌کشی در بوسنی، و آگاه کردن مردم از فجایعی که در بوسنی رخ می‌داد.

عریضه‌ای به مناسبت دومین سالگرد جنگ بوسنی

ما، دانشجویان و کارکنان و اعضای هیئت‌های علمی دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها از سراسر جهان و دیگر امضاکنندگان این نامه، امروز، به مناسبت دومین سالگرد اشغال ساریوو و اعمال بی‌رحمانه ملی‌گرایان صرب، برای پاکسازی قومی و تجاوز با هدف نسل‌کشی، گرد هم آمده‌ایم. با امضای این عریضه، این اعمال و ادامه نسل‌کشی در این سرزمین را محکوم می‌کنیم و بدین وسیله مراتب انزجار خود را از مشارکت سازمان ملل و رهبران سیاسی خود در این جنایات اعلام می‌داریم و در پایان مصرانه از رهبران جهان می‌خواهیم به این جنایت‌ها پایان دهند و صلح را به بوسنی بازگردانند. فقط عدالت می‌تواند صلحی پایدار به بوسنی هدیه کند.

[گروه دانشجویان مخالف نسل‌کشی]

امضا

نام و نشانی

برگشت به: گروه دانشجویان مخالف نسل‌کشی، صندوق پستی ۹۲۴۸، استنفورد،
۹۴۳۰۹ کالیفرنیا، امریکا

مبارزه از طریق ارسال کارت پستال

همانند مبارزه از طریق امضا، مبارزه از طریق ارسال کارت پستال نیز ابزار مؤثری برای افزایش آگاهی مردم و جلب حمایت آنهاست. مبارزات کارت پستالی موفق نشان‌دهنده حمایت گسترده از موضوعی خاص است، چنان‌که مقامات دولتی را با انبوهی نامه روبه‌رو می‌کند. در کارت پستال‌ها، از طرح‌های گرافیکی و تصویر و کاریکاتور استفاده می‌شود؛ زیرا اینها بهتر از کلمات پیام را به مردم منتقل می‌کنند. بنابراین، جلب نظر مردم برای انتخاب یک کارت پستال در حمایت از یک موضوع اغلب آسان‌تر از جلب رضایت آنها برای امضای عریضه است.

راهنمایی‌هایی برای تدارک مبارزه از طریق ارسال کارت پستال

وقتی کارت پستالی می‌فرستید، اطلاعات لازم را در اختیار علاقه‌مندان بگذارید و افراد یا مراکزی را که می‌توانند با آنها تماس بگیرند معرفی کنید. از آنجا که خواندن کارت پستال و امضای آن زمان کمی نیاز دارد، وسیله‌ای مؤثر برای آگاهی جمعی و جلب حمایت عمومی است. شاید برای برخی از افراد هزینه فرستادن کارت پستال سنگین باشد و شاید عده‌ای نیز چون از عکس کارت خوششان آمده آن را نگه دارند؛ ولی به هر ترتیب، مبارزه کارت پستالی راهی بسیار مؤثر برای دعوت مردم برای مشارکت عمومی است.

عریضه و کارت پستال به آنهایی که دور از هم زندگی می‌کنند یا کمبود وقت دارند و نمی‌توانند در راهپیمایی‌ها و جلسات شرکت کنند امکان می‌دهد تا عقاید خود را بیان کنند. مبارزه از طریق عریضه و ارسال کارت پستال به‌ویژه در سطح بین‌المللی بسیار مؤثر است. سازماندهی مبارزه با کارت پستال روش‌های گوناگونی دارد. روش عمومی این است که کارت پستالی با تصویری خاص که پیام مشخصی دارد بین افراد توزیع می‌شود تا امضا کنند و بفرستند. در این کارت پستال، باید گیرنده ذکر شود. راه دیگر این است که یک فرد یا سازمان موضوعی را که اهمیت بسیاری دارد بنویسد و از دیگران بخواهد که در سطح ملی یا بین‌المللی، به نشانهٔ اعلام حمایت، کارت پستال‌هایی را ارسال کنند. سپس، مجموعهٔ این کارت پستال‌ها را برای سیاستمداران، مدیران، رهبران تجاری یا سیاستگذاران مسئول بفرستند. این کار این پیام نافذ را دربر دارد که بسیاری از مردم بر کارها و تصمیمات افراد صاحب‌قدرت و نفوذ نظارت می‌کنند.

مبارزه برای دفاع از حقوق زنان در افغانستان

در ۱۹۹۷، هنگامی که نیروهای نظامی طالبان کابل را تصرف کردند، زنان این کشور حقوق اولیهٔ خود، یعنی برخورداری از خدمات بهداشتی و تحصیل، را نیز از دست دادند. علاوه بر این، از زندگی اجتماعی محروم شدند. زنان، بدون حضور یکی از مردان خانواده، اجازه نداشتند از خانه خارج شوند، نمی‌توانستند به مدرسه بروند، نمی‌توانستند کار کنند و حتی از حمام‌های عمومی استفاده کنند. «کمیتهٔ حمایت از زنان افغانستان»^{۷۵}، که یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در کانادا است، مبارزه‌ای از طریق ارسال کارت پستال شروع کرد و از جامعهٔ جهانی برای

پایان دادن به این بحران کمک خواست. این مبارزه در مارس ۱۹۹۸ شروع شد و طی دو ماه این گروه توانست صدها هزار کارت پستال را از سراسر جهان جمع‌آوری کند. بسیاری از این کارت‌ها به دفتر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو فرستاده شد که اعضای آن دفتر نیز به این رایزنی گسترده برای دفاع از حقوق زنان در افغانستان ارج نهادند. این مبارزه باعث شد مردم جهان از وضعیت مصیبت‌بار زنان افغانستان بیشتر آگاه شوند و این موضوع همچنان در برنامه فعالیت سیاسی سازمان‌های بین‌المللی قرار بگیرد.

مبارزه برای نجات کودکان عراقی

برای لغو تحریم اقتصادی امریکا علیه عراق، مبارزه‌ای با ارسال یک میلیون کارت پستال آغاز شد. سازمان ملل نیز این نحوه مبارزه را الگو قرار داد. مروا^{۷۶} و کوتار الراوی^{۷۷} دختران یک پدر عراقی و یک مادر امریکایی‌اند. پدر و مادر آنها، در ۱۹۹۷، برایشان توضیح دادند که تحریم اقتصادی پس از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ به منظور تنبیه رهبر عراق، صدام حسین، عملاً برای مردم و کودکان عراق مصیبت به بار آورد. هر ماه ۴۰۰۰ کودک عراقی، به علت کمبود دارو، جان خود را از دست می‌دادند.

این دو دختر نه و ده ساله به فکر افتادند که برای کودکان عراقی کاری بکنند. آنها یک نقاشی کشیدند و آن را برای همسر رئیس‌جمهور وقت امریکا، هیلاری کلینتون، فرستادند و توضیح دادند که به نظر آنها تحریم اقتصادی بهترین یا صلح‌طلبانه‌ترین راه برای حل مسئله نیست. سپس، از کودکان دیگر خواستند که به این مبارزه بپیوندند، و نیز هرکدام کارت پستالی، ترجیحاً دست‌ساز همراه یک پیام، برای آنها بفرستند تا آنها مجموعه کارت‌ها را تحویل کاخ سفید بدهند.

آنها یک صندوق پستی تهیه کردند. کارت‌پستال‌هایی نیز خریدند تا مردم آنها را امضا کنند و بفرستند. برای تأمین هزینه این کار، بطری‌های خالی را، برای بازیافت، و لباس‌ها و وسایل دست‌دوم را جمع‌آوری کردند و با کمک مادرشان، در گاراژها بازارهایی ترتیب دادند. از معلمان و بزرگسالان دیگری خواستند در ساخت یک وب‌سایت به آنها کمک کنند. تعدادی از کارت‌پستال‌ها را اسکن کردند و روی وب‌سایت آمار

76. Marwa

77. Kouthar Al-Rawi

کارت‌پستال‌های دریافتی را درج کردند. از یک آدرس پست الکترونیکی هم در این سایت الکترونیکی استفاده کردند تا بتوانند با دیگر کودکان و افراد علاقه‌مند ارتباط برقرار کنند. آنها تصمیم گرفتند، قبل از تحویل این کارت‌ها به کاخ سفید، نمایشگاهی از کارت‌پستال‌ها برگزار کنند. سپس، به رادیو محلی دعوت شدند تا دربارهٔ این‌که کودکان برای بهتر شدن جهان دست به چه کارهایی می‌توانند بزنند سخن بگویند.

سرانجام، «کمیتهٔ خدماتی دوستان امریکایی»^{۷۸}، یک سازمان «کواکر»^{۷۹}، از جوان مندل، که جایزهٔ بهترین فیلم مستند را گرفته بود، دعوت کرد تا فیلمی کوتاه دربارهٔ تلاش‌های این دو خواهر بسازد. این دو کودک نشان دادند که، با وجود جوان بودن، می‌توان در برخی اقدامات و ایجاد تغییرات مؤثر بود. این دو دختر کوچک، با دعوت از کودکان سراسر جهان برای اعتراض به بی‌عدالتی، نشان دادند که این‌گونه اقدامات تا چه حد می‌تواند در مسائل مهم تأثیرگذار باشند.^{۸۰}

78. The American Friends Service Committee

79. Quaker

۸۰ برای تماس با این دو خواهر، به آدرس‌های زیر نامه بنویسید:

Al-rawi, PO Box 1141, Sanperdro, CA 90733 USA

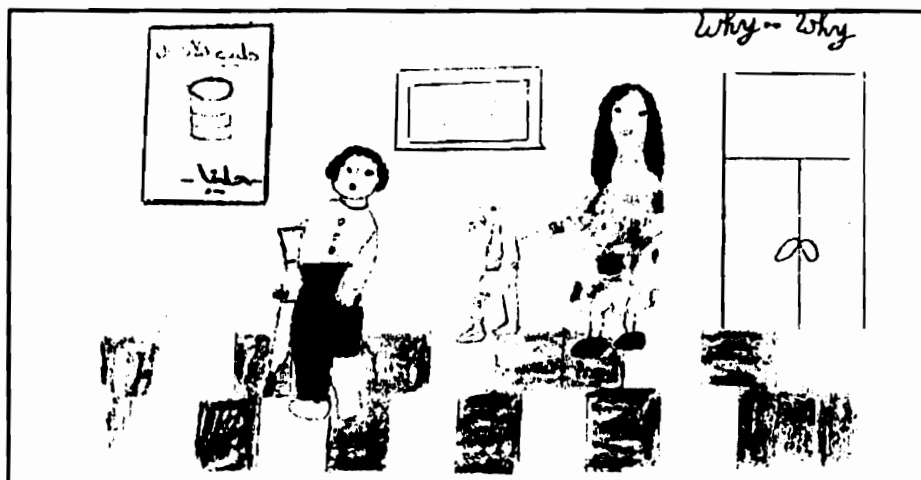
برای دیدن وب‌سایت آنها، به <http://www.members.aol.com/hamzaha/iraqichildren> بروید. از

طریق این آدرس نیز می‌توانید به آنها نامه بنویسید: askautiraq@afsc.org

چند نمونه کارت پستال

چرا ...

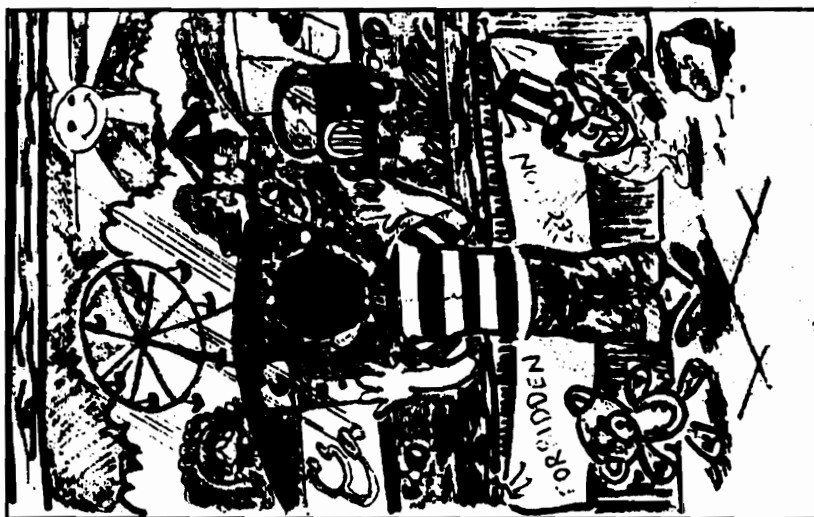
شما کودکان عراقی را از غذا و شیر و دارو محروم می‌کنید.
مردم جهان، کودکان عراق را فراموش نکنید! هر روز ده‌ها کودک در
عراق می‌میرند.



Why...
you prevent food, milk and medicine
from Iraqi children.
librarians of the world remember the children
of Iraq. every day die tens of children
of Iraq.
- Baghdad - Iraq.

امروز کودکان عراقی از حقوقشان در زندگی محروم اند.
چرا؟...

عراس فراه عبدالحمید الزبیدی



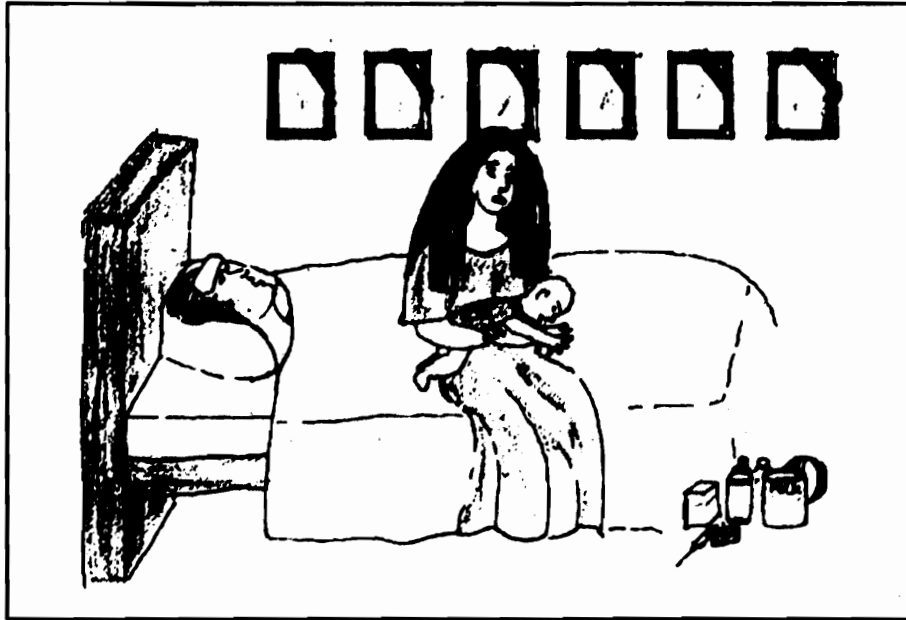
Today Iraqi children
are deprived of their
rights in life
why?....

Oras Dhafer Abd Al-Hameed

AL-Zubaidy

همان چیزی را می‌خواهیم که حق هر انسانی است.

فراح ریاض
کودک عراقی



*All we want is what
we deserve to have as
human beings ...*

Farah Riadh
Iraqi child

کودکان عراقی را فراموش نکنید

پس از پایان بمباران در ژانویه ۱۹۹۱، جنگ برای کودکان عراقی تمام نشد. در حقیقت، این تازه ابتدای ماجرا بود. بله، همین طور است، مثلاً، پسرعموی ما یحیی خیلی خوش شانس بوده که زنده مانده است. او توانست، بدون داروی بی‌هوشی یا آنتی‌بیوتیک، از عمل آپاندیس جان سالم به در ببرد. زخم او با نخ عادی خیاطی بخیه شده است. دخترعموی ما زینب نیز همه عمر خود را در جنگ و تحریم‌های پس از آن گذرانده است. او در عراق زندگی می‌کند و کم پیش می‌آید غذای کافی برای خوردن داشته باشد. اینها به خاطر تحریم‌های سازمان ملل تحت فشار دولت امریکاست.

نام من کوتار الراوی است و ده سال دارم. خواهرم مروان سه ساله است. ما در کالیفرنیا زندگی می‌کنیم، خیلی خوش شانس هستیم که هیچ وقت گرسنه نمانده‌ایم، و وقتی مریض می‌شویم می‌توانیم نزد پزشک برویم. اما برای کودکان عراقی اینها غیرممکن است. آنها نیز مثل ما شایسته داشتن چنین فرصت‌هایی در زندگی هستند و می‌توانند به رؤیاهایشان تحقق ببخشند.

تحریم امریکا علیه عراق باید لغو شود؛ زیرا کودکان عراقی هم باید غذای کافی و آب آشامیدنی و دارو داشته باشند. آنها نیز باید از همه عشق و دوستی بینند. آنها نیز شایسته‌اند که هنرمند، شاعر، معلم، پزشک، پدر، مادر، دانشمند و، مهم‌تر از همه، کودک باشند.

به همین سبب است که ما مبارزه‌ای را آغاز کرده‌ایم به این نام: «کودکان عراقی را فراموش نکنید، یک میلیون کارت پستال برای رئیس‌جمهور کلینتون بفرستید.» ما می‌خواهیم جلو مرگ ۱۵۰ کودک عراقی در روز را بگیریم. می‌خواهیم مطمئن باشیم که کودکان هیچ کشور دیگری با کمبود غذا و دارو مواجه نمی‌شوند. می‌خواهیم به مردم جهان نشان دهیم که کودکان نیز می‌توانند تغییری به وجود بیاورند.

همین حالا، یک کارت پستال برای رئیس‌جمهور کلینتون بفرستید و از او بخواهید که به این تحریم پایان بدهد. ما رؤیایی در سر داریم که با کمک شما

می‌توانیم آن را برآورده کنیم. همیشه به یاد داشته باشید که همه ما یک خانواده‌ایم که زیر سقف آسمان زندگی می‌کنیم.

کوتار و مروا الراوی

مبارزه کودکان عراقی را فراموش نکنید،

یک میلیون کارت پستال برای رئیس جمهور کلینتون بفرستید

سن پدرو، کالیفرنیا ۹۰۷۳۳

صندوق پستی ۱۱۴۱



Remember the Iraqi Children

by Kouthar and Marwa Al-Rawi



At the end of the bombing in January 1991, the war didn't end for the Iraqi children. In fact, for them it was just beginning. Our cousin Yeh Yeh, for example, is lucky to be alive. He survived getting his appendix out without anesthesia or antibiotics. His surgery was closed with thread used for sewing clothing. Our cousin Zaynab has lived her entire life during the war and with the sanctions that followed. She lives in Iraq and seldom has the food she needs to eat. This is because of the United Nations' sanctions that are being continued due to pressure from the U.S. government.

My name is Kouthar Al-Rawi.

I'm 10 years old. My sister is Marwa. She's 9 years old. We live in California and are fortunate to have never been hungry. When we are sick, we go to the doctor. But for the children in Iraq, these are impossibilities. We believe they deserve the same chance at life that we have and

the opportunity to pursue their dreams.

Iraqi children need the sanctions lifted because they deserve food, clean water, and medicine. They deserve love and peace from everybody. They deserve to be artists, poets, teachers, doctors, moms, dads, scientists, and, most of all, they deserve to be children.

That is why we started the campaign Remember the Iraqi Children, One Million Postcards to President Clinton. We want to help prevent 150 children from dying each day in Iraq. We want to make sure the starvation and medical problems never happen to children in any other country

ever again. We want to show the world that children can make a difference.

Write a postcard now asking President Clinton to end the sanctions. We have a dream, and this dream involves your help. Always remember we are all one family under one sky.



Kouthar (left) and Marwa with some of the postcards they've already received.

Kouthar and Marwa Al-Rawi

Remember the Iraqi Children, One Million Postcards to President Clinton Campaign

P.O. Box 1141

San Pedro, CA 90733

مبارزه برای پایان دادن به جنگ داخلی سودان

بسیاری از صلح‌دوستان جهان از بی‌توجهی جامعه بین‌المللی به جنگ داخلی سودان نگران‌اند. این جنگ طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ در تاریخ افریقا بوده که دو میلیون کشته برجای گذاشته و باعث آواره شدن چهار میلیون نفر شده است. همچنین، این نگرانی وجود دارد که احتمالاً درآمد حاصل از فعالیت شرکت‌های بین‌المللی نفتی و دیگر سازمان‌های چندملیتی در سودان به تأمین مالی ارتش و بنابراین طولانی شدن جنگ انجامیده باشد. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مبارزه‌ای را با ارسال کارت‌پستال آغاز کردند تا بدین وسیله دولت‌های خود را تحت فشار بگذارند که به این شرکت‌ها فشار آورند تا کمک به ارتش سودان را متوقف کنند. امیدواریم که، به این ترتیب، ارتش سودان مجبور شود جنگ را متوقف کند و وارد مذاکرات صلح شود و به این فاجعه انسانی پایان دهد. در کانادا، شبکه آلترناتیوز^{۸۱} این ابتکار را به خرج داد و مبارزه‌ای را آغاز کرد.

به سلاخی مردم سودان خاتمه دهید

جناب آقای آکسوورتی،

طی ۳۰ سال گذشته، بیش از شش میلیون نفر در جنگ داخلی سودان

کشته، زخمی، ربوده و از خانه‌هایشان رانده شده‌اند.

از آنجا که ممکن است برخی از شرکت‌های کانادایی، مستقیم یا غیرمستقیم، در این جنگ دست داشته باشند یا به آن دامن زنند، بدین وسیله، انزجار خود را از این موضوع اعلام می‌کنیم.

از شخص شما و از دولت کانادا تقاضا دارم شرکت‌های کانادایی را در خارج از کشور وادار کنید به اصول اخلاقی، از جمله رعایت حقوق بشر، احترام بگذارند.

همچنین، از شما تقاضا داریم علناً از رژیم سودان بخواهید که بار دیگر برای از سرگیری مذاکرات صلح تلاش کند.

در صورتی که فرد یا شرکتی کانادایی در نقض حقوق بشر دست داشته باشد، نظیر مواردی که در سودان رخ می‌دهد، آبروی ما نیز در خطر است.

با احترام،

شبكة الترناتویوز

مبارزه از طریق ارسال کارت پستال محیط‌زیستی

هنگامی که گروهی از شهروندان علاقه‌مند، سازمان‌های غیردولتی و حامیان محیط‌زیست متوجه شدند که بسیاری از جوامع صنعتی به اجرای تعهد خود در امضای توافق‌نامه کاهش انتشار گاز دی‌اکسیدکربن، که مهم‌ترین عامل آلودگی است و میزان آن در سال ۲۰۰۵ به ۲۰ درصد می‌رسد، تمایلی ندارند، تصمیم گرفتند پروژه «گروه ۲۱» را اجرا و مبارزه‌ای را با ارسال کارت پستال از کیوتوی ژاپن آغاز کنند.^{۸۲} این پروژه از طریق نامه، وبسایت و ایجاد شبکه توانست مردم را در سطح بین‌المللی بسیج کند تا با ارسال کارت پستال‌هایی به هیئت‌های اعزامی به «کنفرانس اقلیمی»^{۸۳}، که قرار بود در دسامبر ۱۹۹۷ در کیوتو برگزار شود، حمایت خود را اعلام کنند. هدف اصلی این بود که به هیئت‌های دولتی فشار آورند که کنفرانس سومی با عنوان تغییرات اقلیمی برگزار کنند و در آن، اجرای توافق‌نامه کاهش گاز دی‌اکسیدکربن را قطعیت بخشند. هزاران کارت پستال از ۵۱ کشور برای حمایت از این پروژه فرستاده شد که این کارت‌ها را ۲۱ نفر که سن آنها زیر ۲۱ بود و از کشورهای سراسر دنیا آمده بودند، به هیئت‌های اعزامی تحویل دادند. این فعالان جوان به هیئت‌های اعزامی یادآور شدند که تصمیمات آنها در آینده این افراد و نسل‌های آینده تأثیر می‌گذارد. رسانه‌ها به خوبی این پروژه را پوشش دادند؛ زیرا حضور این افراد جوان توجه همگان را به خود جلب کرده بود. هدف از این پروژه این بود که یکی از مشکل‌های

۸۲ «گروه ۲۱» فعالیت غیرانتفاعی دارد و هیچ‌گونه وابستگی سیاسی، اجتماعی، مذهبی به هیچ سازمانی ندارد. اعضای این گروه داوطلبانه خود را وقف اهداف این پروژه کرده‌اند. فعالیت‌های این گروه به کنفرانس COP3 کیوتو محدود می‌شود و امید است که تأثیر مثبتی در تفکر جهانی داشته باشد. آدرس

وبسایت این گروه: <http://www.envirolink.org>

بزرگ محیط‌زیستی زمین را به مردم و مقامات یادآور شوند و به جوانان سراسر جهان بگویند که آینده خانه ما، زمین ما در دست آنان است. این ابتکار بسیار موفق بود و حمایت گسترده‌ای از آن شد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت این پروژه سادگی طرح آن بود. اهداف و پیام گروه بسیار واضح بود و نشانی گروه برای ارسال کارت‌پستال نیز کاملاً روشن و خوانا بود، و طرفداران می‌توانستند هر کارت‌پستالی را که انتخاب می‌کردند ارسال کنند. این روش برخلاف بسیاری از مبارزات کارت‌پستالی بود که در آنها نوع خاصی از کارت مدنظر است و همه باید از همان کارت نسخه‌هایی تهیه کنند و بفرستند. با وجود این‌که مبارزه تبلیغاتی با کارت‌پستال باعث افزایش آگاهی در مردم می‌شود، هزینه بسیار سنگینی دارد و برای توزیع آن در سطح جهان باید شبکه ارتباطی وسیع و نیرومندی داشت.

کار با رسانه‌های گروهی

جلب توجه رسانه‌های گروهی به مشکل موردنظر اهمیت فراوانی دارد. رسانه‌ها بخشی از زندگی روزانه همه افراد هستند و نقش اصلی در افزایش آگاهی و بسیج عمومی دارند. نوشتن متن‌هایی برای استفاده در آنها، با توجه به محدودیت‌های زمانی و مکانی و نیز طیف گسترده مخاطبان، به دقت ویژه‌ای نیاز دارد. برخی از راهنمایی‌های اولیه را در این مورد ذکر می‌کنیم:

نوشتن برای روزنامه‌های محلی / ملی

در اینجا، به راهنمایی کوتاهی استناد می‌کنیم که «شورای بررسی روابط آمریکا و جهان اسلام»^{۸۴}، مطرح کرده است. هدف اصلی این سازمان غیرانتفاعی بررسی برداشت‌های نادرست از اسلام و مسلمانان در آمریکای شمالی است. با این حال، بسیاری از موارد پیشنهادی آنها در می‌توان در بافت‌های جغرافیایی و اجتماعی دیگر نیز به کار گرفت. بسیاری از نامه‌هایی که برای سردبیران فرستاده می‌شوند به مرحله چاپ نمی‌رسند؛ زیرا یا خیلی طولانی‌اند یا این که پیام آنها صریح بیان نشده است. برای این که احتمال چاپ نوشته خود را افزایش دهید، به موارد زیر توجه کنید:

الف. سعی کنید نامه شما بیش از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه نباشد. زمان و جا از مهم‌ترین عوامل در رسانه‌هاست. بهتر است نامه‌ای مختصر اما قوی و چالش‌انگیز بنویسید تا نامه‌ای مفصل و طولانی که باید بارها و بارها ویرایش شود که سرانجام به متنی موجز و تأثیرگذار تبدیل شود و بتواند موضع شما یا منظور اصلی‌تان را بیان کند.

ب. موضوع واحد و مشخصی را انتخاب کنید و سعی کنید که مسائل دیگر را وارد آن نکنید. نامه باید کوتاه باشد. بنابراین، نمی‌توانید همه موضوعات را، بدون توجه به اهمیت آنها، مطرح کنید. اساسی‌ترین موضوع را برگزینید و بر روی همان متمرکز شوید.

پ. نامه خود را خطاب به سردبیر روزنامه بنویسید، کسی که در نهایت باید تصمیم بگیرد که نامه شما چاپ شود یا خیر. چنانچه نامه به شخص سردبیر برسد، امکان چاپ آن بیشتر است. بهتر است که نسخه‌ای از نامه خود را برای رسانه‌های دیگر نیز بفرستید، خصوصاً اگر نامی از آنها را در نامه‌تان ذکر کرده‌اید.

ت. می‌توانید مطلب خود را احساساتی یا بحث‌برانگیز بنویسید، اما از لفاظی و توهین پرهیز کنید. لفاظی و شعار از تأثیر و اعتبار نامه شما می‌کاهد.

ث. منظور خود را در جمله اول و با استفاده از ۲۵ کلمه یا کمتر بیان کنید. خواننده باید به سرعت متوجه اصل مطلب شود؛ در غیر این صورت، ممکن است علاقه خود را به خواندن بقیه متن از دست بدهد.

ج. کمترین ولی مهم‌ترین اطلاعات را درباره موضوع به دست دهید تا از مطالعه نامه شما چیزی دستگیر خواننده شود.

چ. به منابع بی‌طرف استناد کنید. بسیار مهم است که در پس مدعای خود، اسناد و شواهد کافی داشته باشید که البته مفهوم آن داشتن اطلاعات آماری و علمی نیست. مهم این است که تجارب و مشاهدات شما منسجم نوشته شوند و چه بسا همین قابل قبول باشد.

ح. راه حل ارائه دهید. بیان بدیهیات به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد. نامه شما باید با انتقادی سازنده یا راه‌حلی عملی و پیشنهادهای مناسبی همراه باشد.

به چند نمونه توجه کنید:

سر دبیر محترم،

در شماره آخر، در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه: مشکلات و بحران» در تاریخ [...] نوشته [...] همه مسلمانان تروریست خوانده شده‌اند. این کلی‌گویی، از نظر حرفه روزنامه‌نگاری ناپسند و نژادپرستانه است. این کار مسلمانان امریکای شمالی را رنجانده و به همزیستی مردم لطمه می‌زند. ما، اعضای انجمن مسلمانان اوتاوا، از نویسنده این گزارش می‌خواهیم از همه عذرخواهی کند. از مجله هم انتظار داریم خوانندگان خود را، که اکثراً مسلمان‌اند محترم بشمارند. بسیار مهم است که در نشریه خود به این نکات ظریف و عواقب آن توجه کنید و دقت بیشتری به خرج دهید تا دیگر تصویری تحریف‌شده و نادرست از هیچ گروه یا موضوعی به مردم ارائه ندهید.

انجمن مسلمانان اوتاوا

[نشانی]

سر دبیر محترم،

در مقام شهروندی کانادایی و فردی دانشجو، نارضایتی خود را از چاپ مقاله‌ای در تاریخ [...] درباره فلسطین اعلام می‌دارم. این مقاله همه فلسطینیان را تروریست معرفی می‌کند. من خواننده همیشگی نشریه شما هستم و همواره گزارش‌های شما را عادلانه و دقیق می‌دانستم؛ اما حالا، با خواندن این گزارش، آزرده‌خاطر شدم. شما و نویسنده این گزارش یک عذرخواهی به همه خوانندگان خود بدهکارید. نظریه‌های نژادپرستانه و متعصبانه را نمی‌توان در رسانه‌ها یا جاهای دیگر تحمل کرد و وظیفه خطیر روزنامه شما این است که در گزارش‌ها از چنین قضاوت‌هایی پرهیز کند. چنین نظریات تحریک‌آمیزی موجب ایجاد تنش در جامعه می‌شود.

با احترام،
[نام و امضا]
[نشانی]

مخاطب قرارداد رادیو و تلویزیون

غالباً، در دستیابی به رادیو و تلویزیون محدودیت‌هایی وجود دارد؛ خصوصاً در کشورهایی که دولت یا برخی شرکت‌ها این رسانه‌ها را انحصاراً در اختیار دارند. ولی در جاهایی که امکان دستیابی باشد، رادیو و تلویزیون کانال‌های مهمی برای اطلاع‌رسانی به عموم مردم هستند. فعالیت‌های راهبردی، گاهی حتی بسته‌ترین و مهارشده‌ترین نظام‌ها را نیز به جرابگویی یا واکنش به مشکلات سیاسی و اجتماعی مردم وادار می‌کند.

در ۱۹۹۵، «شورای زنان مسلمان کانادا»^{۸۵}، در بخشی از کنفرانس سالانه خود، کارگاهی آموزشی در زمینه رسانه‌ها ترتیب داد و در آن به

بررسی مسائلی پرداخت که زنان مسلمان کانادا و دیگر کشورها با آن دست به گریبان‌اند. این شورا از همهٔ مسلمانان خواسته بود که در مقابل ارائهٔ تصویر نادرست از اسلام و جوامع مسلمان که منجر به برداشت‌های نادرست می‌شود، واکنش نشان دهند. این کارگاه آموزشی راه‌های مخاطب‌قرار دادن رسانه‌های محلی و ملی و نحوهٔ نشان دادن جوامع مسلمان در آنها را بررسی کرد. نکات زیر، که در این کارگاه بیان شدند، راهنمای مفیدی هستند برای این‌که بتوانید مشکلات و نگرانی‌های خود را با روزنامه‌های محلی و ملی در میان بگذارید. یکی از اعضای شورا که خود نیز روزنامه‌نگار بوده دستورعمل‌های زیر را پیشنهاد کرده است که با استفاده از آنها افراد و سازمان‌ها می‌توانند رسانه‌ها را برای حمایت از خود یا بیان مشکلات بسیج کنند:

الف. بهتر است یک نفر را به عنوان رابط رسانه‌ای برگزینید. این کار بسیار مهم است؛ زیرا به شما امکان می‌دهد بین سازمان خود و رسانه‌ها ارتباط برقرار کنید و شبکهٔ ارتباطی رسانه‌ای مؤثری به وجود آورید. در صورتی که گزارشگران و سردبیران نمایندهٔ شما را خوب بشناسند، احتمال این‌که طرح‌ها و ابتکارات شما را بپذیرند بیشتر است.

ب. نکتهٔ مهم تشخیص برنامه‌های مناسبی است که در جهت منافع سازمان شما باشد. بهتر است این را هم بدانیم که هر گزارشگری چه موضوعی را پوشش می‌دهد. مثلاً، تماس با گزارشگری ورزشی برای تهیهٔ گزارش دربارهٔ راهپیمایی مربوط به مسائل بهداشتی احتمالاً نتیجهٔ خوبی نخواهد داشت. تهیهٔ فهرستی از گزارشگران و مشخص کردن موضوعاتی که هر یک از گزارشگران می‌توانند پوشش دهند (اجتماعی، بهداشتی، محیط‌زیستی) به شما کمک می‌کند مواد و اطلاعات لازم را در اختیار خبرنگار یا گزارشگر مناسبی قرار بدهید.

پ. به یاد داشته باشید که گزارش‌های شما اغلب با توجه به محدودیت‌های زمانی خلاصه می‌شوند. پیام شما باید بسیار صریح و

مختصر باشد، به طوری که نتوان در آن دست برد یا آن را تحریف کرد. بدانید که معمولاً خبرنگاران درباره این که موضوعاتی باید پوشش داده شود تصمیم نمی گیرند. خبرنگاران گزارش هایی را پیشنهاد می کنند و سردبیران در مورد پخش آنها تصمیم می گیرند. پس بهتر است که نام تهیه کنندگان و سردبیران را نیز بدانید و مطالب خود را برای آنها هم بفرستید.

ت. خودتان را کامل معرفی کنید و علایقتان را بگویید. اگر خود را خوب معرفی نکنید، به ناچار رسانه این کار را خواهد کرد. اهداف خود را صریح توضیح دهید، به خصوص اگر عضوی از گروهی تبلیغاتی یا اطلاعاتی یا مشاوره ای باشید. در این صورت، مواضع روشن گروهتان را بیان کنید، ولی از بیان مواردی که گروه شما با آن مخالف است بپرهیزید. ث. بسیار مهم است که تلاش کنید با دیدگاه و محدودیت رسانه آشنا شوید. سعی کنید اهل مشارکت باشید و بتوانید افراد را قانع کنید و تصور نکنید که اگر رسانه ای یک بار مطلب شما را رد کرد، دیگر به سراغتان نخواهد آمد. ارتباطتان را با آنها حفظ کنید و به یاد داشته باشید که رسانه ها بی ثبات اند و توجه آنها سریعاً به سوی دیگری جلب می شود. ممکن است این هفته به شما توجه نکنند، اما سه هفته بعد به سراغتان بیایند. ممکن است رسانه ها آزادی لازم را برای طرح یک موضوع نداشته باشند، اما باید از همه مسائل آگاه باشند.

ج. مهلت تعیین شده برای ارائه گزارش را در نظر داشته باشید. معمولاً، موعد تحویل خبر در تلویزیون روزانه و در رادیو ساعتی است. ازدست دادن مهلتی که به شما داده اند یعنی ازدست دادن فرصت ابراز عقیده. با این کار، ممکن است شما یا سازمانتان وقت شناس و غیرقابل اعتماد شناخته شوید.

راهنمای اولیه برای تنظیم اطلاعیه مطبوعاتی

اطلاعیه مطبوعاتی بیانهای کوتاه است که برای روزنامه‌ها یا سایر رسانه‌ها تهیه می‌شود تا رویدادی خاص یا مسئله‌ای را که ارزش خبری دارد منعکس کنند. به ارزانی و آسانی می‌توانید از طریق اطلاعیه مطبوعاتی اطلاعات لازم را درباره تحولی خاص و موضوع یا رویدادی اجتماعی به دست آورند. گروه حقوق بشر سازمان عفو بین‌الملل نکات زیر را برای تهیه اطلاعیه مطبوعاتی تأثیرگذار، در کتابچه راهنمای مخصوص اعضای خود آورده است:

الف. متن باید کوتاه و خلاصه باشد. بیش از دو صفحه نباشد و زبان ساده‌ای داشته باشد. متن طولانی احتمالاً یا دور انداخته می‌شود یا چنان بازنویسی می‌شود که پیامش را از دست می‌دهد.

ب. پیام اصلی و مهم‌ترین نکته را در اولین جمله بیان کنید.

پ. بر اهمیت جنبه محلی موضوع تأکید داشته باشید. هر واقعه مهم یا شخصیت معروفی را که احتمال می‌دهید در این زمینه مطرح شود در نامه خود ذکر کنید.

ت. اطلاعیه مطبوعاتی را با فاصله کافی بین خطوط تایپ کنید.

ث. نام و شماره تلفن فردی را در اختیار مخاطبان خود قرار دهید که اطلاعات کاملی درباره اطلاعیه مطبوعاتی داشته باشد و بتواند به سؤالات خبرنگاران پاسخ دهد.

ج. پیوسته فهرست افرادی را که می‌توانید در مطبوعات با آنها تماس بگیرید روزآمد کنید.

در اینجا، دو نمونه از اطلاعیه‌های مطبوعاتی، از سازمان عفو بین‌الملل و شرکت‌گاه (مرکز مطالعاتی زنان در پاکستان) می‌آوریم. اطلاعیه شرکت‌گاه در واکنش به موج تبلیغات منفی و فرصت‌طلبانه قاضی حسین احمد، رهبر گروه محافظه‌کار و به‌شدت مردسالارانه سیاسی جماعت اسلامی، منتشر شده و مخاطب آن سازمان‌های غیردولتی

بوده‌اند که در دفاع از حقوق زنان و تساوی اجتماعی آنان فعالیت می‌کرده‌اند.

اطلاعیه مطبوعاتی سازمان عفو بین‌الملل

[تاریخ انتشار]

سازمان عفو بین‌الملل روزنامه‌ای دیواری به زبان چینی تهیه کرده است. گروه محلی سازمان عفو بین‌الملل، که جزء نهضت جهانی حقوق بشر محسوب می‌شود، قصد دارد، در روز شنبه همین هفته، روزنامه‌ای دیواری به زبان چینی، در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری، به یاد قتل‌عام در میدان تیانانمن نصب کند.

در چین، روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون را دولت اداره می‌کند. حوادثی را که رسانه‌های عمومی پوشش نمی‌دهند یا به تشخیص دولت در روزنامه‌ها و مجلات چاپ نمی‌شوند با روزنامه دیواری به اطلاع عموم می‌رسانند. این کار وسیله ارتباطی مناسبی برای جنبش طرفداران مردم‌سالاری چین شده است. این روزنامه‌های دیواری غیرقانونی نیستند.

در روزنامه دیواری سازمان عفو بین‌الملل، اسامی صدها نفر از افرادی که زندانی شده‌اند یا از ۱۹۸۹ تا به امروز اعدام شده‌اند ذکر خواهد شد. اعضای محلی این سازمان، روز شنبه بین ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعدازظهر، با حضور در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری، عریضه‌هایی توزیع خواهند کرد و در مورد وضعیت حقوق بشر در چین مطالبی به اطلاع عموم خواهند رساند.

برای کسب اطلاعات بیشتر، تماس بگیرید با:

[نام و شماره تلفن]

[دورنگار]

[نشانی پست الکترونیکی]

شرکت‌گاه

اطلاعیه مطبوعاتی

شرکت‌گاه اعتراض شدید خود را به اظهارات گمراه‌کننده و نادرست قاضی حسین احمد، رهبر جماعت اسلامی، و فعالیت‌های مستمر ایشان علیه سازمان‌های غیردولتی که نقش مهمی در توسعه کشور دارند، اعلام می‌دارد. هم‌اکنون نیز ایشان بدون دلیل شرکت‌گاه را هدف حملات مستقیم خود قرار داده است.

برخلاف برداشت ایشان، بیانیه پکن در مورد سیاست کار و عمل دولت پاکستان به امضا رسیده است. این بیانیه برنامه موسوم به برنامه ملی کار و عمل را به عنوان طرح کلی و رسمی برای اجرای تعهدات خود در چهارمین کنفرانس بین‌المللی زنان در پکن انتخاب کرده است. این برنامه را صدها کارشناس و سازمان، که شرکت‌گاه تنها یکی از آنهاست، در شورایی ملی تهیه و تنظیم کرده‌اند.

شرکت‌گاه تأکید دارد که کمیسیون تحقیقات زنان، که با رأی اکثریت اعضای سنا، که قاضی حسین احمد نیز عضو آن بوده، تأسیس شد، پیشنهاد لغو مفاد اساسنامه دادگاه فدرال شریعت را داد.

با توجه به اعتراض نابجای رهبر جماعت به اعطای حق نمایندگی یکسان به زنان در شورای اتحادیه، به نظر می‌رسد که این اعتراض با گفته‌های وی مبنی بر اعتقاد به احقاق حقوق زنان و توانمندسازی آنان، مغایرت دارد. اعتراض جماعت علیه کرسی‌های محفوظ اغفال‌کننده است؛ زیرا در عمل هیچ تردیدی در معرفی کاندیداهای دیگر برای اشغال این کرسی‌ها وجود ندارد.

[امضا]

[تاریخ]

رایزنی مستقیم

اگرچه بسیاری از روش‌هایی را که تاکنون در مورد آنها بحث کرده‌ایم می‌توان زیر عنوان رایزنی طبقه‌بندی کرد، اما روش مشارکتی دیگری نیز وجود دارد که مشخصاً رایزنی نامیده می‌شود. در این روش، سازمان یا گروهی به ملاقات مقامات دولتی می‌رود تا دربارهٔ مسئله‌ای خاص بحث و گفت‌وگو کند. این گروه، پس از یک دوره تحقیقات گسترده، از مقامات تقاضای ملاقات می‌کند، و با در اختیار داشتن اسناد و مدارک لازم به بحث در مورد موضوع موردنظر می‌پردازد. برای رایزنی مؤثر، باید تحقیقات لازم را انجام داد و اطلاعات ضروری را جمع‌آوری کرد. زمانی رایزنی نتیجه‌بخش است که مقامات از صحت اطلاعات مطمئن شوند و به اهمیت موضع شما پی ببرند. محدود کردن کلام به برخی نکات خاص کمک چندانی به موفقیت شما می‌کند. افرادی که رایزنی می‌کنند باید بتوانند سؤالاتی را مطرح کنند و به‌خوبی شرایط خود را توضیح دهند. در چنین موقعیتی، گوش دادن به سخنان دیگران اهمیت فراوانی دارد. بهتر است که قبل از ملاقات با مقامات در درون سازمان خود جلساتی را برگزار کنید و در مورد مسائل موردنظر گفت‌وگو کنید تا آمادگی لازم را به‌دست آورید. برای صرفه‌جویی در وقت و نتیجه‌بخشی بهتر، پیش از شروع جلسه، دستور جلسه‌ای را فراهم کنید.

نکتهٔ مهم این است که از موضوعی که در مورد آن رایزنی می‌شود باید حمایت کافی بشود تا بتواند تصمیم‌گیرندگان را متقاعد سازد. کسانی که رایزنی می‌کنند باید افرادی سیاستمدار باشند و بتوانند

مخاطبان را متقاعد کنند و به خوبی با آداب چنین جلساتی و نحوه رفتار مناسب در آنها آشنایی داشته باشند و بتوانند با مخاطبان خود رابطه برقرار کنند. مهم است که پس از جلسه، نامه تشکرآمیزی برای آنها بفرستید و موضوع را نیز به آنها یادآور شوید. فعالیت سازمان زنان مدافع حقوق بشر زنان در ترکیه (بخش اول) که به تغییر قانون خانواده در ترکیه، قانونی که عامل اصلی خشونت خانگی بود، نیز انجامید، و گروه تحقیق و عمل زنان سری لانکا (بخش اول) نیز نمونه‌های خوبی از این نوع رایزنی‌اند.

رایزنی در ساختار موجود جامعه صورت می‌گیرد تا بتواند تغییراتی بلندمدت به وجود آورد. اغلب، حتی پس از این که تغییری ایجاد شود، رایزنی گروه ادامه پیدا می‌کند و عاملان آن بر جریان اصلاحات نظارت می‌کنند یا برای ایجاد تغییرات دیگری فشار می‌آورند. اگر این گروه بتوانند طرفدارانی در میان شهروندان عادی، گروه‌ها، سازمان‌ها، و افراد نافذ پیدا کنند، مؤثرتر خواهند بود. رایزنی نیاز به تلاشی مداوم دارد؛ افراد باید همواره در صحنه اجتماع حضور داشته باشند و ملاقات‌های مستمر با مقامات و هیئت‌های رسمی ترتیب دهند. رایزنی مستقیم کاری خسته‌کننده است و نیاز به صبر و پشتکار فراوان دارد، و به همین سبب هم تغییرات بسیار کند اتفاق می‌افتد.

پیوست

در اینجا، گزیده‌ای از مراکز حامی حقوق بشر را، به‌ویژه در زمینه حقوق زنان، دموکراسی، تساوی جنسیتی و صلح، فهرست می‌کنیم. توجه داشته باشید که این فهرست همه سازمان‌هایی را که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند دربر نمی‌گیرد. بیشتر این سازمان‌ها اطلاعات لازم را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهند. علاوه بر این، کسانی را که نیاز به حمایت دارند راهنمایی می‌کنند تا با سازمان مربوط ارتباط برقرار کنند.

UN High Commissioner for Human Rights,
Office of the United Nations,
CH 1211, Geneva 10,
Switzerland; Tel: (41) 22-917-9000;
Email: webadmin.hchr@unog.ch

UN Division for the Advancement of Women (DAW)
12th Floor DC-2
2 United Nations Plaza
United Nations
New York, NY 10017, USA
T: 212-963-8766 ... F: 212-963-3463
Email: daw@undp.org
Website: <http://www.un.org/womenwatch/daw>

United Nations Development Fund for Women (UNIFEM)

304 East 45th Street, 6th Floor

New York, NY 10017, USA

Tel: 212-906-6400

Fax: 212-906-6705

Email: unifem@undp.org

Website: <http://www.unifem.undp.org>

**International Center For Human Rights and Democratic
Development**

63, Rue De Bresoles

Montreal, Quebec

Canada, H2Y, IV7

Tel: (514) 283-6073

Fax: (514)283-3792

Email: ichrdd@ichrdd.ca

Website: <http://www.ichrdd.ca>

Women Living Under Muslim Laws

P.O. Box 28445, London N195NZ, Uk

Tel: 44-207-2630285

Email: wluml@wluml.org

Web: WWW.wluml.org

**Shirkat Gah Women's Resource Center/ Women Living Under
Muslim Laws**

68 Tipu Block

New Garden Town

Lahore, Pakistan

Tel: 92-42-583-6554/583-8815/5832448

Fax: 92-42-586-0185

Email: sgah@lhr.comsats.net.pk &
sgah@sgah.brain.net.pk

BAOBAB/ Women Living Under Muslim Laws

Flat 1, 25 Musa Yar Adua Street

P.O. Box 73630, Victoria Island

Lagos, Nigeria

Tel: 234-1-2626267, 3400484

Tel/FAX 234-1-2626267

Email: baobab@baobab.com.ng

Web: <http://www.baobabwomen.org>

<http://www.baobabwomen.org.contact.html>

Muslim Women's Research and Action Forum

21/25, Polhengoda Gardens

Colombo-5

Sir Lanka

Tel./Fax :074-405902

Email: mwraf@pan.lk

Ain O Salish Kendra (Ask)

26/3 Purana Paltan Line

Dhaka, Bangladesh 1000

Tel: 880-2-8315851, 936036

Fax: 8802-8318561

Email: info@askbd.org, ask@citechco.net

<http://www.askbd.org/>

WOMEN FOR WOMEN'S HUMAN RIGHTS/ NEW WAYS

Inonu Cad. No: 37 /6 Saadet apt.

Gumussuyu 80090 Istanbul - TURKEY

Tel: (90) 212 - 251 0029

Fax: (90) 212 - 251 0065

Email: wwhrist@superonline.com

**International Women's Rights Action Watch Asia-Pacific (IWRAW
Asia-Pacific)**

2nd Floor, Block F

Anjung Felda

Jalan Maktab

5400 Kuala Lumpur, Malaysia

Tel: 603-291-3292

Fax: 603-292-9958

Email: iwraw@po.jaring.my

Isis International, Manila

PO Box 1837

Quezon City Main

Quezon City 1100, Philippines

Tel/Fax: (632) 435-3408

Email: Isis@mnl.sequel.net

ISIS Women's International Cross-Cultural Exchange (Isis-WICCE)

P.O. Box 4934 Kampala

Uganda, East Africa

Tel: 256-41-266007/8

F: 256-41-268676

Email: isis@starcom.co.ug

Human Rights Watch

350 Fifth Avenue, 34th Floor

New York, NY 10108-3299, USA

Tel: 212-290-4700

Fax: 212-736-1300

Email: hrwnyc@hrw.org

Website: <http://www.hrw.org>

International Women's Tribune Centre (IWTC)

777 United Nations Plaza

New York, NY 10017, USA

Tel.: 212-687-8633

Fax: 212-661-2704

Email: iwtc@igc.apc.org

Amnesty International USA (Headquarters)

322 8th Avenue

New York, NY 10001, USA

Tel: 212-633-4200

Fax: 212-463-9193

Website: <http://www.amnesty.org>

Or

304 Pennsylvania Avenue, S.E.

Washington, D.C. 20003, USA

Tel: 202-544-0200

Fax: 202-546-7142

Or

International Secretariat

1 Easton Street

London WC1X 8DJ, United Kingdom

Tel: (44 171) 413-5500

Fax: (44 171) 956-1157

E-Mails:

International Secretariat: amnestyis@amnesty.org

USA: admin-us@aiusa.org

Palestine: amnestypal@hotmail.com

Bangladesh: admin-bd@amnesty.org

Pakistan: amnesty@cyber.net.pk

Women for Women International

733 15th Street NW11, Suite 310

Washington, DC 2005

Phone: (202)737-7705

Phone: (202)737-7709

Info@womenforwomen.org

All Women's Action Society

11 Jalan 7/2, Jalan Bulit Menteri Selatan, 46050

Petaling Jaya

Selangor, Malaysia

Fax: 603-7573312

Sisterhood Is Global Institute - Jordan (SIGI/J)

5 Nadim Al-Mallah Street

Jebel El-Lweibdeh

Amman, Jordan

Tel/Fax: 962-6-462-3773

Email: sigi@firstnet.com.jo

Web: <http://www.sigi.org/Programs/KPP/kppjordan.htm>

Sisterhood is Global (canada, International office)

1200 Atwater #2

Montreal, Quebec,

Canada H3Z 1X4

Tel.: (514)846,9366

Fax: (514)846,9066

Email: Sigi@qc.abin.com

Web.: www.sigi.org

Feminist Majority Foundation
1600 Wilson Boulevard, Suite 801
Arlington, Virginia, 22209
USA
Tel: (703) 522-2214
Fax: (703) 522-2219
femmaj@feminist.org

Asian Centre for Women's Human Rights (ASCENT)
Suite 306 MJB Building
220 Tomas Morato Avenue
Quezon City, Philippines
Tel: (63-2) 928-4973
Fax: (63-2) 911-0513
Telefax: (63-2) 533-0452
Email: ascent@mnl.cyberspace.com.ph

Association for Community Development
H-41 Sagarpara
Rajshahi, Bangladesh
Forum Against Oppression of Women
29, Bhatia Bhavan
Babrekar Marg
Dadar, Bombay 400028
India
Tel: 91-22-422-2436
Email: admin@faow.ilbom.ernet.in
swatija@faow.ilbom.ernet.in

Simorgh Women's Resource and Publication Centre

P.O. Box 3328, Gulberg - II
Lahore, Pakistan
T: 92-42-575-7195

Sisters in Islam
JKR No. 851
Jalan Lapangan Terbang Lama
50460 Kuala Lumpur, Malaysia
T/F: (603) 242-6121
Email: sis@sisfora.po.my

Women in Need (WIN)
No. 7 Alfred House Avenue
Colombo 3, Sri Lanka

Women's Aid Organization
PO Box 493 Jalan Sultan
46760 Petaling Jaya
Selangor, Malaysia
Tel: 60-3-7563488, 603-7554426
Fax: 60-3-7563237
Email: wao@po.jaring.my

Human Rights Forum for Women's Rights
PO Box 921687
Amman, Jordan
Telefax: 859873

Jordanian Women's Union
PO Box 960723
Amman, Jordan
Fax: 96-2-66-87-061

The Legal Research and Resource Center for Human Rights

7 Al Higaz Street, Roxi Heliopolis

Cairo, Egypt

Tel: 011-202-259-6622

Fax: 011-202-452-0977

Email: lrrc@frco.eun.eg

Website: <http://www.geocities.com/~lrrc/>

The Permanent Arab Court To Resist Violence Against Women

League of Lebanese Women's Rights

Wata Mousseitbe

Beirut, Lebanon

P.O. Box 14/5140

Tel/Fax: 961-1-817820

Yemeni Federation of Women's Organizations

Center for Empirical Research and Women's Studies

Sana`a` University

Dr. Raufa Al-Sharqi

P.O. Box 1802

Sana`a` ROY, Republic of Yemen

Tel: 967-01-219339

Fax: 967-01-219341

Babikir Badri Association for Research on Women

Ahfad University for Women

P.O. Box 167

Omdurman, Sudan

Tunisian Association of Democratic Women

6, Rue de Liban

Tunis, Tunisia

T: 216-794-131

Commission Internationale pour l'Abolition des Mutilations
Sexuelles (CAMS)

[International Commission for the Abolition of Sexual Mutilation]

B.P. 811

Dakar, Senegal

Inter-African Committee on Traditional Practices Affecting the
Health of Women and
Children (IAC)

147 Rue de Lausanne

CH-1202, Geneva, Switzerland

(with affiliates in 17 African countries)

War Resisters' International Women's Working Group

5 Caledonian Rd.

London N1 9DX, United Kingdom

T: 44-171-278-4040 ... F: 44-171-278-0444

Email: warresisters@gn.apc.org

Women's International League for Peace and Freedom (WILPF)

1, Rue de Varembe, CP28

1211 Geneva, Switzerland

Tel: 41-22-733-6175

F: 41-22-740-1063

Email: womensleague@gn.apc.org

Web: <http://www.wilpf.org>

Arab Women Court: the Permanent Arab Court to Resist
Violence Against Women

P.O Box 14/5745, Beirut, Lebanon.

E-mail: awcourt@dm.net.lb

Info@arabwomencourt.org

Web. : <http://www.arabwomencourt.org>

Canadian Council of Muslim Women

2400 Dandass St. West

Suite 513

Mississauga, Ontario

Canada L5K 2R8

web.: www.ccmw.com

email: jaffl@telusplanet.net

Council On American-Islamic Relations (CAIR)

1511 K Street N.W., Suite 807

Washington, D.C.

20005

USA

Web : <http://www.cair-net.org>

ساختن جامعه‌ای مدنی منوط به مشارکت عمومی در مسیری است که جامعه در آن پیش می‌رود، براساس ارزش‌های رایج و امکاناتی که در اختیار افراد قرار می‌گیرد. با وجود این، دولت‌ها، سیاستمداران و نخبگان این تلقی نادرست را ایجاد می‌کنند که فقط آنها صلاحیت مشارکت سیاسی و اجتماعی دارند و مردم عادی سهم ناچیزی در این امور دارند. چنین تلقی‌ای باعث شده بسیاری از صداها خاموش بماند و نگرانی‌ها و مسائل منعکس نشود. در این کتاب، مواردی واقعی و نمونه‌هایی از اقدامات مردم عادی را در بافت‌های اجتماعی و سیاسی متفاوت بیان کرده‌ایم. این اقدامات، که به معنی مشارکت اجتماعی و سیاسی است، به منظور برقراری عدالت و دموکراسی، و احقاق حقوق بشر انجام شده است. مشارکت سیاسی لزوماً نباید به‌طور رسمی، یا از طریق افراد عالی‌رتبه، یا با به‌کاربردن تعبیرهای دشوار و پیچیده در مکاتبات شروع شود. علاوه بر این، کتاب حاضر حاوی راهنمایی‌های اولیه برای مشارکت افرادی است که خواهان جامعه‌ای بهتر و مطلوب‌ترند، و نیز کسانی که هیچ‌گونه بی‌عدالتی نسبت به خود و دیگران را بر نمی‌تابند، حتی زمانی که این بی‌عدالتی تحت لوای فرهنگ و سنت مشروع جلوه داده شود. فراموش نکنیم در جهان امروز، که جوامع در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگرند، می‌توان با اقدامات محلی در ایجاد جوامعی بهتر مشارکت فعال داشت.